مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

زهد در کلام معصومین (علیهم‌السلام)

محسن علی نجیمی

بسم الله الرحمن الرحیم

زهـد در کلام معصومین علیهم السلام

نویسنده:

محسن علی نجیمی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زه_د در کلام معصومین علیهم السلام

مشخصات کتاب

زهد در کلام معصومین علیهم السلام

کد: ۶۸۹

نویسنده: محسن علی نجیمی

ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ اول / ۱۳۸۲

شمارگان: ۱۲۰۰

بها: ۸۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRCgIRIB.COM

اینترانت:http://WWW.IRC.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۷-۲۶-۷۸۰۸-۷-۲۶-۷۸۰۸-۹۶۴ :ISBN۹۶۴ /

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

بخش پنجم: آثار زهد در روایات معصومین

دیباچه

دیباچه

در هر جامعه ای برای جلوگیری از فساد و تباهی کج روی اهرم هایی وجود دارد. برخی از این اهرم ها نقش پیش گیری و بازدارندگی و برخی دیگر نقش مبارزه و از میان بردن فساد را ایفا می کنند.

یکی از فسادهای بزرگی که جامعه اسلامی را تهدید می کند، دنیاخواهی و دنیاپرستی است. البته روشن است چنان چه مسلمانان و اجتماع آنان، به چنین بیماری مُهلِکی دچار گردند، خود و جامعه را در ورطه نابودی قرار خواهند داد؛ زیرا حیات حقیقی جامعه اسلامی بر ایثار، از خودگذشتگی، انفاق، دست گیری از دیگران و... استوار است. هر گاه این مفاهیم و ارزش های گران سنگ، کم رنگ گردند، جز پوسته ای بی ارزش و بی روح از جامعه اسلامی بر جای نخواهد ماند.

اسلام برای سازندگی فرد و جامعه و حرکت به سوی تکامل حقیقی، دارای طرح و برنامه حساب شده، منطقی و گسترده است. یکی از اهرم های بازدارنده در جهت دنیاطلبی انسان ها، «زهد» است. به راستی با دقت در مفهوم دنیاطلبی، فسادها و پی آمدهای ناگوار آن بر زندگی فردی و اجتماعی بشر، به اهمیت موضوع و نیز تأکید امامان معصوم علیهم السلام به زهد پی برد.

دین کامل اسلام، نه دنیا را از انسان گرفته است و نه آخرت را؛ بلکه دنیا و آخرت را به گونه ای برای مسلمان جمع کرده است که به هیچ کدام آسیبی وارد نیاید. زهد حقیقی از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام در حالی که انسان را بریده از دنیا نمی کند، مسئولیت های فراوانی را بر دوش او می نهند. با

بی رغبتی به دنیا او را به سمت ارزش های والایی همچون ایثار و انفاق رهنمون می سازد.

زهـد به معنای بی رغبتی به چیزی، و قناعت به کمِ آن است و در اصـطلاح نداشـتن گرایش و رغبتِ قلبی به زهـدورزی انسان تأثیر دارد که بهترین آن حب الهی است.

بی رغبتی به دنیـا آثـار گونـاگونی در زنـدگی فردی و اجتمـاعی و دنیایی و آخرتی دارد که در روایت های ائمه اطهار علیهم السلام بدان ها اشاره گردیده است. نیز آفت هایی دارد که به واسطه آن نمی توان به زهد واقعی دست یافت؛ مهم ترین آن ها دوستی دنیا است.

به هر حـال بـا توجه به اهمّیت مسـئله زهـد، لازم بود به چنین موضوعی اهتمام می شـد. این اهمّیت به انـدازه ای است که باید موضوع به صورت های گوناگون در صدا و سیمای جمهوری اسلامی مطرح گردد.

امیـد اسـت ایـن پژوهش، مـورد اسـتفاده برنـامه سـازان محـترم قرار گیرد. تـا در پرتـوِ آن، زمینـه بالنـدگی ایمـانی بیننـدگان و شنوندگان رسانه فراهم گردد و در نتیجه، زهد واقعی جایگاه خود را در جامعه اسلامی بیش از پیش به دست آورد.

این پژوهش حاصل همکاری مشترک مرکز پژوهش های اسـلامی صدا و سـیما و دانشـگاه قم است. با تشکر از عزیزانی که ما را در تهیه این اثر یاری کردنـد، امیـد داریم در پرتو تعامل علمی هر چه بیش تر شاهـد شـکوفایی روز افزون فرهنگی اسـلامی کشورمان باشیم.

انشاءاللّه

انّه ولیّ التوفیق

مدیریت پژوهشی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

انسـان در زنـدگی اجتمـاعی خود بـا خواسـته های بی شـمار و زیبایی های بسـیار دنیایی روبه رو است. از سویی خواسـته ها و کمـال طلبی هـای انسـانی ریشه فطری دارد، و از سوی دیگر نیازمنـدی هـای وی و نیز گرایش هـا و امور دنیـایی، انسانی را به سوی خود می کشانـد. از این رو، در مسـیر زنـدگی برخی راه افراط در پیش گرفته، همه چیز را فـدای دنیای شان می کننـد و برخی دیگر راه تفریط برگزیده، برای رسیدن به کمالِ فطری شان، از دنیا کناره گرفته اند.

برخی واژگان و مفاهیم اسـلامی بر اثر تبیین نشـدن درست از زنـدگی اجتماعی ـ فردی انسان ترک شـده است. زهـد یکی از آن مفـاهیم است که درباره آن افراط هایی صورت گرفته است. بسـیاری زهـد را صـفتی همراه با ترک تلاش های اجتماعی و انزواطلبی پنداشته اند، در صورتی که همه مفاهیم اسلامی حیات بخش، سازنده و حرکت آفرین است. استاد شهید مطهری می فرماید:

یـا اَیُّهَا الَّذینَ امَنوُا اسْـتَجیبوُا للّه ِ وَ لِلرَّسوُلِ اِذا دَعاکُمْ لِما یُحْییکُمْ(۱)؛ تمامی تعلیمات اسـلامی حیات بخش و زنده کننده است. یعنی وقتی به انسـان می رسـد، به انسـان روح و حیـات و تحرّک می بخشـد؛ بنابراین هر مفهومی از مفاهیم اسـلامی که حیات بخش و زنده کننده نباشد، مفهوم صحیحی از اسلام نیست.(۲)

۱- انفال، آیه ۲۴.

۲- حق و باطل، استاد شهید مطهریره، ص ۱۳۶ و ۱۳۷ با گزینش.

سخنان امامان معصوم علیهم السلام بهترین راه های دست یابی به زهد حقیقی را به ما نمایانده است.

انحرافات اساسی از دنیاخواهی و ناپرهیزگاری سرچشمه می گیرد. در جامعه ما نخستین تهدید متوجه خواص، به ویژه مسئولان است و امام راحل بارها در سخنان خود بر آن تأکید فرموده اند. رهبر معظم انقلاب حضرت آیه اللّه العظمی خامنه ای نیز بارها به این مهم اشاره نموده اند. ایشان با یادآوری دلبستگی سه تن از خواص زمان پیامبر به دنیاخواهی، می فرماید:

البته این مربوط به زمان خلفای راشدین است که مواظب و مفید بودند، اهمیت می دادند، پیامبر را سال های متمادی درک کرده بودند، هنوز فریاد پیامبر در مدینه طنین انداز بود و کسی مثل علی بن ابی اطالب علیه السلام در آن جامعه حاضر بود. بعد که قضیه منتقل به شام شد، دیگر مسأله از این حرف ها بسیار گذشت.(۱)

در بخش دیگر وظایف مسؤولان را مهم تر دانسته، می فرماید:

آن کسانی که حوزه حاکمیتشان از شخص خودشان وسیع تر است، هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب دیگران باشند. آن کسانی که در رأسند، هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب کل جامعه باشند که به سمت دنیاطلبی، به سمت دل بستن به زخارف دنیا و به سمت خودخواهی نروند.(۲)

مسئولان کشور باید به معنای واقعی کلمه از لحاظ زهد، معینی بی رغبتی به زخارف دنیایی سرمشق دیگران باشند، حدّ آن هم، حدّ ورع است.(۳)

۱- روزنامه کیهان، تاریخ ۱۹/۲/۱۳۷۷.

۲- روزنامه کیهان، تاریخ ۱۹/۲/۱۳۷۷.

۳- سخنان رهبرمعظم انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام اسلامی، ۱۴/۹/۱۳۶۹.

ایشان یکی از بارزترین ویژگی های حکومت علی علیه السلام را زهد دانسته و می فرماید:

بارزترین خصوصیت او ــ امیرالمؤمنین علیه السلام ــ دوران حکومتش که مربوط به امروز من و شما می شود، دو چیز است: یکی عدل اجتماعی؛ یکی زهد نسبت به دنیا.

عزیزان من این دو چیز را ما باید مثل پرچم در جامعه خودمان بلند کنیم.(۱)

با توجه به نقش مهم زهد و پرهیزگاری در سلامت بخش به جامعه اسلامی مان، به ویژه در مقطع کنونی و تأکیدهای پی در پی رهبر معظم انقلاب، نگارنده بر آن شد تا در این زمینه نوشتار حاضر را فراهم آورد.

در پایان از همه کسانی که این جانب را در به نتیجه رسیدن این نوشتار یاری رسانده اند، به ویژه استاد گرامی جناب آقای دکتر جعفر نکونام که زحمت های بسیاری متحمل گردیدند، تشکر و قدردانی نمایم. امید است مورد لطف حضرت بقیه اللّه، امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرند.

۱۰/۵/۱۳۸۱

محسن علی نجیمی

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب با قشرهای مختلف روم به مناسبت میلاد حضرت علی علیه السلام، ۵/۹/۱۳۷۵.

ص:۱۲

بخش اوّل: کلیات

اشاره

بخش اوّل: کلیات

در این فصل به تعریف، پیشینه و اهمیت زهد می پردازیم.

تعریف واژگانی زهد

اشاره

تعریف واژگانی زهد

زهد را بی رغبتی به چیزی و بسنده کردن به مقدار کم آن دانسته اند.

راغب اصفهانی در معنای زهد می نویسد: «الزهیدالشی ء القلیل و الزاهد فی الشی الراغب عنه و الراضی منه بالزهید ای القلیل [وَ کانُوا فِیهِ مِنَ الزّاهِدینَ(۱)(۲)]»؛ زهید چیز کم را گویند و زاهد یعنی روی گرداننده از چیزی و خشنودشونده به مقدار کم آن چنان چه قرآن درباره فروختن یوسف علیه السلام به قافله مصری می فرماید: آنان به بهایی اندك و ناچیز برای فروختن یوسف علیه السلام قانع بودند.

طُریحی مانند همین معنا را آورده، می گوید: «الزهد من الشی ء خلاف الرغبه فیه(۳)؛ زهد نسبت به چیزی عبارتست از عدم تمایل و گرایش قلبی نسبت بدان.

و دهخدا در مورد واژه زهد می نویسد:

بی رغبت شدن، ناخواهان شدن، پارسا شدن، ناخواهانی نمودن، روی برگردانیدن از چیزی به واسطه حقیر شمردن آن چیز، خلاف رغبت کردن و خواهش ننمودن به لذات دنیا، ترک دنیا و گرفتن اقل کفایت از حلال و

۱- یوسف، آیه ۲۰.

۲- معجم مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ص ۲۲۰. نیز در نهایه ابن اثیر آمده است: «افضل الناس مؤمن مزهد» المزهد: القلیل الشی ء. وقد أزهد ازهادا وشی ء زهید: قلیل و منه الحدیث «لیس علیه حساب و لاعلی مؤمن مزهد». و منه حدیث ساعه الجمعه «فجعل یزهدها» ای یقللها.

۳- مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، ج ۱، ص ۲۹۶.

ترک زاید.(۱)

بنابراین زهد در لغت یعنی بی رغبتی به چیزی و قناعت به کم آن.

معنای اصطلاحی زهد

اشاره

معنای اصطلاحی زهد

در این جا واژه زهد را در اصطلاح عالمان اخلاق و عرفان و حدیث بررسی می کنیم.

زهد نزد اهل اخلاق و عرفان

زهد نزد اهل اخلاق و عرفان

واژه زهد در اصطلاح اهل حقیقت، دشمن داشتن دنیا و روی گرداندن از آن است و برخی گفته اند ترک کردن راحتی دنیا به خاطر راحتی آخرت است. به اصطلاح سالکان، زهد بیرون آمدن از دنیا و آرزوهایی است که بدان وابسته است؛ مانند مال و جاه و مُلک و ناموس و غیره. در متعلَّق زهد اختلاف است. برخی آن را درهم و دینار دانسته اند؛ یعنی زهد ترک دینار و درهم است و برخی آن را مطعم و مشرب می دانند؛ بنابراین زهد ترک مطعم و مشرب است. ولی ابن مسروق از آن فراتر رفته، می گوید:

«زاهد کسی است که هیچ امری بر او تسلط نداشته باشد مگر خدای تعالی.(۲)»

از این رو به نظر وی متعلّق زهد غیر خدا را شامل می شود.

غزالی در معنای زهد قیدی آورده، می گوید: «زهد انزوا از دنیا، از روی میل و رغبت است با قدرت بر آن(۳)». یعنی به نظر او زهد آن است که به هنگام دست رسی به خواسته

۱- لغت نامه، علی اکبردهخدا، حرف ز. نیز در المنجد آمده است: «الزهد و الزهاده الاعراض عن الشی ء احتقارا له؛ زهد و زهاده روی برگرداندن از چیزی به جهت حقیر و کوچک شمردن آن است.

۲- علی اکبر دهخدا، پیشین.

۳- کیمیای سعادت، ابوحامد محمد غزالی طوسی، ج ۲، ص ۴۳۵. نک فرهنگ معارف اسلامی، جعفر سجادی، ج۲، ص ۵۰۸.

دنیا، بدان بی میل باشد.

البته هر رغبتی به دنیا منافی زهد نیست. از این رو، اخوان الصفا در این باره می گویند:

زهد ترک توجه به دنیا و علایق مادی و اعراض از تمام اموری است که انسان را از توجه به مبدأ المبادی باز دارد.(۱)»

و فیض کاشانی در معنای زهد قید دیگری افزوده، می نویسد:

زهد آن است که به آن چیزی بی رغبت باشد که مطلوب انسان است، و گرنه اگر به چیزی که مطلوب انسان نیست بی رغبت باشد، زهد نامیده نمی شود؛ مثل خاک و سنگ و حشره ها که انسان به آن ها بی رغبت است.(۲)

بنابراین، زهد یعنی بی رغبتی به غیرخدا و قانع بودن به اندک آن. قیدهای آورده شده در معنای زهد این است که ۱ـ متعلقِ زهد، مطلوب آدمی باشد؛ ۲ـ آدمی قدرت دست یابی به آن را داشته باشد؛ ۳ـ مانع توجه خدای تعالی گردد.

از بررسی مفهوم واژگانی و اصطلاحی زهد به دست می آید که زهد همان گرایش نداشتن و بی رغبتی قلبی به دنیا و امور دنیایی و پرهیز از آن است. به عبارت دیگر، باتوجه به معانی واژگانی، زهد همان دلبسته نبودن به دنیا و بهره مندی کم از خواسته ها و لذت های دنیایی به خاطر خوار شمردن و کوچک دانستن آن است. البته قابل توجه است که زهد در ادیان الهی بی بهرگی از امکانات دنیایی نیست؛ چنان که انسان گوشه نشین شده و رهبانیت را پیشه خود سازد و خود را از لذت های دنیایی محروم نماید؛ بلکه حقیقت زهد این است که انسان به دنیا وابسته نباشد و امکانات

۱- جعفر سجادی، پیشین، ج ۲، ص ۵۰۹.

۲- المحجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، محسن فیض کاشانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۷، ص ۳۴۵. نیز غزالی در احیاء علوم الدین ج ۵، ص ۱۱۹ گوید: «کسی که روی برگرداند از آنچه مطلوبش نیست، زاهد نامیده نمی شود، زیرا تارک سنگ و خاک و آنچه بدان ها شبیه است، زاهد نامیده نمی شود.»

دنیایی را در راه خدا به کار بندد. لذا چنان چه زاهد از آن بهره ای برد، خوشحال نمی شود و اگر آن را از دست دهد، غمگین نمی گردد.

معنای زهد در روایات

معنای زهد در روایات

در روایت های بسیاری معنای زهد در دو بُعد خلاصه شده است: یکی تأسف نخوردن برآن چه از دست رفته؛ دیگری خوشحالی نکردن برآن چه به دست آمده است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام، می فرماید:

الزُّهْدُ کُلُّهُ بَیْنَ کَلِمَتَیْنِ مِنَ الْقُرآنِ: قالَ اللّه سُبحانَهُ: «لِکَیْلا تَأسَوْا عَلی مَافَاتَکُمْ، وَلاتَفْرَحوا بِما آتاکُمْ» وَمَن لَمْ یأسَ عَلیَ الْماضِی، وَلَمْ یَفْرَحْ بِالْآتِی، فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفیْهِ.(۱)

تمام زهد میان دو کلمه قرآن است: خداوند سبحان می فرماید: «به آن چه از دست می دهید تأسف نخورید و به آن چه به دست می آورید، شادمان نباشید» کسی که به گذشته تأسف نمی خورد و نسبت به آینده خوشحال نیست، هر دو طرف زهد را رعایت کرده است.

حفص از امام صادق علیه السلام در مورد گستره زهد پرسید:

جُعِلْتُ فِداکَ فَما حَدَّالزُّهْدِ فِی الدُّنیا؟ فَقالَ: فَقَدْ حَدَّاللّه فیکِتابِهِ فَقالَ عَزَّوَجَلَّ «لِکَیْلا تَأسُوا عَلی ما فاتَکُمْ وَ لاتَفْرَحُوا بِما آتاکُم». إنَّ اَعْلَمَ النّاسِ بِاللّه أَخْوَفُهُمْللّه وَ أَخْوَفُهُمْ لَهُ أَعْلَمُهُمْ بِهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِهِ أَزْهَدُهُمْ فِیها(۲)

فدایت شوم میزان زهد در دنیا چیست؟ حضرت فرمود: خداوند میزان زهد را در کتابش بیان فرموده است «تا برآن چه از دست می دهید، دلتنگ نشوید و برآن چه به شما می رسد، خوشحال نگردید. آگاه ترین مردم به خدای تعالی کسانی اند که بیش تر از خدا می ترسند و کسانی که بیشتر از خدا بترسند، به او آگاه ترند و کسانی که به او آگاه ترند، در دنیا

۱- صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹، ص۵۵۳.

۲- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج۲، ص۲۷.

پرهیزکارترند.

در روایات آمده است که زهد از میان بردن مال و حرام کردن حلال نیست؛ زیرا زهد واقعی بی رغبتی و دل بسته نبودن به دنیای مادی است و کسی که به آخرت گرایش دارد، دنیا را محل کسب و کار و مزرعه آخرت قرار داده و از نعمت های الهی در دنیا برای رسیدن به هدف های آخرتی سود می جوید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَیْسَ الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا بِاِضاعَهِ الْمالِ وَ لابِتَحْرِیْمِ الْحَلالِ، بَلِ الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا أَنْ لاتَکُونَ بِما فییَدِکَ اَوْثَقُ مِنْکَ بِما فییَدِاللّهِ عَزَّوَجَلَّ.(۱)

زهد در دنیا، از میان بردن مال و حرام دانستن حلال نیست؛ بلکه زهد در دنیا این است که آن چه در دست توست، از آن چه در نزد خداست، قابل اعتمادتر نباشد.

در احادیث آمده است که معنای زهد حقیقی آن است که انسان در آن چه حلال است، زهد ورزد و در همان حال، موافق سنت نبوی باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

طُوبی لِمَنْ تَواضَعَ اللّه ِعَزَّ ذِکْرُهُ وَ زَهِدَ فِیما اَحَلَّ لَهُ مِنْ غَیْرِ رَغْبَهٍ عَنْ سُنَّتی وَ رَفَضَ زَهْرَهَ الدُّنْیا مِنْ غَیْرِ تَحَوُّلٍ عَنْ سُنَّتی وَاتَّبَعَ الاَخْیارَ مِنْ عِتْرَتی مِنْ بَعْدی وَ خالَطَ اَهْلُ الْفِقْهِ وَ الْحِکْمَهِ وَ رَحِمَ اَهْلَ الْمَسْکَنَهِ.(۲)

خوشا به حال کسی که نسبت به خدای تعالی فروتن باشد و در آن چه برایش حلال نموده، زهد بورزد، بدون آن که از سنت من روی گرداند؛ و زیبایی دنیا را رها کند، بدون آن که سنت مرا دگرگون کند و پس از من از خوبان عترت من پیروی نماید و با اهل فقه و

۱- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۷۰، ص ۳۱۰؛ وسایل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۱۵، حدیث ۲۰۸۳۹ و المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، الجزء الثانی، ص ۳۴۹، از پیامبر اکرمص نقل نموده است.

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۲۸. نک بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۴ چنین آمده: «من بعدی و جانب اهل الخیلاء و التفاخر و الرغبه فی الدنیا المبتدعین خلاف سنتی العاملین بغیر سیرتی».

حکمت رفت و آمد کند و به فقیران رحم نماید.

قید «غَیْرَ رَغْبَةٍ عَنْ سُنَّتی» نشان می دهد که ترک کردن هر چیزی از امور دنیایی برای مسلمان جایز نمی باشد؛ بلکه اگر چنین عمل نماید از جرگه مسلمانان خارج است؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «... مَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتی فَلَیْسَ مِنّی(۱)؛ کسی که از سنت من روی گرداند، از من نیست.»

پیشینه زهد

اشاره

پیشینه زهد

زهـد از زمان های قدیم در جامعه های انسانی بوده است و شاید از نخستین عادت ها و رسوم انسانی به حساب آید. حق تعالی فطرت آدمی را چنـان پرداخت که هرگز به دنیا راضـی نشود و پیامبران را مأمور کرد تا مردم را از دنیادوستی پرهیز دهنـد و به زهـد دعوت نماینـد. گرایش به زهـد در برخی جوامع اثری عمیق داشـته و به صورت فرهنگی نهادینه شـده است ولی زهد در امت های پیش از میلاد، همیشه همراه با تحمل سـختی و ریاضت و در میان مسیحیان همراه با رهبانیت و در گروه های اسلامی گاه همراه با تصوف بوده است. درباره تفسیر و حقیقت زهـد از دیدگاه اسـلام، سـخن خواهیم گفت. اکنون بحث خود را در سه موضوع بالا پی می گیریم.

زهد در میان هندی ها

زهد در میان هندی ها

قدیمی ترین ریاضت ها در هند یافت می شود. قدیمی ترین و شایع ترین ادیان هندی دو آیین معروف برهمایی و بودایی است که هم اکنون نیز در هندوسـتان، چین، ژاپن و سـرزمین هـای دیگر پراکنـدگی کامـل دارنـد. آیین برهمایی با بیش از سه هزار سال سابقه در هندوسـتان، بعد از تغییر و دگرگونی هایی که در آن پدید آمده، به شکل آیین هندو نمایان شد که اکنون بیشتر مردم هندوستان پیرو این آیین هستند. پس از آن، آیین بودایی از نظر پیشینه و تعداد پیروان، در هند اهمیت بسیار دارد و سابقه آن به دو

۱- میزان الحکمه، محمد ری شهری، ج ۴، ص ۲۷۱.

هزار و پانصد سال می رسد. هم چنین آیین های گونه گون دیگری مانند آن دو مذهب در هندوستان یافت می شود.

آیین هـای مختلف هنـدی در این اصـل مشترکنـد که پـایه و اساس سـعادت و نجات، همانا فرار از دنیا و ترک همه لـذّت ها و خواهش های جسمانی، همراه با شکنجه بدنی و ریاضت کشی می باشد. بر این اساس باید نفس را با ریاضت های گوناگون و شکنجه های سخت عادت داد تا بدین وسیله علاقه او از دنیا و خوشی های جسمانی قطع گردد.

برهماییان بر اساس تناسخ معتقدند سعادت انسان در محروم بودن و رنج اختیاری است و آزاد شدن از وابستگی های مادی و ترک لـذت ها موجب نجات در زنـدگی بعدی می باشد و بازگشت به زندگی دنیایی نیز اجباری است. بنابراین، رنج و عذاب در زنـدگی برای انسـان همیشـگی اسـت و برای نجـات و رسـیدن به روح کلی، جز ریـاضت نفس و گذشـتن از خوشـی هـای زنـدگی راه دیگری نیست. آیین های دیگر هنـدی نیز ماننـد برهمایی از لحاظ نظری بر بـدبینی نسـبت به زنـدگی مادی مبتنی است و سـعادت و نجات را در رهایی از قیدهای مادی و وابسـتگی های جسـمانی و سرانجام در ترک کلی دنیا می داند. آیین جین پیروان خود را به زهـد، خودفراموشـی، ترک لـذت هـا و گونه ای رهبانیت افراطی دعوت می کنـد و برای روزه گرفتن و برهنگی اهمیت بسـیار زیـادی می دهـد، به گونه ای که می نویسـند: پـایه گـذار این آیین دوازده سـال تمـام در حال ریاضت، سکوت، برهنگی و تجرد به سـر می برده و همواره دور از اجتماع زنـدگی می کرده است. حتی امروزه، نیمی از افراد این آیین تنها با یک لنگ به سـر می برنـد. به اعتقاد اینان زندگی جز رنج نیست و هوس های نفسانی سرچشـمه همه رنج ها است. پس بایـد خواهش هـای نفسـانی را از خود دور کرد و خود را به ریـاضت عـادت داد. هم چنین در آیین یوگ که پیروان آن به نام جوکیان معروفند، بریدگی از جهان مادی به وسیله ریاضت های جان فرسا و تمرین های سخت و ترک همه چیز،

تنها راه رهایی از تجدید زندگی (یعنی تناسخ) و رسیدن به روح کلی و یگانه گشتن با آن است.

ترک دنیا و ریاضت کشی در آیین بودا نیز به عنوان یک اصل مسلم و اجتناب ناپذیر است. آیین بودا چند اصل اساسی دارد که چکیده آن چنین است:

تمام جهان، چه در گذشته انسان و چه در آینده اش، رنج و عذاب است و ریشه آن رنج ها، خواهش ها و لذت های نفسانی و دنیایی است. بنابراین، رهایی از وابستگی های مادی و خواهش های نفسانی، تنها وسیله سعادت انسان از بازگشت به زندگی مادی، یعنی تناسخ است و تنها درصورت دوری از بهره های دنیوی و کشتن هوای نفس می توان از عذاب نجات یافت.

بنابراین آیین بودایی بر اساس این اصل، بریدگی از دنیا، ترک بهره مندی از جلوه های دنیایی، گوشه نشین کردن و خوار شمردن جسم، ترک لذت ها و خواهش های نفسانی مانند ازدواج و دیگر وابستگی های مادی و سرانجام ریاضت کشی و فقر را می آموزد.

در هر حال، نتیجه بحث های گذشته این است که هندیان از زمان های بسیار قدیم همای سعادت را همواره در پشت پا زدن به دنیا و ریاضت کشی جست وجو می کرده اند و اساس آموزه های همه آیین ها و مسلک های هندی برپایه بدبینی به زندگی، فرار از دنیا، رهایی از قیدها و تمایلات و خوشی ها و تن دادن به سختی ها و شکنجه های گوناگون بوده است.(۱)

زهد در میان مسیحیان

زهد در میان مسیحیان

آن گونه که از متن اناجیل و تاریخ های گوناگون و منابع اسلامی به دست می آید، عیسی علیه السلام ــ پیامبر نجات دهنده قوم یهود و بنی اسراییل ــ به زهد و پارسایی بیشتر

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، عمید زنجانی، ص ۳۴ تا ۳۸ با گزینش.

توجه می کرد و به دنیا و جلوه های ظاهری زندگی مادی تمایلی نشان نمی داده است و نزدیک به سه سال پیامبری و رسالت خود را به حالت پارسایی، تجرد، گردش و خانه به دوشی به سر کرد و مردم را از دل بستن به دنیا و غوطه ور شدن در اندیشه های شیطانی، ثروت اندوزی، شهوت پرستی و دلبستگی های پست مادی منع کرده، به زهد و توجه بیش تر به معنویات و تهذیب نفس دعوت می نمود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد آن حضرت می فرماید:

وَاِنْ شِئْتَ قُلْتُ فیعیسَی بْنِ مَرْیَمَ عَلَیْهِ السَّلامُ، فَلَقَدْ كانَ یَتَوَسَّدُ الْحَجَرَ، وَ یَلْبَسُ الْخَشِن، وَ یَاْكُلُ الْجَشَبَ، وَ كانَ اِدامُهُ الْجُوعَ، وَ سِراجُهُ بِاللَّیْلِ الْقَمَرَ، وَ ظِلالُهُ فی الشِّتاءِ مَشارِقَ الاَرْضِ وَ مَغارِبَها، وَ فاكِهَتُهُ وَ رَیْحانُهُ وَ ماتُنْبِتُ الاَرْضُ لِلْبَهائِم، وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ زَوْجَهٌ تَفْتِنُهُ وَ لا وَلَدٌ یَحْزُنُهُ، وَ لا مَالٌ یَلْفِتُهُ، وَ لاَ طَمَعٌ یُذِلُّهُ، دَابَّتُهُ رِجْلاَهُ، وَ خادِمُهُ یَداهُ!(۱)

و اگر می خواهی از عیسی بن مریم علیه السلام بگویم: که سنگ را بالش خود قرار می داد؛ لباس پشمی خشن به تن می کرد و نان خشک می خورد؛ نان خورش او گرسنگی، و چراغش در شب ماه، و پناه گاه زمستانی او شرق و غرب زمین بود؛ میوه و گُل او سبزیجاتی بود که زمین برای چهارپایان می رویاند؛ زنی نداشت که او را فریفته خود سازد؛ فرزندی نداشت تا او را غمگین سازد؛ مالی نداشت تا او را سرگرم کند؛ و آز و طمعی نداشت تا او را خوار و ذلیل نماید؛ مرکب سواری او دوپایش و خدمت گزار وی دستهایش بود.

بنابراین، دعوت به زهد و بریدن از وابستگی های مادی و تأمین سعادتِ آخرت، از هدف های اساسی رسالت آن حضرت بوده است. شاید این امر را با وجود تمام دگرگونی ها و دگرگونی های زیادی که آیین مسیحیت را در طول قرون متمادی به صورت ها و اشکال گوناگونی در آورده است، بتوان غیرقابل تردید دانست.

۱- صبحی صالح، پیشین، خطبه ۱۶۰، ص ۲۲۷.

علت این امر را می توان این گونه بیان کرد که حضرت عیسی علیه السلام وقتی به پیامبری برانگیخته شد، تمام قوانین و شریعت الهی حضرت موسی علیه السلام را تأیید کرد و باتوجه به این که تمام نیازهای اجتماعی آن روز، در شریعت حضرت موسی علیه السلام موجود بوده است، بنابراین لزومی نبوده است که قوانین جدیدی پدید آید. ولی مهم غوطه ور گشتن قوم یهود در شهوت رانی و دنیا پرستی بود. یهودیان بعد از دوران حضرت موسی علیه السلام بنابر خویِ پستِ خود، به دنیا گرایش پیدا کرده و روز به روز به زراندوزی و مال پرستی و توجه به امور مادی مشغول گردیدند؛ لذا ستم و جنایت و فساد در جامعه افزونی یافت. در نتیجه هدف اصلی رسالت حضرت عیسی علیه السلام از میان بردن اخلاق فاسد آن ها بود. پس آیین حضرت عیسی علیه السلام بر زهد و دوری از دنیا مبتنی بود.

البته آموزه های اخلاقی و زهدی که عیسی علیه السلام تعلیم می داد، غیر از رهبانیتی بود که در قرن های چهارم و پنجم میلادی به نام مسیحیت در میان مسیحیان پیدا شد؛ عده ای از زنان و مردانِ مسیحی به عنوان پیروی از مسیح علیه السلام و آیین وی در دیرها و صومعه ها اعتکاف کردند و در زندگی تنها به ریاضت و عبادت پرداختند. اگر عیسی مسیح علیه السلام در کمال زهد و سادگی به سر می برد و از همه چیز چشم پوشیده بود، برای این بود که بتواند با گفتار و کردارش هدف الهی و مبارزه مقدس خود را به نتیجه برساند. هم چنین حواریان آن حضرت نیز مأمور بودند که برای پیش برد هدف مسیح علیه السلام از روش وی پیروی نمایند. هرگز مسیح علیه السلام دستور نداده بود که پیروانش ازدواج نکنند و گوشه نشینی و دیرنشینی و ریاضت کشی و روزه داری پیش گیرند و تمام عمرشان را در گوشه دیر و بیابان به ریاضت و عبادت بگذرانند.(۱)

زهد در میان مسلمانان

زهد در میان مسلمانان

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، ص ۷۲ تا ۷۷ با گزینش.

هر گـاه از جنبه فرهنگی به اهل عرفان نگریسـته شود، با عنوان «عرفا» و هر گاه جنبه اجتماعی شان در نظر باشـد، بیشتر با عنوان «متصوفه» از آنان یاد می شود. هرچند عرفا و متصوفه یک گروه مذهبی در اسـلام نیسـتند و خود نیز چنین ادعایی ندارند و در همه فرقه های اسـلامی حضور دارنـد، با این حال یک گروه وابسـته و به هم پیوسـته اجتماعی هسـتند. یک رشـته انـدیشه ها و آداب ویژه در برخوردها، پوشـش، آرایش ظاهری و سـکونت در خانقاه ها و غیره به آنان در شکل یک فرقه خاصّ مذهبی ــ اجتماعی، رنگ مشخصـی داده است. البته همواره ــ به ویژه در میان شـیعیان ــ عارفانی بوده و هستند که هیچ امتیاز ظاهری با دیگران ندارند و با این حال عمیقا اهل سـیرو سـلوک عرفانی می باشند؛ در حقیقت عارفان حقیقی همین هایند، نه گروه هایی که صدها آداب از خود درآورده و بدعت ها ایجاد کرده اند.(۱)

نخستین شـکل تصوف که به طور بی سـابقه ای از نیمه قرن دوم هجری در تاریـخ اسـلام ظـاهر گشت، همان روش رهبانیت و ترک دنیا بود که به جای آموزه های اعتـدال گرای اسـلامی به عنوان زهد و پارسایی در میان گروهی از مسـلمانان افراطی که عده ای از آنان تازه مسلمان نیز بودند، گسترش یافت.(۲)

از میـان عوامـل خـارجی و غیر اسـلامی تشـکیل دهنـده تصوف رهبانیت نخستین مسـلکی است که پیش از همه چیز در شـکل گیری تصوف نقش داشـته است. روش راهبـان مسـیحی بر گروهی از مسـلمانان تأثیر گذاشـته و به رفتارهای آنان در زنـدگی رنگ تازه ای بخشـید. علت این امر این بود که مسـیحیان در سراسـر سـرزمین های اسـلامی پراکنـده بودند و مسـلمانان با آنان نشـست و برخاست های بسـیار داشتند؛ لذا بر آنانی که شیفته رهبانیت مسیحی گشته بودند، تأثیر گذاشته و افق تازه ای در این زمینه

۱- آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری ره، ج ۲، ص ۷۱.

۲- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، ص ۱۷۷.

بر روی برخی مسلمانان گشوده شد، که بعدها نام تصوف به خود گرفت.(۱)

ابن جوزی در کتاب تلبیس ابلیس می گوید:

سبب اقبال مردم به تصوف این است که مدح زهد در نفوس جای گزین شده و پارسایی را بزرگترین چیزها شمرده اند و چون صورت ظاهر صوفیان را موافق زهد یافتند و نیز کلام آن ها را لطیف و رفیق دیدند، به آن ها گرویدند. درحالی که روش قدما برخلاف صوفیه خالی از خشونت و خشکی نبوده است. به اضافه تصوف، هم ظاهرش آراسته به پاکیزگی و تعبد و زهد است و هم باطنا راحت طبع می بخشد و آن خشکی را ندارد که از سماع و امور ذوقی جلوگیری کند. دیگر از علل محبوبیت صوفیه و انتشار تصوف آن است که این فرقه در اول امر از آن هایی که سرگرم کارهای دنیا هستند، احتراز می جستند.(۲)

خلاصه سخن ابن جوزی این است که مسلمانان صدر اسلام به خاطر دوست داشتن زهد و ساده زیستی و عدم دنیاگرایی به صوفیه گرایش پیدا کرده اند.

در قرن دوم، گروه ویژه ای در اسلام پیدا شدند که به خاطر نوع لباس و روش زندگی و سکونت خاصشان باید نامی جداگانه بر آنان نهاد؛ مانند ابراهیم ادهم (وفات ۱۶۱ _ ۱۶۶ ه . ق)، سفیان ثوری (وفات ۱۶۱ ه . ق) و معروف کرخی (وفات ۲۰۰ ه . ق). اینان دسته ای بودند که گوشه نشینی برگزیده و بر خود سخت می گرفتند.

در قرن سوم با پیدایش و گسترش فلسفه در نزد مسلمانان، آموزه های خاصی در طریقت تصوف راه یافت و به صورت علمی و مسلکی امتیاز پیدا کرد و آموزه های عرفانی مانند وحدت وجود و فناء فی اللّه و بقاء فی اللّه از این قرن به بعد وارد تصوف گردید. افرادی همچون جنید بغدادی (وفات ۲۹۰ه.ق) و حارث محاسبی (وفات ۲۴۳

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، صص ۲۵۹ و ۲۶۰ با گزینش.

۲- تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن، کریم نیرومند محقق، ص ۱۳۱.

ه . ق) در این دوره می زیسته اند.

تصوف در قرن چهارم و پنجم اساس محکمی یافت و دارای مبانی، کلیات و آداب و رسوم خاصی گشت. خواجه عبداللّه انصاری (وفات ۴۸۱ ه . ق) و باباطاهر در میانه قرن پنجم در این دوره بوده اند. جدال و کشمکشی که سخت کیشان معتزلی، اشعری، شیعه و سنی را به خود مشغول کرده بود، به صوفیه فرصتی داد تا بیش تر به خود برسند و دسته ای از مردم نیز به آن ها گرویدند.

در قرن ششم تصوف و عرفان به دست افرادی چون امام احمدبن محمدبن احمد غزالی برادر امام محمد غزالی رونق یافت و تا اندازه ای آموزه های آن ها گردآوری گشت.

در قرن هفتم و هشتم دو مکتب بزرگ در تصوف اسلامی پدیدار گشت: یکی مکتب مولوی و دیگری مکتب سهروردی؛ که در قرن هشتم و نهم مکتب سهروردی و ابن عربی رونق یافته و با عرفان درآمیخت.

تصوف از قرن دهم تا چهاردهم وارد مرحله جدیدی شد و صوفیان بیش تر در کنار عمل به دستورهای خود، به حاکمان زمان نیز نزدیک شدند و در بسیاری موارد به انحراف از خط اصیل اسلام دچار گشتند؛ به گونه ای که حتی برخی از فرقه های آن خود را از عبادت های واجب شرعی نیز بی نیاز دانستند.(۱)

علاوه بر کتب ذکر شده، برخی دانشمندان اسلامی بحث مستقلی را تحت عنوان زهد اختصاص داده اند. از آن جمله می توان به بحارالانوار جلد ۷۰ صفحه ۳۰۹ تا ۳۲۳ تحت عنوان زهد و درجات آن و کتاب المحجه البیضاء جلد ۷ صفحه ۳۱۳ تا ۳۷۶ تحت عنوان کتاب الفقر و الزهد و کتاب کیمیای سعادت جلد ۲ صفحه ۴۱۹ تا

۱- تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن، کریم نیرومند محقق، ص ۱۴۲ تا ۱۵۵ با گزینش.

۴۵۳ تحت عنوان کتاب فقر و زهد اشاره کرد.

معرفی دو کتاب مهم درباره زهد

معرفی دو کتاب مهم درباره زهد

۱ــ کتاب الزهد، نوشته حسین بن سعید کوفی اهوازی: این کتاب که تحقیق آن به دست آقای غلامرضا عرفانیان به انجام رسیده، در بیست باب گردآوری شده است و هر باب احادیثی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام درباره مصادیق زهد در بردارد. بعضی از موضوعات احادیث این کتاب، عبارتند از: حُسن خلق، تفکر، سوء خلق، برحذر داشتن از دنیا، تواضع، تقوا، مذمت ریا، نفاق، عجب، کبر، شرک و تنبه زاهد به مضرات آن ها، معرفت حسن توبه و ندامت و اقرار قبل از موت، گریه به خاطر خشیت الهی، ذکر موت و قبر، مؤمن و کافر پس از مرگ، در قبر و عذاب و برزخ، اوضاع حشر و نشر و حساب و موقف و صراط. پژوهش گر محترم سند همه احادیث کتاب را در پاورقی آورده است.

۲ــ زهد اسلامی نوشته سید محمد شفیعی مازندرانی: این کتاب هشت بخش دارد که در آن ها نویسنده محترم کوشیده است مهم ترین مسائل زهد اسلامی را با توجه به روایات و سخنان بزرگان به رشته تحریر در آورد.

موضوعات این کتاب عبارتنداز: معنای زهد، اهمیت زهد، ارکان زهد اسلامی، عوامل پیدایش و تقویت زهدگرایی، دیدگاه ها در تفسیر زهد، ویژگی های زهد اسلامی، راز زهدورزی بعضی از فرزانگان، برخی از آثار حیات بخش زهد در زندگی و نگاهی به زندگی پیشوای زاهدان امام صادق علیه السلام .

اهمیت و ضرورت زهدورزی

اهمیت و ضرورت زهدورزی

در اندیشه اسلامی زهد به معنای گوشه گیری و دوری از دنیا و روی آوری به عبادت تنها نیست؛ چون این مفهوم، سکون و مردگی را نهادینه می کند، بلکه مفهوم درست زهد به معنای بی رغبتی و وابسته نبودن به دنیا است که به انسان پویایی و

حرکت می بخشد.(۱)

بنابراین، زهد برای همه مسلمانان ضروری و برای رهبران جامعه ضروری تر است. در این جا به اهمیت و ضرورت زهد که در سخنان امامان معصوم علیهم السلام بیان گردیده، اشاره می شود.

امام هشتم علیه السلام فرمودند:

وَاللّه لَئِنْ صِرْتُ اِلی هذَا الاَمْرِ لَآکُلَنَ الْخَبیثَ بَعْدَ الطَّیِّبِ وَ لَاَلْبِسَنَّ الْخَشِنَ بَعْدَ اللَّیِّنَ وَ لَاَتْعَبَنَّ بَعْدَالدِعَهِ.(۲)

به خدا قسم اگر به رهبری جامعه دست یابم، ناخوشایندترین غذاها را خواهم خورد، در حالی که اکنون غذاهای گوارا می خورم؛ و نیز خشن ترین لباس ها را خواهم پوشید، درحالی که اکنون از لباس های نرم استفاده می کنم؛ و به کارهای سخت خواهم پرداخت، با آن که اکنون از آسایش و رفاه برخوردارم.

روزی یکی از اطرافیان امام صادق علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: اگر نعمت های بنی عباس از آن شما بود، ما هم با شما در عیش و خوشی بودیم. حضرت فرمود: «هرگز، اگر چنین بود، برای ما جز نگهبانیِ شبانه و تلاش روزانه و پوشاک زبر و درشت و خوراک سخت و بی خورش، چیزی نبود.»(۳)

از مسایل بسیار مهمی که در ارتباط با مسئولان حکومتی در روایت های امامان معصوم علیهم السلام بسیار تأکید شده، شرکت داشتن مسئولان با مردم در سختی های روزگار است. بر حاکمان دولت اسلامی لازم و واجب است که مانند فقیرترین افراد اجتماع زندگی کنند تا بدین وسیله فقیران به حاکمان اقتدا کرده و ثروتمندان، از اندازه خود فراتر نروند.

۱- حق و باطل، مرتضی مطهری، ص۱۳۷ گزینش.

۲- زهد اسلامی، محمد شفیعی مازندرانی، ص ۹۰، به نقل از مکارم الاخلاق، ص ۱۵۵.

۳- اصول کافی، ابی جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ج ۲، ص ۲۷۳.

امام علی علیه السلام می فرماید:

اِنَّ اللّه َجَعَلَنی اِماما لِخَلْقِهِ، فَفَرَضَ عَلَیَّ التَّقْدِیرَ فی نَفْسی وَ مَطْعَمی وَ مَشْرَبی وَ مَلْبَسی کَضُعَفاءِ النّاسِ، کَیْ یَقْتَدِیَ الْفَقِیرُ بِفَقْری وَ لایُطْغِی الْغَنِیَّ عِناهُ.(۱)

خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داد و بر من واجب ساخت که درباره خود و خوراک و نوشیدنی و پوشاکم، مانند مردم ضعیف و مستمند، بر خود تنگ گیرم، تا فقیر از فقر من پیروی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان ننماید.

هم چنین به فرموده امام علی علیه السلام مسئول باید به فکر فقیران دوردست ترین جاهای کشور اسلامی باشد و خود را با آن ها وفق دهد:

هَیْهاتَ اَنْ یَغْلِبَنی هَوایَ، وَ یَقُودَنی جَشَعِی اِلی تَخَیُّرِ الاَطْعِمَهِ _ وَلَعَلَّ بِالْحِجازِ اَوِ الْیَمامَهِ مَنْ لاطَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ، وَ لاعَهْدَ لَهُ بِالشَّبَعِ _ اَوْاَبَیْتَ مِبْطانا وَ حَوْلی بُطُونٌ غَرْثی وَاَکْبادٌ حَرَّی(۲)؛

هرگز هوا و هوس بر من غلبه نمی کند و حرص و طمع مرا وانمی دارد که غذاهای لذیذ برگزینم، در حالی که ممکن است در سرزمین حجاز یا یمامه کسی باشد که حتی به دست آوردن قرصی نان را امید نداشته باشد و هرگز شکمی سیر نخورده باشد. آیا من با شکمی سیر بخوابم، در حالی که در اطرافم شکم های گرسنه و کبدهای سوزانی باشند؟

امام علی علیه السلام عنوان امام و مسئول و رئیس داشتن را کافی نمی داند؛ بلکه همگام بودن با مردم در تلخی های زندگی را امر می کند:

أَقْنَعُ مِنْ نَفْسی بِاَنْ یُقالَ: هذَا اَمِیْرُالْمُؤمِنِینَ، وَ لااُشَارِکُهُمْ فِیمَکَارِهِ الدَّهْرِ، اَوْ اَکُونَ اُسْوَهً لَهُمْ فِیجُشُوبَهِ الْعَیشِ! فَمَا خُلِقْتُ لِیَشْغَلَنی اَکْلُ الطَّیِّباتِ، کَالْبَهِیمَهِ الْمَرْبُوطَهِ، هَمُّهَا عَلَفُهَا، اَوِالْمُرْسَلَهِ شُغُلَهَا تَقَمُّمُهَا، تَکْتَرِشُ مِنْ اَعْلافِهَا، وَ تَلْهُو عَمَّا یُرَادُ بِهَا، اَوْاُتْرَکَ

۱- اصول کافی، ابی جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲- صبحی صالح، پیشین، نامه ۴۵، ص ۴۱۸.

سُدًی، اَوْاُهْمَلَ عابِثا، اَوْ اَجُرَّ حَبْلَ الضَّلالَهِ اَوْ اَعْتَسِفَ طَریقَ الْمَتَاهَهِ!(۱)؛

آیا به همین راضی باشم که مرا امیرالمؤمنین خوانند و در تلخی های روزگار با مردم شریک نباشم؟ و در سختی های زندگی الگوی آنان نگردم؟ آفریده نشده ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد؛ همچون حیوان پرواری که تمام همّت او علف، و یا چون حیوان رها شده ای که شغلش چریدن و پر کردن شکم بوده، و از آینده خود بی خبر است. آیا مرا بیهوده آفریدند؟ آیا مرا به بازی گرفته اند؟ آیا ریسمان گمراهی در دست گیرم؟ و یا در راه سرگردانی گام بگذارم؟

هم چنین امام صادق علیه السلام در مورد هم دردی نبی اکرم صلی الله علیه و آله با مردم زمان خود، به سفیان ثوری می فرماید:

اَخْبَرَکَ اَنَّ رَسُولَ اللّه ِصلی الله علیه و آله کَانَ فی زَمانٍ مُقْفِرٌ جَشَبٌ (۲)؛

بدان که پیغمبر صلی الله علیه و آله در دورانی می زیست که آب و علفی نبود و مردم همه با غذاهای خشن و ناگوار به سر می بردند، [و ناچار پیامبر چنان می زیست که مردم دیگر زندگی می کردند].

وظیفه هم دردی با ضعیفان جامعه اسلامی بر آحاد مسلمانان واجب و لازم است، ولی بر پیشوایان و مسئولان واجب تر و لازم تر است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعد از جنگ جمل در بصره، وقتی برای عیادت صحابی خود، علاءبن زیاد که بیمار بود، بر او وارد شد. وقتی خانه بسیار آراسته و گسترده او را دید، فرمود: «با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی؟ در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری. آری اگر بخواهی می توانی با همین خانه به آخرت برسی. در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی؛ به خویشاوندان با نیکوکاری مرتبط باشی؛ و حقوقی که بر گردن تو است به صاحبان حق برسانی؛ پس آن گاه با همین خانه وسیع به

۱- صبحی صالح، پیشین، نامه ۴۵، ص ۴۱۸.

۲- تحف العقول، ابومحمدحسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی، ص ۴۰۲.

آخرت نیز می توانی بپردازی.

علاء به حضرت عرض کرد: یا امیرالمؤمنین از برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می کنم. فرمود: چرا؟ گفت: عبایی پوشیده و از دنیا کناره گرفته است. امام فرمود او را بیاورید. وقتی آمد، امام فرمود: ای دشمن جانِ خویش، شیطان سرگردانت کرده، آیا به زن و فرزندانت رحم نمی کنی؟ تو پنداری که خداوند نعمت های پاکیزه اش را حلال کرده، امّا دوست ندارد تو از آن ها بهره گیری؟ تو در برابر خدا کوچک تر از آنی که این گونه با تو رفتار کند.

عاصم گفت: یا امیرمؤمنان، پس چرا خود با این لباس خشن، و غذای ناگوار به سر می بری؟

امام فرمود:

وَیْحَکَ، إِنّی لَسْتُ کَأَنْتَ، إِنَّ اللّه ـ تَعالی فَرَضَ عَلی أَئِمَّهِ الْعَدْلِ أَنْ یُقَدِّروُا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَهِ النّاسِ، کَیْلا یَتَبَیَّغَ بِالْفَقیرِ فَقْرَهُ(۱)؛

وای بر تو، من مانند تو نیستم؛ خداوند بر پیشوایانِ حق، واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگ دست را به هیجان نیاورد، و به سرکشی نکشاند.

در هر حال دنیا طلبی و عدم هم دردی با فقرا آفتی بسیار بزرگ برای مسئول و کارگزار در نظام اسلامی است.

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

بخش دوم: حقیقت زهد

اشاره

بخش دوم: حقیقت زهد

در این فصل نخست دو دیدگاه درباره حقیقت زهد، سپس چند شبهه و سرانجام رابطه زهد با مفاهیم دیگر بررسی می شود.

دو دیدگاه درباره زهد

اشاره

دو دیدگاه درباره زهد

درباره حقیقت زهـد دو دیـدگاه جـداگانه وجود دارد. یکی زهـد را ماننـد رهبانیّت مسیحی، در ترک دنیا و چله نشینی برای عبادت و ریاضت می داند و دیگری آن را در ترک دنیاخواهی و دل بریدن از دنیا می داند.

الف) زهـد ترک دنیـا است: برخی معتقدنـد کار دنیا و کار آخرت از یکـدیگر جـداست. بـدین معنا که ما دو نوع کار داریم؛ بعضـی کارهـا بـه رابطه فرد بـا اجتمـاع و بـا دنیـای اطراف خـود مربـوط است، در مقابـل، کارهـای دیگری هست که به رابطه شخصـی با خـدا مرتبط است که همان عبادت و پرسـتش می باشد. عبادت یعنی دعا خواندن، روزه گرفتن و ریاضت کشـیدن. پس زهد یعنی رها کردن زندگی اجتماعی و پرداختن به اعمال عبادی. بنابراین، برای زاهد شدن راهی بجز جدا کردن خود از جـامعه نـداریم، و بایـد انزواطلبی و گوشه گیری انتخـاب کرد. نتیجه این امر همـان رهبانیتی است که در دنیای مسـیحیت رایج بوده است و اسلام آن را نمی پذیرد.

برخی دیگر می گوینـد همه کارهای دنیا را ما براساس وظیفه انجام می دهیم، ولی حساب لـذّت دنیا از لذّت آخرت جداست؛ در واقع زهد ترک لذّت دنیایی است.

انسان در دنیا باید بکوشد که لذّت نبرد؛ زیرا هرچه در این دنیا لذّت ببرد، از لذّت آخرتی اش کاسته می شود. اینان نمی گویند که باید کار و کسب و زندگی را رها کرد، بلکه می گویند براساس وظیفه انجام می دهیم؛ زیرا خوشی های دنیا از خوشی های آخرت می کاهد.(۱)

نکته دیگر این که به باور این دسته، زهد امری قلبی است، نه عملی. یعنی از مرحله قلب به مرحله عمل سرایت نمی کند؛ زیرا اگر به عمل سرایت کند، پی آمدهای ویران کننده ای خواهد داشت که همان رهبانیت است. آنان این نکته را با توجه به حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر معنای زهد، ابراز می نمایند که غمگینی و شادی که در آیه «لِكَيْلا تَأْسَوْاعَلى مافاتَكُمْ وَلاتَفرَحُوا بِما آتاكُمْ» اشاره شده، مربوط به قلب است نه عمل.(۲)

ب) زهد ترک دنیا طلبی است: مفهوم درست و دقیق زهد بدین صورت است که اسلام میان دنیا و آخرت آن گونه که کارها را دو دسته کند، قائل نیست. از نظر اسلام کارهای دنیایی نیز می تواند به آخرت مربوط باشند. در اسلام تجارت یا زراعت، هم می تواند جنبه مالی و دنیایی داشته باشد و هم جنبه آخرتی. در واقع به هدف شخص بستگی دارد. اگر کسب و کار از راه مشروع باشد، این کار از نظر اسلام عبادت است. بنابراین، در اسلام امور دنیایی از آخرتی جدا نیست و در قلمرو عبادت می گنجد. آن چه مکتب های دیگر آن ها را جزو عبادت می شمارند از نظر اسلام جزو زندگی دنیاست؛ یعنی رفتارهای عبادی مانند نماز و روزه نه تنها برای آخرت مفید است، برای دنیا نیز سودمند است.

۱- حق و باطل، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۳۹ تا ۱۴۳ با گزینش. نک: کیمیای سعادت، محمد غزالی، ج ۲، ص ۴۲۰ تا ۴۳۵؛ معراج السعاده، احمد نراقی، ص ۲۷۵ و ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۳۰.

۲- عرفان اسلامی، حسین انصاریان، ج ۸، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

ولی اگر کارها از راه غیر مشروع بود، نه تنها برای آخرت ضرر دارد برای دنیا هم چنین است؛ مثل ربا و قمار و دیگر گناهان، که هم برای دنیا و هم برای آخرت زیان آورند.(۱)

در احادیث بسیاری امور دنیایی تکمیل کننده امور آخرتی شمرده شده است، به گونه ای که اگر انسان می خواهد در آخرت برداشت خوبی داشته باشد، می باید در دنیا آن را به ثمر نشاند.

در پاسخ آنانی که می گویند زهد به معنای ترک دنیاست، باید گفت در اسلام قطعا چنین نیست؛ یعنی لذت های آخرتی نتیجه محرومیتهای عمدی بشر برای خود نیست؛ بلکه زاییده عوامل دیگر است. بنابراین، نظریه ای که می گوید اگر انسان در دنیا لذّت برد در آخرت از لذت های او کاسته می شود و بالعکس، از نظر اسلام مردود است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

وَاعْلَمُوا عِبادَاللّه ِ أَنَّ الْمُتَّقینَ ذَهَبُوا بِعاجِلِ الدُّنْیا وَ آجِلِ الاْخِرَه، فَشارَكُوا اَهْلَ الدُّنْیا فی دُنْیَاهُمْ، وَ لَمْ یَشَارَكُوا اَهْلَ الدُّنْیا فی آخِرَتِهِمْ، سَكَنُوا الدُّنْیا بِأَفْضَلِ مَا سُكِنَتْ، وَ أَكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أُكِلَتْ، فَحَظُوا مِنَ الدُّنْیا بِما حَظِیَ بِهِ الْمُتْرَفُونَ، وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبابِرَهُ الْمُتَكَبِّرُونَ، ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبَلِّغِ، وَ الْمَتْجِرِالرَّابِحِ. أَصَابُوا لَذَّهَ زُهْدِ الدُّنْیا فِی دُنْیاهُمْ، وَ تَیَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِیرَانُ اللّهِ غَدا فِی آخِرَتِهِمْ. لاَتُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَهٌ، وَ لا یَنْقُصُ لَهُمْ نَصِیبٌ مِن لَذَّهٍ؛(۲)

بندگان خدا بدانید که پرهیزکاران دنیا را پشت سرگذاشته و بهره آخرت را بردند. با مردمان دنیا در دنیایشان شریک گشتند، و مردم دنیا در آخرتِ آنان شرکت نداشتند. در دنیا در بهترین خانه ها زندگی کردند، از بهترین خوراکی ها خوردند، از لذتی که خوش گذران ها

۱- حق و باطل، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۴۲.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۲۷، ص ۳۸۳ و ۳۸۴.

در دنیا بردنـد، بهره منـد گردیدند؛ از سودی که سـتمگران خودخواه بردند بهره گرفتند، با این حال، از آن سـرمایه معنوی هم که آنـان را به بهشت برسانـد و از آن تجـارتی که برای آخرت سودمنـد باشـد، برخـوردار گردیدنـد. در دنیـا طعم لـذت زهد چشیدند و یقین کردند که فردا در آخرت همسایه خدا گردند. دست دعای آنان برنتابد و بهره شان از لذت کاهش نیابد.

بنابراین، طبق فرمایش حضـرت علی علیه السـلام زهـد ترک دنیا و لـذت های آن نیست؛ بلکه به گونه ای است که زاهـدان از بهترین بخشـش های خداوندی سود می برند و با این حال طعم لذت زهد را نیز چشیده اند و در آخرت هم به جای لذت دنیا، چیزی از آن ها کم نخواهد شد. پس وابسته نبودن به دنیا، بنده و برده دنیا نبودن، می تواند با بهره مندی از دنیا و ترک نکردن دنیا همراه باشد.

در اسـلام بعضی لذت های دنیایی، حرام است. چنان چه شخصی از لذت حرام بهره گیرد، از لذت های آخرتی محروم خواهد شـد؛ اگرچه کیفر هم در پی دارد، ولی لـذّت های حلال چنین نیست؛ به دلیل این که هم برای جنبه های روحی و جسـمی فرد مفید است و هم برای جنبه های اجتماعی.

قرآن می فرماید:

«وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّباتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ(۱)؛ چیزهای پاکیزه را بر آنان حلال می شمارد، و ناپاکی ها را حرام می داند.»

و در جای دیگر می فرماید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زينَهَ اللّهِ الَّتی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ(۲)؛ بگو چه کسـی زینت های الهی را که بر بندگان خود آفریده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟»

و همچنین می فرماید:

۱- اعراف، آیه ۱۵۷.

۲- اعراف، آیه ۳۲.

«یـا اَیُهَا الَّذینَ امَنوُا کُلُو مِنْ الطَّیِّباتِ ما رَزَقْناکُم(۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه ای که به شـما روزی دادیم، بخورید.»

و خطاب به پیامبران الهی می فرماید:

«یا اَیُّهَاالرُّسُلُ کُلُوا مِنَ الطَّیِّباتِ وَ اعْمَلُوا صالِحا(۲)؛ ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و کردار صالح انجام دهید.»

پس چنین منطقی در زمینه زهـد در اسـلام وجود نـدارد که کسـی از لـذت حلال دنیا چشم پوشـی کنـد تا در عوض لذتی در آخرت به او ببخشـند. البته اسـلام با لـذت پرستی هرچنـد از راه حلال موافق نیست، حتی اگر شـخص خودش را در لذت های حلاـل گرفتـار کنـد کـار حرامی نکرده است؛ گرچه اگر غرق در لـذت هـای حلاـل نشـود، عمـل اخلاـقی بزرگی انجـام داده است.(۳)

علت این است که آن چه به نام زهد در اسـلام وجود دارد، یک امر واجب نیست؛ بلکه یک فضـیلت و کمال است؛ فضیلت و کمالی که فلسفه و هدفی دارد.

نکته دیگر در مورد زهـد این بود که زهـد تنهـا یـک امر قلبی است و به عمـل انسـان سـرایت نمی کنـد. در صورتی که چنین نیست؛ بلکه بیش ترین کارکرد زهـد در عمل انسان نمایان می گردد نه در قلب و طبعا این آثار گران بها در جامعه نتیجه های بسیار مثبتی برجای می گذارد. استاد شهید مطهری رحمهم الله در این زمینه می فرماید:

زاهـد از آن نظر که دلبسـتگی هایی معنوی و اخروی دارد، به مظاهر مادی زندگی بی اعتنا است. این بی اعتنایی و بی توجهی تنها در فکر و اندیشه و احساس و تعلق قلبی نیست و در مرحله ضمیر پایان نمی یابد. زاهد در زندگی عملی خویش سادگی و قناعت را پیشه می سازد و از تنعم و تجمل

۱- بقره، آیه ۱۷۲.

۲- مؤمنون، آیه ۵۱.

۳- حق و باطل، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۴۳ تا ۱۴۶، با گزینش.

و لذّت گرایی پرهیز می نماید.

زندگی زاهدانه آن نیست که شخص فقط در ناحیه اندیشه و ضمیر، وابستگی زیادی به امور مادی نداشته باشد، بلکه این است که زاهـد عملاً از تنعم و تجمل و لذّت گرایی پرهیز داشـته باشد. زهاد جهان آن ها هسـتند که به حداقل تمتع و بهره گیری از مادیات اکتفا کرده اند. شـخص علی علیه السلام از آن جهت زاهد است که نه تنها دل به دنیا نداشت، بلکه عملاً نیز از تمتع و لذّت گرایی اِبا داشت و به اصطلاح تارک دنیا بود.(۱)

حدیث شریف معراج شاهدی عملی در زمینه زهد است:

به نبی اکرم صلی الله علیه و آله خطاب می شود که:

یا اَحْمَـدُ اِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَکُونَ أَوْرَعُ النَّاسِ فَازْهَـدْ فِی الـدُّنْیا وَ أَرْغَبُ فِی الاخِرَهِ، فَقَالَ: یا اِلهی کَیْفَ أَزْهَدُ فِی الدُّنْیا وَ أَرْغَبُ فِی الاخِرَهِ؟ قالَ: خُذْ مِنَ الدُّنْیا خَفًّا مِن الطَّعامِ وَ الشَّرابِ وَ اللِّباسِ، وَ لاتَدَّخِرْ لِغَدٍ.(۲)

ای احمـد اگر می خـواهی پرهیزگـارترین مردم باشـی، پس در دنیـا زهـد پیشه کن و به آخرت روی آور. آن حضـرت فرمود: خـدایا! چگونه زهـد پیشه نمـایم و به آخرت روی آورم؟ خطاب رسـید: در دنیا، غـذا و نوشـیدنی و لباس کمی اسـتفاده کن و برای فردای خود ذخیره مکن.

نتیجه این که چگونگی زهـدورزی بهره گیری کم از دارایی دنیـا است؛ زیرا این بهره گیری کم سـبب بـازدهی زیـاد است. در واقع زهد همان برداشت کم برای بازدهی زیاد است.

بـازدهی هـای انسان در مقایسه با امور مادی رابطه معکوس دارنـد، هم در مسائل عاطفی و اخلاقی و اجتماعی و هم در مسائل شرافت و کمال و صعود انسانی.

۱- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۲۱۴.

۲- محمدی ری شهری، پیشین، ج ۴، ص ۲۵۷.

برخوردار بودن و بهره مندی زیاد انسان از امور مادی و طبیعی و اسراف در لذت های مادی او را در امور معنوی و کمال انسانی ضعیف و زبون می سازد. برعکس چنان چه از امور دنیایی بهره کم تری ببرد ــ البته به اندازه ــ روح او جلا و صفا یافته، نیرومند می گردد. ولی ویژگی حیوان بدین گونه است که با بهره مندی بیش تر از امکانات دنیایی، بیش تر به کمال حیوانی اش نزدیک می گردد؛ البته در موارد هنرنمایی باید از امور دنیایی کمتر بهره گیرد؛ مثلاً اسب های مسابقه ای، باید کمتر بخورند و بیشتر تمرین کنند.(۱)

بررسی چند شبهه

بررسی چند شبهه

شبهه نخست: آیا زهد موجب ضعیف شدن نیروهای جسمی ــ روحی انسان نمی شود؟

زهد به معنای کمتر از اندازه خوردن نیست؛ بلکه دلبسته نبودن به زخارف دنیا، رکن اصلی زهد است. وگرنه صحیح نیست که توصیه کنیم افراد کمتر از اندازه بخورند. طبیعی است که تغذیه ناسالم و غیرکافی انسان را بیمار کرده و حتی ممکن است به مرگ زودرس دچار کند. اگر کسی بر اثر تغذیه غیر کافی خود را بیمار نماید، این ستم به خویشتن است، نه زهد!

زهد تمرین روح است. انسان با زهد، روحش را تقویت نموده، دلبستگی های دنیایی را از خود دور می سازد و سبکبال می گردد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام از تقوا و زهد به عنوان ورزش تعبیر می نماید: «وَ اِنَّما هِیَ نَفْسی أَرُوضُها بِالتَّقْوی(۲)؛ همانا نفس خویش را با تقوا ورزش می دهم.»

انسان زاهد نه تنها ضعیف و زبون نمی گردد، بلکه قدرت و نیروی روحی بسیار

۱- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۲۴۷ تا ۲۴۹، با گزینش.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۴۵، ص ۴۱۷.

زیادی می یابد. هرچه درجه زهد کامل تر گردد، زاهد، دارای قدرت روحی بیش تری می گردد. نتیجه بحث گذشته، یعنی استفاده کم و بازدهی زیاد، افزایش قدرت روحی انسان است. بهرحال هرچه انسان نفسش را با تقوا بیش تر ورزش دهد، به کمال الهی نزدیک تر شده، روحی قوی خواهد یافت.

علاوه بر این، زهد، به افزایش توان جسمی انسان می انجامد؛ زیرا انسان هرچه از تن پروری و تنبلی فاصله گیرد، قدرت جسمی اش افزایش می یابد و همان گونه که ثابت گردیده، توانایی جسمی انسان در خوردن و خوابیدن زیاد نیست.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به عثمان بن حنیف می نویسد:

وَكَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ: «اِذا كَانَ هـذَا قُوتُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنْ قِتَالِ الاَقْرَانِ، وَ مُنَازَلَهِ الشُّجْعَانِ». أَلاَ وَ اِنَّ الشَّجَرَهَ الْبَرِّيَّهَ أَصْلَبُ عُودا، وَالرَّوَاتِعَ الْخَضِرَهَ أَرَقُّ جُلُودا، وَالنَّابِتَاتِ الْعِذْيَهَ أَقْوَى وَقُودا، وَ أَبْطَأُ خُمُودا. وَ أَنَا مِنْ رَسُولِ اللّهِ كَالضَّوْءِ مِنَ الضَّوْءِ وَالذِّرَاعِ مِنَ الْعَضُدِ. وَاللّهِ لَوْتَظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلى قِتالِي لَمَا وَ لَّيْتُ عَنْها.(۱)

شاید کسی از شما بگوید: اگر خوراک فرزند ابوطالب این است، باید در کارزار با قهرمانان ضعیف باشد و نتواند با جنگاوران نبرد نماید. باید توجه داشت که چوب درخت بیابانی محکم ترین چوب است و درخت های سبز که در شهرها می روید، پوستش نازک تر و شعله درخت های بیابانی زیادتر و دوامش بیش تر است. نسبت من به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم همانند نسبت روشنی به نور و یا مانند نسبت دست به بازو است. به خدا سوگند اگر تمام عرب پشت به پشت هم دهند که با من درآویزند، من به آنان پشت نمی کنم.

شبهه دیگر این است که آیا زهد عامل فقر نیست؟

پاسخ این است که زهد به معنای کم کاری و تنبلی نیست؛ بلکه زهد به

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۴۵ ص ۴۱۸.

وابستگی ها و دلبسته نبودن به دنیا مربوط است. در زمینه زهـد اسـلام به دو گونه قـدرت معتقـد است: یکی قدرت اخلاقی و دیگری قـدرت اقتصادی. از لحاظ روحی و اخلاقی انسان بایـد آن قـدر خود را نیرومنـد سازد که مال و ثروت دنیا نتواند او را بنده خود کند، و از نظر اقتصادی نیز باید بکوشد تا مال و ثروت را از راه مشروع به دست آورد و از آن بهره گیرد(۱).

بنابراین در اسلام توصیه گردیده است که زاهد از توانایی مادی نیز بهره مند باشد تا بتواند در حل دشواری های خود و جامعه گام بردارد.

زهد و مفاهیم دیگر

اشاره

زهد و مفاهیم دیگر

زهد با برخی صفت های اخلاقی دیگر به گونه ای ارتباط دارد که در این جا بدان ها پرداخته می شود.

۱ـ رابطه زهد و ایمان

۱ـ رابطه زهد و ایمان

زهد و ایمان به گونه ای با هم ارتباط تنگاتنگ دارند که زهد را شرط چشیدن لذّت ایمان دانسته اند:

قالَ رَسوُل اللّه ِصـلی الله علیه و آله وسـلم : لایَجِدِ الرَّجُلُ حَلاوَهَ الْایمانِ فی قَلْبِهِ حَتّی لایُبالِی مِن أَكْلِ الدُّنْیا، ثُمَّ قالَ اَبُوعَبْدِاللّه ِ علیه السلام : حَرامٌ عَلی قُلُوبِکُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلاوَهَ الِایمانِ حَتّی تَزْهَدَ فِی الدُّنْیا.(۲)

رسول خدا صـلی الله علیه و آله وسلم فرمود: انسان شیرینی ایمان را در قلبش نمی یابد مگر این که به بهره های دنیایی بی اعتنا باشد. سپس امام صادق علیه السـلام فرمود: چشیدن شیرینی ایمان بر دل های شـما حرام است، مگر این که در دنیا زهد پیشه کند.

۱- حق و باطل، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۱۲۸.

۲- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۹ و تفسیر نور الثقلین، عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۵، ص ۸۳.

دلبستگی به دنیا و دلبسته بودن به خدا (ایمان به خدا) نقیض یکدیگرند؛ چون خدای تعالی تنها یک دل برای آدمی قرار داده است، کسی که زهد پیشه ساخته و به دنیا دل نمی بندد، محبت و دلبستگی به دنیا از قلبش بیرون شده، طعم واقعی ایمان را خواهد چشید.

گروهی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عرض کردند: ما ایمان آورده ایم. حضرت فرمود: نشانه ایمانتان چیست؟ گفتند: صبر هنگام بلا، شکر هنگام سختی، خشنودی به سرنوشت الهی و ناراحتی نکردن در مصیبت هنگام چیرگی دشمنان. آن گاه حضرت فرمود:

فَاِنْ کُنْتُمْ کَذلِکَ فَلا تَجْمَعُوا مالا تَأْکُلُونَ وَلا تَبْنُوا مالا تَسْکُنُونَ وَ لاتَنَافَسوُا فِیما عَنْهُ تَرْحَلُونَ(۱).

پس اگر این چنین هستید، نباید آن چه را نمی خورید جمع و ذخیره کنید و نباید خانه ای بسازید که در آن سکنی نمی گزینید و نباید در آن چه آن را ترک می کنید، دل ببندید.

در این روایت، زهد، تکمیل کننده ایمان معرفی شده است. در بعضی روایت های دیگر زهد اساس و اصل ایمان و یقین دانسته شده است. امام علی علیه السلام می فرماید: «الزُّهْدُ اَساسُ الْیَقِینِ.»(۲)

بنابراین، تا آدمی از دنیا دل نکند، به آخرت باورمند نخواهد شد. همین معنا در کلام دیگری از آن بزرگوار نقل شده است:

«زُهْدُ الْمَرْءِ فِیما یَفْنی عَلی قَدْرِ یَقِینِهِ بِما یَبْقی؛(۳)دل کندن آدمی به آن چه فانی می گردد به اندازه یقین اوست به آن چه باقی می ماند.»

۱- محسن فیض کاشانی، پیشین، ج ۷، ص ۳۵۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد آمدی، برگردان: محمدعلی انصاری، ج ۱، ص ۲۱.

۳- آثارالصادقین، صادق احسان بخش رشتی، ج ۸، ص۵۴.

بنابراین نیکوترین خُلقی که انسان را به خدای تعالی نزدیک می کند، زهد و آن چه ایمان را فاسد می نماید، دل بستن به دنیا است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

حُسْنُ الزُّهْدِ مِنْ أَفْضَلِ الْإیمانِ وَ الرَّغْبَهُ فِی الدُّنْیا تُفْسِدُ الْایْقانِ(۱)؛

زهدِ خوب نتیجه برتری ایمان است و دل بستن به دنیا یقین را فاسد می نماید.

نیز امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَمْ یَطْلُبْ اَحَدٌ الْحَقَّ بِبابِ أَفْضَلُ مِنَ الزُّهْدِ فِی الدُّنْیا وَ هُوَ ضِدٌّ لِما طَلَبَ أَعْداءُ الْحَقِّ. [عن عبداللّه بن سلام]قُلْتُ: جُعِلْتُ فِداکَ مِمّاذا؟ قالَ: مِنَ الرَّغْبَهِ فِیْها(۲)

هیچ کسی حق را در جایی بهتر از بی رغبتی به دنیا نمی جوید. زهد ضد چیزی است که دشمنان حق می جویند. عبداللّه بن سلام می گوید: پرسیدم: فدایت شوم چرا چنین است؟ فرمود زیرا به دنیا دل بسته اند.

۲_ رابطه زهد و تقوا

۲_ رابطه زهد و تقوا

تقوا در فرهنگ احادیث یعنی از خدا ترسیدن. امامان معصوم علیهم السلام چنین صفتی را در آدمی عامل زهد و بی رغبتی به دنیا معرفی کرده اند. با این اندیشه، به دست می آید که حلال دنیا حساب و حرامش کیفر دارد. اگر آدمی از حساب و کیفر الهی پروا داشته باشد، لزوما به دنیا بی رغبت می شود و به اندک آن بسنده می کند؛ به تعبیر دیگر تقوا سبب زهد می شود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

مَنْ رَغِبَ بِالتَّقْوی زَهَدَ فِی الدُّنْیا(۳)؛

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۷۸.

۲- کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۶، و نیز بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۵۶ و وسایل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۱۳، حدیث ۲۰۸۳۴.

۳- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۰.

هر که پروا پیشه کند به دنیا بی رغبت می گردد.

از امام حسن مجتبی علیه السلام در معنای زهد پرسیدند، آن حضرت فرمود:

الرَّغْبَهُ فِی التَّقْوی وَ الزَّهادَهُ فِی الدُّنْیا(۱)؛

[زهد یعنی] میل به پرواپیشگی و بی رغبتی به دنیا.

۳_ رابطه زهد و فقر

۳_ رابطه زهد و فقر

چه ارتباطی میان بی میلی به دنیا و بی بهرگی از آن است؟ پاسخ این است که این دو از یکدیگر کاملاً جدایند. یکی پسندیده و دیگری ناپسند است. نیز یکی خواسته و دیگری ناخواسته است. زهد با برخورداری از مال منافی نیست؛ ولی فقر یعنی نابرخورداری از آن. بسا زاهدی که دارا است و بسا فقیری که زاهد نیست. زهد صفتی قلبی است؛ اما فقر پدیده ای خارجی است.

علی علیه السلام درباره زشتی فقر به فرزندش، محمدبن حنفیه می فرماید:

یا بُنَی، اِنِّی أَخافُ عَلَیْکَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللّهِ مِنْهُ، فَأِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَهٌ لِلدِّینِ، مَدْهَشَهٌ لِلْعَقْلِ، داعِیَهٌ لِلْمَقْتِ(۲)

من از فقر درباره تو می ترسم. از فقر به خدا پناه بر؛ زیرا فقر برای دین ضرر دارد، عقل را نگران می کند و دشمنی پدید می آورد.

هم چنین فرمود:

الْفَقْرُ الْمُوتُ الاْکْبَرُ(۳)

فقر مرگ بزرگ است.

و نیز از آن حضرت است که:

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۲.

۲- صبحی صالح، پیشین، حکمت ۳۱۹، ص ۵۳۱.

۳- صبحی صالح، پیشین، حکمت ۱۶۳، ص ۵۰۰.

القَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ(۱)

قبر بهتر از فقر و تهی دستی است.

بنابراین، جمع میان فقر و زهد بدین صورت امکان پذیر است که شخص مسلمان در همان حالی که بی رغبت به دنیا است و به آن وابسته نیست، در همان حال با کار و تلاش در حوزه حلال، فقر را از خود می زداید.

۴ـ رابطه زهد و کسب حلال

۴ـ رابطه زهد و کسب حلال

زهد با کسب حلال در گذران زندگی نه تنها قابل جمع است که بسیار مورد ستایش قرار گرفته است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

مَنْ طَلَبَ الدُّنْيا حَلالاً مُكاثِرا مُفاخِرا لَقِيَ اللّهَ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضْبانٌ وَ مَنْ طَلَبَها اِسْتِعْفافا عَنِ الْمَسْأَلِهِ وَ صِيانَةً لِنَفْسِهِ جاءَ يَوْمَ الْقِيامَهِ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَهِ الْبَدْرِ(۲)

هر کس حلال دنیا را برای فزون طلبی و فخر فروشی بخواهد، خدا را دیدار خواهد کرد، در حالی که از او خشمناک است و هرکس آن را به منظور حفظ آبرو از دریوزگی و خویشتن داری بطلبد، روز قیامت درحالی که چهره اش چون ماه شب چهارده می درخشد، در آن صحنه حاضر می شود.

نیز امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

وَالدُّنْيا حانُوتُهُ(۳)

دنیا محل کسب [انسان مؤمن] است.

۵ـ رابطه زهد و رهبانیت

۵ـ رابطه زهد و رهبانیت

رهبانیت از واژه «رهبه» به معنای خشیت و فروتنی است و در اصطلاح به بریدن

۱- شرح فارسی غرر و دررآمدی، جلال الدین محدث، ج ۷، ص ۳۱۱.

۲- مجموعه ورام، ابوالحسین ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳- محمد شفیعی مازندرانی، پیشین، ص ۷۲، به نقل از جامع الاخبار، فصل ۴۱، ص ۹۸.

انسان از مردم برای عبادت خدای تعالی [به خاطر ترس از او] اطلاق می گردد(۱).

رهبانیت نگاه بـدبینانه به هـدف زنـدگی، هستی و آفرینش است. رهبانیت، بریـدن از مردم و روی آوری به عبادت و ریاضـت است. رهبانیت برخلاف جامعه گرایی است و لازمه آن احساس بی مسـئولیتی شخصی می باشد. رهبانیت جداانگاری و بیگانه انگـاری امور دنیـایی از آخرتی است. در صورتی که چنین نیست و منافاتی با پرداختن به زنـدگی دنیایی نـدارد. زاهـد واقعی، دنیا و آخرت را با هم جمع می نماید. راهب، سـلامتی، بهداشت، انتخاب همسر و تولید نسل را کوچک می شمارد؛ ولی زاهد آن را وظیفه خود می دانـد. راهب، دنیـا و آخرت را کاملاً از هم جـدا و بی ارتباط و بلکه متضاد و غیرقابل جمع می دانـد؛ به عبارت دیگر وسایل خوشبختی دنیا و وسایل سعادت آخرت را مغایر و رویاروی هم می داند(۲).

از نمونه های بارز رهبانیت ازدواج نکردن است که در این مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

تَزَوَّجُوا فَإِنِّی مُکاثِرٌ بِکُمْ الْاُمَمَ وَ لاتَکُونُوا کَرُهْبانِیَهِ النَصاری(۳)؛ ازدواج نمایید که من به بسیاری شما بر ملّت های دیگر افتخار می کنم و مانند مسیحیان راه رهبانیت پیش مگیرید.

پیـدایش رهبـانیت در مسـیحیت، پس از قرن سوم میلادی و در زمان ظهور امپراتور رومی به نام دیسـیوس و مبارزه شدیـد او با پیروان مسیح علیه السـلام بود. آن هـا بـا شـکست از این امپراتور خون خوار، به کوه هـا و بیابان ها پناه بردنـد. در روایت های اسلامی، این معنی به صورت دقیق تری نقل شده است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبائی، ج ۱۹، ص ۱۷۳.

۲- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، پیشین، ص ۲۱۵ تا ۲۲۲.

۳- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۲۹، حدیث ۱۱۴۵.

ابن مسعود فرمود: «می دانی عامل رهبانیت چه بود؟» عرض کرد: خدا و پیامبرش آگاه ترند، فرمود: بعداز عیسی علیه السلام گروهی ستمگر ظهور کردند که مؤمنان سه بار با آنان پیکار نمودند ولی شکست خوردند؛ لذا به بیابان ها پراکنده شدند، و به انتظار ظهور پیامبر موعود عیسی [محمد] در غارها به عبادت مشغول گشتند؛ برخی از آن ها بر دین خود باقی ماندند و بعضی راه کفر در پیش گرفتند. سپس افزود: آیا می دانی رهبانیت امت من چیست؟ عرض کرد: خدا و رسولش آگاه ترند، فرمود:

«الْهِجْرَهُ، وَالْجِهادُ، وَالصَّلاهُ، وَالصَّوْمُ، وَالْحَجُّ، وَالْعُمْرَهُ(۱)؛

رهبانیت امت من هجرت و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره است.»

آیه «وَ رَهْبانِیَّهً ابْتَدَعُوها ماکَتَبْناها عَلَیْهِمْ ...(۲) نشان می دهد که گونه ای رهبانیت مطلوب در میان مسیحیان بوده است، هرچند در آیین مسیح دستوری الزامی برای آن نبوده است؛ ولی پیروان مسیح آن رهبانیت را از اندازه اش بیرون برده و به انحراف کشاندند. به همین دلیل اسلام به شدت آن را محکوم کرده و حدیث معروف «لاْرُهْبانِیَّهً فِی الْاِسْلامِ» در بسیاری از منابع اسلامی دیده می شود(۳).

مرز میان زهد و رهبانیت بسیار ظریف است. بسیاری به بهانه پیمودن راه زهد، از دنیا و سیاست و امور مادی چشم پوشیده، رهبانیت را پیشه خود کردند و با تحریف مفهوم زهد در اسلام، به راهی رفتند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از آن نهی کرده بود.

به عبارت روشن تر آن گونه که پیش تر گفتیم، زهد به معنی دلبسته نبودن به دنیا است، نه ترک دنیا. زهد و ترک دنیای افرادی مانند ابراهیم ادهم و بایزید بسطامی، زهد اسلامی نیست.

۱- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۲۳ ص ۳۸۴ تا ۳۸۶.
۲- حدید، آیه ۲۷. ترجمه: «و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، و ما بر آن ها مقرر نداشته بودیم.»
۳- ناصر مکارم شیرازی، پیشین. درباره وجود نوعی رهبانیت مطلوب در بین مسیحیان نک: ابوعلی طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۶۵ و ناصر مکارم شیرازی، نمونه، ج ۲۳، ص ۳۸۲.

برای فهمیـدن نظر اسـلام دربـاره رهبـانیت و ترک دنیـا یـادآوری داسـتان عثمـان بن مظعون بسـیار منـاسب است. وی از یاران برجسته رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود.

روزی همسـرش از او نزد رسول خدا صـلی الله علیه و آله وسـلم شـکایت کرد که عثمان روزها روزه می گیرد و شب ها را در عبادت به سر می برد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در حالی که آثار خشم در چهره اش نمایان بود، نزد عثمان رفت و او را در حال نماز دید. پس از نماز به او فرمود:

یا عُثْمانُ لَمْ یُرْسِلْنِیَ اللّه ُ بِالرُّهْبانِیَّهِ وَ لکِنْ بَعَثَنِی بِالْحَنِیفِیَّهِ السَّمْحَهِ، اَصُومُ وَ اُصَلّی وَ أَلْمِسُ اَهْلِی ...(۱)

ای عثمان خداوند مرا برای رُهبانیت نفرستاده؛ بلکه مرا برای یکتاپرستی آسان فرستاده است. روزه می گیرم، نماز می خوانم، با همسرم آمیزش می کنم.»

۶_ رابطه زهد و ریاضت

۶_ رابطه زهد و ریاضت

درباره ریاضت هایی که بشر از دیر زمان داشته است، علامه طباطبایی می گوید:

سزاوار نیست؛ در این مطلب شک نماییم که این ریاضات و اشتغالات نفسانی سنت تازه ای در زمان ما نیست؛ زیرا دلایل نقلی و عقلی(۲) دلالت دارند بر این که این سـنت ها در بین مردم جریان داشـته و هرچه از جهت تاریخی به عقب برگردیم، متوجه می شویم که این سـنت ها از قـدیمی ترین دوره هایی که انسان بر این زمین زنـدگی می کرده، جزو سـنن لازمه انسانیت بوده است.(۳)

بـا این که ریـاضت هـای نفسـانی بسـیار گونـاگون است ولی وجه اشتراک و اساس همه آن ها بر این است که در کل با نفس مخالفت بشود.(۴) و در مورد فرقه های

۱- وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمدبن حسن حر عاملی، ج ۱۴، ص ۷۴، حدیث ۲۵۱۵۷.
۲- ظاهرا آنچه بر وجود یک سنت دلالت دارد، دلایل نقلی و تاریخی است نه عقلی.
۳- محمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۶، ص ۱۸۱.
۴- محمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۶، ص ۱۸۱.

مختلف که به ریاضت های نفسانی پرداخته اند، مانند ساحران و اهل سیمیا و طلسمات و تسخیر ارواح و جن و روحانیات حروف و کواکب و کسانی که به تسخیر نفوس مشغولند و در همه آنانی که ریاضت های نفسانی شخصی دارند، نتیجه چیرگی بر نفس است.(۱)

کارکرد ریاضت این است که برای نفس حالتی ایجاد می شود که به انجام دادن خواسته هایش توانا است. پس هنگامی که ریاضت درست و تمام باشد، انسان به گونه ای می شود که اگر خواسته هایش را به طور مطلق یا با شرایط ویژه ای اراده کند، عملی می گردد؛ مثل حاضر کردن روح برای کودک غیر بالغ در آینه.(۲)

همان گونه که گفته شد اساس ریاضت، مخالف با نفس است. در زهد نیز ریشه دلبسته نبودن به دنیا مخالفت با نفس است. پس مخالفت با نفس نقطه اشتراک میان زهد و ریاضت است. اما ریاضت لازمه زهد نیست؛ هر چند در برخی موارد مقدمه رسیدن به زهد و وابسته نبودن به دنیا، ریاضت است. بنابراین، زهد و ریاضت دو مقوله جدا از یکدیگرند که هر یک کارکردهای مخصوص به خود دارند.

۷_ رابطه زهد و قناعت

۷_ رابطه زهد و قناعت

قناعت در برابر حرص قرار دارد و حالتی است که بسنده کردن به اندازه نیاز و ضرورت و زحمت نکشیدن در به دست آوردن مال زیادی را در آدمی برمی انگیزد. صفت قناعت سرچشمه دیگر فضیلت ها است. چه بسا با دارا شدن آن، بتوان به سعادت ابدی رسید؛ زیرا هر که به اندازه ضرورت قناعت نماید و دل را مشغول امر زیادی نکند، همیشه سبک بال و دارای آرامش و اطمینان خاطر است. در نتیجه، توجه

۱- محمد حسین طباطبایی، پیشین، ص ۱۸۵.

۲- محمد حسین طباطبایی، پیشین، ص ۱۸۷.

به امر آخرت برایش سهل و آسان می گردد.(۱)

امام صادق علیه السلام به مردی فرمود:

اِقْنَعْ بِما قَسَّمَ اللّه ُلَکَ وَ لاتَنْظُرْ اِلی ما عِنْدَکَ غَیْرُکَ وَ لاتَتَمُنَّ مالَسْتَ نائِلُهُ فَأَنَّهُ مَنْ قَنَعَ شَبعَ وَ مَنْ لْمْ یَقْنَعْ لَمْ یَشْبَعْ وَخُذْ حَظَّکَ مِنْ آخِرَتِکَ.(۲)

در آن چه خدای تعالی برای تو روزی کرده قناعت کن و به آن چه در نزد غیر توست، چشم ندوز و آن چه را که بدان دست نمی یابی، آرزو نکن. پس کسی که قناعت پیشه کرد، سیر می گردد و کسی که قناعت نکرد سیر نمی شود و بهره ات را از آخرت بگیر.

حقیقت قناعت در آن است که آدمی خود را از خواهش های نفسانی دور بدارد و به کم دنیا راضی باشد و بر گردآوری دارایی ها، حرص نداشته باشد و بر آن چه از دست رفته، غمگین نباشد.

در زبور داود علیه السلام آمده است که قناعت کننده، ثروت مند است، اگرچه گرسنه و برهنه باشد؛ چون بی نیازی نفس دارد و هرکه قناعت کرد و طمع و حرص نداشت، از شر و آشوب و بدی مردم راحت می گردد و نزد اهل زمانش، جایگاهی بلند و با عزت می یابد(۳).

نخستین گام زهد، قناعت است؛ زیرا زهد بهره کسی خواهد شد که خود را از غم دنیا رها ساخته باشد. قناعت از نتیجه های اصلی دلبسته نبودن به دنیا است.

۸_ رابطه زهد و تصوف

۸_ رابطه زهد و تصوف

صوفیه از تصوف تعریف هایی کرده اند که بعضی از آن ها عبارتند از:

تصوف اندک خوردن است و با خدای آرام گرفتن و از خلق گریختن؛

تصوف ذکر است به اجتماع و وجدی است به استماع و عملی است به اتّباع.

۱- معراج السعاده، احمد نراقی، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

۲- الروضه من الکافی، ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ج ۸، ص ۲۴۳، حدیث ۳۳۷.

۳- ارشادالقلوب، دیلمی، ترجمه: سید هدایت اللّه مسترحمی، ص ۸۶ و ۸۷.

تصوف اصطفا است، هرکه از غیر خدا گزیده شده، او صوفی است.

تصوف دشمنی دنیا است و دوستی مولا(۱).

به منظور دانستن رابطه میان زهد و تصوف، مناسب است که نخست دو ویژگی برجسته تصوف آورده شود و سپس با زهد پذیرفته شده پیشوایان معصوم علیهم السلام مقایسه گردد.

از ویژگی های متصوفه آن است که ذکر نزد آنان جایگاه ارجمندی دارد؛ تا آن جا که واجبات دینی را تحت تأثیر خود قرار داده و صوفیان آن را مانند واجبات درجه اول معتبر می دانند.

از ویژگی های دیگر صوفیان مبالغه در توکل، یعنی اعتماد داشتن به خداوند است. آنان به اندازه ای در توکل افراط می کنند که خود را نیازمند هیچ تلاشی نمی یابند.

آنان هرگز در فراهم آوردن معاش، فردا را در شمار روزهای خود نمی آورند و در تأیید این باورشان، این حدیث را ذکر می کنند:

«پند و حکمت از آسمان فرود می آید و هیچ گاه وارد دلی نمی شود که فکر فردا را دارد.» و بر این باورند که هر کس متعلق به زمانی است که در آن به سر می برد؛ بر این اساس برای آینده زندگی خود هیچ گونه، تلاشی نمی کنند. از این رو، فقر و تهی دستی را فضیلت می دانند(۲).

اساسا به هیچ امری که به تن وابستگی دارد، توجه نمی کنند؛ مثلاً ـ اگر بیمار شوند، هیچ گاه در صدد مداوا و مراجعه به پزشک برنمی آیند. به گفته های مردم درباره آن ها اهمیت نمی دهند و از گفته های تأثیرگذار در میانشان این است که: «هر که بر خدا توکل کند، به مدح و ذم مردم توجهی ندارد.»

۱- زهد و تصوف در اسلام، گولد تسهیر، ترجمه: محمدعلی خلیلی، ص ۸۵.

۲- نک. محمد غزالی، کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۴۱۹ تا ۴۳۵.

اینان هیچ گاه در پی آن نیستند که بدی را با بدی جبران کنند. به این ترتیب، در واقع به دستور منسوب به مسیح علیه السلام عمل می کنند که فرمود: «شنیده اید که گفته اند چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان؛ ولی من می گویم که بدی را جبران نکنید و در برابر آن ایستادگی ننمایید و اگر کسی بر گونه راستت سیلی زد، گونه چپ را نیز به سمت او بِبَر(۱).»

امامان معصوم علیهم السلام هرگز چنین زهدی را تأیید نمی کنند. محمدبن حسین بن ابی خطاب که از خواص یاران چندین امام بوده است، گوید: همراه امام علی النقی علیه السلام در مسجد پیامبر نشسته بودیم که گروهی از یاران آن حضرت بر او وارد شدند. یکی از ایشان ابوهاشم جعفری نام داشت که مردی فصیح و بلیغ بود و جایگاهی بزرگ نزد آن حضرت داشت. سپس گروهی از صوفیه وارد مسجد شدند و در یک گوشه، حلقه زده و به گفتن «لااله الاالله » مشغول شدند.

امام علیه السلام رو به یاران خود نموده، فرمود: به این فریب دهندگان توجه نکنید. ایشان جانشینان شیطان ها و ویران کنندگان قواعد دینند. برای آسایش دادن جسم ها اظهار زهد می کنند و به جهت شکار چهارپایان، شب بیداری می کشند؛ یعنی مسخر کردن آن هایی که مانند چهارپایانند. چنان که حق تعالی می فرماید: «اُولئِکَ کَالْاَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ(۲). اینان جز برای فریب مردم، «لااله الاالله » نمی گویند، و ایشان را کم کم و پنهانی در چاه گمراهی خود می افکنند. وردهایشان رقص کردن و دست زدن است و ذکرهایشان سراییدن و آواز غنایی خواندن است. جز سفیهان، ایشان را پیروی نمی کنند و جز بی خردان و نادانان بر آنان اعتقاد ندارند. پس هر که به زیارت یکی از ایشان در زمان زندگی یا مرگشان برود، گویا به زیارت شیطان و پرستش بتان رفته باشد و هر که یکی از ایشان را یاری نماید، گویا یزید و معاویه و ابوسفیان را مدد رسانده است. یکی از یاران آن حضرت گفت: هرچند به حقّ شما اعتراف

۱- گولد تسهیر، پیشین، ص ۴۳ تا ۴۷، با گزینش.

۲- اعراف، آیه ۱۷۹.

کنند؛ یعنی اگرچه به امامت شما باورمند باشند. حضرت مانند شخص غضبناک بر او نگریست و فرمود: این گفتار را بگذار؛ آن که به حق ما آگاه باشد، از ما نافرمانی نمی کند و به مخالفت با ما برنمی خیزد. آیا نمی دانید که این طایفه، پست ترین طایفه های صوفیه اند و صوفیه همگی از مخالفان ما هستند. راه و روش ایشان غیر راه و روش ماست و ایشان جز نصاری و مجوس این امت نیستند(۱).

۱- حدیقه الشیعه، احمدبن محمد، معروف به مقدس اردبیلی م.۹۹۳، ص ۶۰۳.

بخش سوم: عوامل پیدایش زهد

اشاره

بخش سوم: عوامل پیدایش زهد

دو دسته از عوامل در پیدایش زهد تأثیر دارد.

عوامل شناختی و عقیدتی

اشاره

عوامل شناختی و عقیدتی

اعتقاد به پاره ای از اصول، آدمی را به زهدورزی تشویق می کند که اکنون بدان پرداخته می شود.

۱_ اعتقاد به کمال بخشی خداوند

۱_ اعتقاد به کمال بخشی خداوند

از عوامل اساسی در پیدایش زهد، آگاهی و شناخت انسان است. امام علی علیه السلام می فرماید:

«یَسیرُالْمَعْرِفَهِ یُوجِبُ الزُّهْدَ فِی الدُّنْیا(۱)؛ شناخت سبب کناره گیری از دنیا است.» هم چنین آن حضرت اثر معرفت را کناره گیری از دنیا می داند: «ثَمَرَهُ الْمَعْرِفَهِ الْعَزُوفُ عَنْ دارِالدُّنْیا(۲)؛ ثمره شناخت کناره گیری از خانه دنیاست.»

شناخت خداوند متعال براساس فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام بالاترین شناخت ها است. حضرت می فرماید: «مَعْرِفَهُ اللّه ِ سُبْحانَهُ أَعْلَی الْمَعارِفِ(۳)؛ شناخت خدای سبحان بالاترین شناخت ها است.»

این شناخت، سبب تأثیرگذاری ها و برکت های بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی و دنیایی و آخرتی دارد. یکی از کارکردهای شناخت، زهد در دنیا است؛

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲ ص ۸۶۶.
۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۶۱.
۳- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۱۵۵.

زیرا هرچیزی که نیاز آدمی را برطرف می کند، بدان رغبت پیدا می کند و خدا برترین کسی است که همه نیازهای آدمی را برمی آورد. این شناخت رویگردانی انسان از دنیا و توجه به خدا را در پی دارد.

هر چه شناخت انسان به خداوند بیش تر گردد، نسبت به دنیا بی رغبت تر خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اِنَّ أَعْلَمَ النّاسِ بِاللّه ِاَخْوَفُهُمْ لِلّهِ وَ اَخْوَفُهُمْ لَهُ أَعْلَمُهُمْ بِهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِهِ أَزْهَدَ هُمْ فِیْها(۱)

داناترین مردمان به خدا کسانی اند که بیش تر از خدا می ترسند و آن هایی که از خدا بیش تر می ترسند، داناترینْ به خدا هستند و داناترینشان به خدا کسانی اند که در دنیا بیشتر زهد می ورزند.

۲_ اعتقاد به گذرا بودن دنیا و بقای آخرت

۲_ اعتقاد به گذرا بودن دنیا و بقای آخرت

از باورهایی که مسلمان را به زهد ترغیب می کند، این باور داشت است که دنیا پل گذر به آخرت است. آگاهی به چهره واقعی دنیا یکی دیگر از عوامل پیدایش زهد در انسان است. امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ عَرَفَ الدُّنْیا تَزَهَّدَ(۲)؛ کسی که دنیا را بشناسد، زهد می ورزد.»

حقیقتا وقتی انسان به چیستی دنیا آشنا شد و دریافت که پایان آن فنا و نابودی است، از آن دل کنده و به امور باقی آخرت دل می بندد.

از امیرالمؤمنین علیه السلام است که:

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۷.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۶۱۹.

«يَنْبَغِى لِمَنْ عَرَفَ الدُّنْيا أَنْ يَزْهَدَ فِيْها وَ يَعْزِفَ عَنْها(۱)؛

برای کسی که دنیا را می شناسد، سزاوار است که در آن زهد ورزیده و از آن کناره گیرد.»

هم چنین فرمود:

«دُنْياكُمْ هذِهِ أَزْهَدُ عِنْدى مِنْ عَفْطَهِ عَنْزٍ(۲)؛

دنیای شما در نظر من بی ارزش تر از آب بینی گوسفند است.»

نیز آن حضرت می فرماید:

«أَحَقُ النّاسِ بِالزَّهادَهِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ الدُّنْيا(۳)؛

کسی که کاستی و خواری دنیا را می شناسد، حق دارترین مردم به زهد است.»

هم چنین آن حضرت فرمود:

«كُونُوا مِمَّنْ عَرَفَ فَناءَ الدُّنْيا فَزَهِدَ فِيْها وَ عَلِمَ بَقاءَالْاخِرهِ فَعَمِلَ لَها(۴)؛

از کسانی باشید که فانی شدن دنیا را می شناسند و در آن زهد می ورزند و باقی ماندن آخرت را نیز می دانند و برای آن عمل می کنند.»

امام موسی بن جعفر علیه السلام در برابر قبری ایستادند و در لزوم زهد به خاطر خواری دنیا فرمودند:

اِنَّ شَيْئا هذا آخِرُهُ لَحَقِيْقٌ أَنْ يَزْهَدَ فِى اَوَّلِهِ وَ اِنَّ شَيْئا هذا أَوَلُهُ لَحَقِيْقٌ أَنْ يَخافَ مِنْ آخِرِهِ(۵)؛

چیزی که قبر پایان آن است، حق این است که در اول آن[زندگی دنیایی] زهد بورزند و

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۸۵۹.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۳، ص ۵۰.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۹۷.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۷۰.

۵- حر عاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۱۵، حدیث ۲۰۸۴۰.

چیزی که اول آن قبر و برزخ است، حق آن است که از پایانش [قیامت] بترسند.

امام علی علیه السلام دید زاهد به دنیا را این گونه توصیف می کند:

أَيُّهَا النّاسُ، انْظُرُوا اِلَی الدُّنْيا نَظَرَ الزّاهِدِيْنَ فِيْها، الصّادِفِينَ عَنْها، فَأِنَّها وَاللّه ِ عَمّا قَلِيلٍ تُزِيلُ الثّاوِیَ السّاکِنَ، وَ تَفْجَعُ الْمُتْرَفَ الْآمِنَ، لا-يَرْجِعُ ما تَوَلّی مِنْها فَأَدْبَرَ، وَلا-يُدْری ما هُوَ آتٍ مِنْها فَيُنْتَظَرَ. سُرُورُها مَشُوبٌ بِالْحُزْنِ، وَ جَلَدُ الرِّجالِ فِيْها اِلی الضَّعْفِ وَ الْوَهْنِ، فَلا يَغُرَّنَّکُمْ کَثْرَهُ ما يُعْجِبُکُمْ فِيْها لِقِلَّهِ ما يَصْحَبُکُمْ مِنْها.

رَحِمَ اللّه ُامْرَأً تَفَکَّرَ فَاعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ، فَکَأَنَّ ماهُوَ کائِنٌ مِنَ الدُّنْيا عَنْ قَلِيْلٍ لَمْ يَکُنْ، وَ کَأَنَّ ماهُوَ کائِنٌ مِنَ الْآخِرَهِ عَما قَلِيْلٍ لَمْ يَزَلْ، وَ کُلُّ مَعْدُودٍ مُنْقَضٍ، وَ کُلُّ مُتَوَقَّعٍ آتٍ، وَ کُلُّ آتٍ قَرِيْبٌ دان(۱).

به این جهان بنگرید! از نوع نگریستن زاهدان در دنیا و رویگردانید از آن، که به خدا سوگند، آن که در آن مانده و جای گرفته دیری نپاید، و آن که به ناز پرورده و ایمن به سر برده، به درد آید. آن که از آن رفت، بازگشتنی نیست، و آن چه آینده است، نتوان دانست چیست تا در انتظار آن زیست. شادی آن آمیخته به اندوه است و بد حالی، و چابکی و چالاکی مردان را ناتوانی و سستی در پی می باشد. پس فریفته نگرداند شما را فزونی آن چه شادمانتان گرداند، که اندک است آن چه از آن با شما می ماند.

خدا بیامرزد آن را که بیندیشد و پند گیرد و بصیرت یابد؛ که گویی در مدت کمی آن چه از آنِ دنیا بود، نمانده است و آن چه از آخرت است، پاینده است و هر چیزی که شماره شود، تمام می گردد و هرچه را انتظار می کشیم، می آید و آن چه در حال آمدن است به زودی نزدیک می شود.

خلاصه این که دنیا در نظر زاهد جایگاهی است که می داند برای آن آفریده نشده است؛ بنابراین، اهتمام خود را بر امور پایدار آخرت قرار می دهد.

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۰۳، ص ۱۴۸.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

اِنَّکَ لَنْ تُخْلَقَ لِلدُّنْیا فَازْهَدْ فِیْها وَ اعْرِضْ عَنْها(۱)؛

تو برای دنیا خلق نشده ای، پس در دنیا زاهد باش و از آن روی گردان.

بینش زاهد واقعی به او می گوید دنیا پل گذر است. خداوند راه های حق را روشن ساخته است؛ سرانجام کار یا بدبختی دایمی و یا سعادت ابدی است. پس چون نمی داند کِی از این جهان خواهد رفت و هرگاه که برود، چیزی از دنیا همراهش نخواهد بود، زاد و توشه راهش را فراهم می سازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

عِبْادَاللّه ، اَللّه ـ اَللّه ـ فِی أعَزّالْاَنْفُس عَلَیْکُمْ، وَ أَحَبِّها اِلَیْکُمْ: فَأِنَّ اللّه ـ قَدْ أَوْضَحَ لَکُمْ سَبِیْلَ الْحَقِّ وَ أَنارَ طُرُقَهُ. فَشِقْوَةٌ لازِمَةٌ، أَوْ سَعادَةٌ دائِمَةٌ فَتَزَوَّدُوا فِیأَیّامِ الْفَناءِ لِأَیّامِ الْبَقاءِ. قَدْ دُلِلْتُمْ عَلَی الزّادِ، وَ أُمِرْتُمْ بِالظَّعْنِ، وَ حُثِثْتُمْ عِلِی الْمَسِیرِ، فَاِنَّما أَنْتُمْ کَرَکْبٍ وُقُوفٍ، لایَدْرُونَ مَتی یُؤمَرُونَ بِالسَّیْرِ. أَلا فَما یَصْنَعُ بِالدُّنْیا مَنْ خُلِقَ لِلاخِرَهِ! وَ ما یَصْنَعُ بَالمالِ مَنْ عَمّا قَلِیْلٍ یُسْلَبُهُ، وَ تَبْقی عَلَیْهِ تَبِعَتُهُ وَ حِسابُهُ(۲)

ای بندگان خدا! خدا را خدا را! مراقب عزیزترین و محبوب ترین اشخاص نسبت به خویش (یعنی خودتان) باشید چه این که خداوند مقصد حق را واضح، و راه های آن را برایتان روشن ساخته است، سرانجام کار، یا بدبختی دایمی است و یا سعادت همیشگی! پس در این روزگار فانی برای روزگار باقی زاد و توشه فراهم کنید. زاد و توشه شما معرفی شده و به کوچ کردن فرمانتان داده اند و با سرعت به حرکت درآمده اید، شما همچون کاروانی هستید که درجایی توقف کرده اید. و نمی دانید چه وقت دستور حرکت داده می شود. بدانید آن را که برای آخرت آفریده شده با دنیاپرستی چه کار؟ و آن را که به زودی ثروتش را از

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۵۷، ص ۲۲۱ و ۲۲۲.

او می گیرند با اموال دنیا چه می کند؟آن هم ثروتی که مؤاخذه و حسابش بر او است [و سودش برای دیگران].

زاهد به گونه ای به دنیا می نگرد که عیش دنیا را کوتاه و خیر آن را کم می بیند و می داند که دیر یا زود از این محل بیرون می رود.

زاهد می داند که دنیا محل حزن و اندوه و رنج است. به کسی وفا نکرده لذا حداکثر استفاده از آن را برای آخرت می نماید.

هم چنین از علی علیه السلام است که:

یا اَیُّهَا النّاسُ ازْهَدُوا فِی الدُّنْیا فَاِنَّ عَیْشَها قَصِیرٌ وَ خَیْرَها یَسِیْرٌ وَ اِنَّها لَدارُ شُخُوصٍ وَ مَحَلَّهُ تَنْغِیصٍ وَ اِنَّها لَتُدْنِی اْلاجالَ وَ تَقْطَعُ اْلامالَ، اَلا وَ هِیَ الْمُتَصَدِّیَهُ لِلْعُیُوْنِ وَ الْجامِحَهُ الْحَرُونُ وَ الْمائِنَهُ الْخَئوُنُ(۱).

ای مردم در دنیا زهد را پیشه خود سازید؛ زیرا که عیش دنیا کوتاه و خوبیش کم است. دنیا سرای بیرون رفتن و جایگاه ناخوشی و اندوه است. این دنیا است که اجل ها را نزدیک و آرزوها را می برد و برای چشم ها مانع است. این اسبی است سرکش، چموش، کشنده و خیانت کننده.

حضرت زهرا علیهاالسلام نخستین لحظه های زندگی با علی علیه السلام را با عبادت خدا آغاز کرد. در شب ازدواج امام علی علیه السلام، آن حضرت را نگران و گریان دید. فرمود: چرا ناراحتی؟ پاسخ داد:

«تَفَکَّرْتُ فِیحالِی وَ أَمْرِی عِنْدَ ذِهابِ عُمْرِی وَ نُزُولِی فِیقَبْرِی فَشَبَّهْتُ دُخُولِی فِیفِراشِی بِمَنْزِلِی کَدُخُولِی اِلی لَحَدی وَ قَبْری فَأُنْشِدُکَ اللّه -اِنْ قُمْتَ اِلَی الصَّلاهِ فَنَعْبُدُاللّه - تَعالی هذِهِ اللَّیْلَهَ(۲)؛

درباره حال و روز خویش می اندیشم؛ به یاد پایان عمر خود و منزلگاه دیگرم، یعنی قبر

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۸۶۹.

۲- نهج الحیاه فرهنگ سخنان فاطمه، محمد دشتی، ص ۳۵، حدیث ۱۲.

افتادم که: امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی از این جا به سوی قبر و قیامت خواهم رفت. در این آغازین لحظه های زندگی، تو را به خدا سوگند می دهم که بیا تا به نماز بایستیم تا با هم در این شب خدا را عبادت کنیم.»

بنابراین، زندگی واقعی و حقیقی در آخرت است؛ زیرا ۱_ بقا و جاودانگیِ هر چیزی در آخرت است؛ درحالی که در دنیا چنین نیست. امام علی علیه السلام فرمود:

لِكُلِّ شَی ءٍ مِنَ الْآخِرَه، خُلوُدٌ وَ بَقاءٌ(۱)

هر چیزی در آخرت جاودانگی و بقا دارد.

۲_ در آخرت لذّت خالص است؛ در حالی که در دنیا لذّت با اندوه و رنج آمیخته است.

۳_ آخرت خانه ماندن و جاودانگی است نه دنیا، چنان که خدای تعالی می فرماید:

وَ اِنَّ الْآخِرهَ هِیَ دارُ الْقَرارِ(۲)

سرای آخرت منزلگاه ابدی است.»

پس هر شخصی به موارد یاد شده واقف گردد، در دنیا زهد را پیشه خود ساخته و اهتمام خویش را بر آخرتش قرار می دهد.

گویا علی علیه السلام زهد در دنیا و شناخت آخرت را لازمه همدیگر می داند. آن گاه که می فرماید:

كَیْفَ یَزْهَدُ فِی الدُّنْیا مَنْ لایَعْرِفُ قَدْرَالْآخِرَه(۳)؛

چگونه کسی که قدر آخرت را نمی شناسد، در دنیا زهد می ورزد.

چنان چه شناخت انسان از خدا و آخرت به حد بالایی برسد، برایش یقین و اطمینان قلبی حاصل شده و حقیقتا به زهد در دنیا دست می یابد. علی علیه السلام فرمود:

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۵.
۲- غافر، آیه ۳۹.
۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۵۴.

الْیَقِیْنُ یُثْمِرُالزُّهْدَ(۱)

و یا در جای دیگر می فرماید

ثَمَرَهُ الْیَقِیْنِ الزَّهادَهُ(۲)

یعنی ثمره یقین، زهد در دنیا است.

هر اندازه انسان به سرای باقی ایمان داشته باشد، به همان اندازه در دنیا زاهد است و چنان که پیش تر گفتیم براساس فرمایش امام علی علیه السلام زهدورزی انسان در چیزی که فنا می پذیرد به مقدار یقینی است که به آخرت دارد.

در روایت دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام اصل زهد را یقین و ثمره آن را سعادت انسانی می داند.

اَصْلُ الزُّهْدِ الْیَقِیْنُ وَ ثَمَرَتُهُ السَّعادَهُ(۳)

اصل زهد، یقین و ثمره آن سعادت است.

عوامل عاطفی و اخلاقی

اشاره

عوامل عاطفی و اخلاقی

برخی عوامل عاطفی و اخلاقی موجب پیدایش زهد و بی رغبتی انسان به دنیا می گردد که عبارتند از:

۱_ یادآوری مرگ

۱_ یادآوری مرگ

یادآوری مرگ تأثیرگذاری های مثبت و سازنده ای در زندگی آدمی دارد که در روایت های امامان معصوم علیهم السلام، به آن ها اشاره گردیده است. از اثرهای یادآوری مرگ پوشیدن لباس زهد در دنیاست. یاد مرگ، دنیا را در چشم انسان کوچک می کند. امام صادق علیه السلام شش پی آمد یاد مرگ را بیان فرموده که یکی از آن ها کوچک

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۵۹.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۸۹.

شمردن دنیا است:

ذِکْرُ الْمَوْتِ یُمیتُ الشَّهَواتِ وَ یَقْلَعُ مَنابِتَ الْغَفْلَهِ وَ یُقَوِّی الْقَلْبَ بِمَواعِدِ اللّه وَ یُرَقِّ الطَّبْعَ وَ یُکْسِرُ أَعْلامَ الْهَوی وَ یُطْفِی فارَالْحِرْصِ وَ یُحَقِّرُ الدُّنْیا(۱).

یاد مرگ شهوت ها را از بین می برد، ریشه های فراموشی را یکسره برمی کند، دل انسان را با وعده های الهی محکم می کند، روحیه انسان را از سنگدلی به لطافت می کشاند، نشانه های هوس ها را می شکند و آتش حرص را خاموش و دنیا را در جلو چشمان انسان کوچک می کند.

امام باقر علیه السلام به یارانش می فرمود:

أَکْثِرُوا ذِکْرَ الْمَوْتِ فَاِنَّهُ ماأَکْثَرَ ذِکْرَ الْمَوْتِ اِنْسانٌ اِلّا زَهَدَ فِی الدُّنْیا(۲)

مرگ را زیاد به یاد آورید که انسان مرگ را زیاد یادآوری نمی کند، مگر این که در دنیا زهد را پیشه خود کند.

و امام صادق علیه السلام یاد مرگ را موجب زهد در دنیا می داند:

«اِنَّهُ لَمْ یَکْثُرْ عَبْدٌ ذِکْرَالْمَوْتِ اِلّا زَهَدَ فِی الدُّنْیا(۳)؛

یاد کردن زیاد مرگ، بنده را در دنیا زاهد می کند.»

علت این امر روشن است. چنان چه کسی مرگ را بسیار به یاد آورد، به کم ترین متاع دنیایی راضی و دلگرم شده و بخل و حرص در او راه نمی یابد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

وَ مَنْ اَکْثَرَ ذِکْرَ الْمَوْتِ رَضِیَ مِنَ الدُّنْیا بِالْکَفافِ(۴)؛

۱- معاد، محسن قرائتی، ص ۵۵، به نقل از بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۲- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۸. این حدیث با همین مضمون در بحارالانوار ج ۷۳، ص ۶۴؛ ج ۷۱، ص ۲۶۶؛ ج ۶، ص ۱۲۶؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۸ و وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۸، حدیث ۲۵۶۸ آمده است.

۳- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۷۲.

۴- جلال الدین محدث، پیشین، ج ۷ ص ۳۷۳ و معاد، محسن قرائتی، ص ۵۶.

هرکه بسیار یاد مرگ کند، با اندازه کفایت از دنیا راضی است.

اساسا دنیا فریبنده و گول زننده است و کسی که بتواند با یاد مرگ و قیامت دل خود را روانه سرای دیگر کند، حیله ها و زرق و برق های دنیا حریف او نمی شود. امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِالْمَوْتِ نَجی مِنْ خُداعِ الدُّنْیا(۱)؛

هر که فراوان یاد مرگ کند، از حیله های دنیا رهایی می یابد.»

۲_ عشق ورزی به خدا و یاد کردن او

۲_ عشق ورزی به خدا و یاد کردن او

اخلاص در کردار و عمل از عواملی است که باعث پیدایش و تقویت زهد در انسان می گردد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ما اَخْلَصَ الْعَبْدُ الْاِیْمانَ بِاللّه ِعَزَّوَجَلَّ اَرْبَعِینَ یَوْمَا _ اَوْ قالَ: ما اَجْمَلَ عَبْدٌ ذِكْرَاللّه ِعَزَّوَجَلَّ اَرْبَعِینَ یَوْمَا _ اِلاّ زَهَّدَهُ اللّه ُعَزَّوَجَلَّ فِی الدُّنْیا وَ بَصَّرَهُ داءَها وَ دَواءَها فَاَثْبَتَ الحِكْمَهَ فِی قَلْبِهِ وَ اَنْطَقَ بِها لِسانَهُ(۲)؛

هیچ بنده ای چهل روز ایمانش را به خدای عزوجل خالص نگرداند _ یا فرمود: هیچ بنده ای یاد خدا را تا چهل روز نیکو انجام ندهد _ جز آن که خدای عزوجل او را نسبت به دنیا زاهد سازد و درد و داروی دنیا را به او بنماید، پس حکمت را در دلش ثابت کند و زبانش را به آن گویا سازد.

در حدیث دیگری امام علی علیه السلام زهد را به اخلاص عمل تفسیر می کند:

الزُّهْدُ تَقْصِیرُ الْآمالِ وَ اِخْلاصُ الْاَعْمالِ(۳)؛

۱- جلال الدین محدث، پیشین، ج ۷ ص ۳۷۳؛ و معاد، ص ۵۶.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۷.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۷۶.

زهد کوتاهی آرزوها و اخلاص در عمل است.

۳_ رغبت به آخرت

توجه و آگاهی انسان از سرانجامی که در انتظار اوست و عواقب اعمال و رفتار و کردارش، موجب روی آوردن به زهد و تقوا است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

اِنْ کُنْتُمْ فِی الْبَقاءِ راغِبینَ فَازْهَدوُا فِی عالِمِ الْفَناءِ(۱)؛

اگر جویای زندگی جاوید هستید، به جهان فناپذیر بی اعتنا باشید.

هم چنین اشتیاق انسان به رهایی از شقاوت ها و بدبختی های دنیا و رستگاری در آخرت، موجب روی آوردن به زهد است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«اِنْ کُنْتُمْ زَهَدْتُمْ خَلَصْتُمْ مِنْ شِقاءِ الدُّنْیا وَ فُزْتُمْ بِدارِ الْبَقاءِ(۲)؛

اگر زهد را پیشه خود سازید، از چنگال بدبختی های دنیایی، رها گشته و در آخرت سرافراز و رستگار خواهید بود.»

۴_ تقوای الهی

یکی از عوامل پیدایش زهد در انسان تقوای الهی است. تقوا به معنای عام کلمه لازمه زندگی هر فردی است که می خواهد انسان باشد و با دستور عقل زندگی کند و از اصول ویژه ای پیروی نماید. قدرتی که انسان را از زشتی ها باز می دارد به سوی خوبی ها می کشاند. بهترین نیکی ها و خیرها، چنان چه در احادیث پیشین اشاره شد، زهد در دنیا و روی آوردن به آخرت است. پس کسی که به وسیله تقوا مصونیت حاصل کند، در دنیا زاهد می گردد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲- زهد اسلامی، ص ۳۴، به نقل از غررالحکم.

أوُصِیْکُمْ عِبادَاللّه ِبِتَقْوَی اللّه ِالَّذی لایَسْتَغْنِی عَنْهُ الْعِبْادُ، فَإِنَّ مَنْ رَغِبَ بِاالتَّقْوی زَهَدَ فِی الدُّنْیا...(۱)؛

ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی سفارش می کنم، چیزی که بندگان از آن بی نیاز نیستند. پس کسی که به تقوا روی آورد، از دنیا کناره گیری می کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در به یاد مرگ بودن، چهار اثر برمی شمارد:

اَکْثِروُا ذِکْرَ الْمَوْتِ فَاِنَّهُ یَمُحِّصُ الذُّنُوبَ وَ یُزَهِّدُ فِی الدُّنْیا فَاِنْ ذَکَرْتُمُوهُ عِنْدَالْغِنی هَدَمَهُ وَ اِنْ ذَکَرْتُمُوهُ عِنْدَالْفَقْرِ أَرْضاکُمْ بِعَیْشِکُمْ(۲)؛

مرگ را به یاد آورید؛ زیرا یاد مرگ گناهان را پاک می کند و حرص دنیا را کم می کند، اگر مرگ را به هنگام توانگری به یاد آرید، اهمیت آن را کم می کند و اگر به هنگام تنگ دستی یاد کنید، شما را از زندگی تان خشنود می سازد.

هر که مرگ را همواره در پیشِ چشمان خود ببیند و با آن آشنا باشد، علاوه بر نقش سازنده آن در زندگی، محبوب خدا نیز می گردد. رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«مَنْ أَکْثَرَ ذِکْرَالْمَوْتِ اَحَبَّهُ اللّه»(۳)؛

کسی که فراوان یاد مرگ نماید، خداوند او را دوست می دارد.»

۱- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۰.

۲- نهج الفصاحه، ص ۸۳، حدیث ۴۴۴.

۳- وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۹، حدیث ۲۵۶۹.

بخش چهارم: درجات زهد

اشاره

بخش چهارم: درجات زهد

چنان که از روایت های امامان معصوم علیهم السلام به دست می آید، می توان از جنبه های گوناگون برای زهد درجاتی قایل شد: از جهت متعلّق زهد؛ از جهت رغبت به زهد؛ از جهت انگیزه، زهد و از جهت روش زهدورزی.

درجات زهد از جهت متعلّق زهد

درجات زهد از جهت متعلّق زهد(۱)

آن چه بدان زهدورزی می شود، در یکی از مراتب حرام، شبهه ناک و حلال قرار دارد.

الف) زهد در حرام: پایین ترین مرتبه زهد پرهیز از حرام الهی است و برخورداری از این مرتبه بر هر مسلمانی واجب است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

وَلازُهْدَ کَالزُّهْدِ فِی الْحَرامِ(۲)؛

هیچ زهدی مانند پرهیز از حرام نیست.

هم چنین می فرماید:

«لازُهْدَ کَالْکَفِّ عَنِ الْحَرامِ(۳)؛

هیچ زهدی مانند کناره گیری از گناه نیست.»

و از امام صادق علیه السلام است که:

۱- احیاء علوم الـدین، برگرفته از ابوحامـد غزالی، ج ۵، ص ۱۲۸، جـامع السعادات، محمدمهـدی نراقی، تحقیـق و تعلیـق: محمدرضا مظفر، ج ۲، صص ۶۶ و ۶۷ و المحجه البیضاء، ج ۷، ص۳۶۳.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۱۳، ص ۴۸۸ و بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۶.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۸۳۴.

أَزْهَدُ النّاسِ مَنْ تَرَکَ الْحَرامَ(۱)؛

زاهدترین مردم کسی است که فعل حرام را ترک نماید.

بی شک آن که در حرام زهـد می ورزد، در رتبه پایین تر از کسـی است که در مباحات مثل خوردنی های لذیـد و لباس های خوب، زهد می ورزد(۲).

و سرّ این که در روایت ها، برترین زهـد، ترک حرام خوانده شده، بدین لحاظ است که این مرتبه از زهد، اساس مراتب دیگر است و تا این مرتبه به دست نیاید، رسیدن به مراتب دیگر امکان پذیر نیست.

ب) زهـد در شـبهات: شـبهات اموری اند که حلال و حرام بودن آن ها روشن نیست و دومین مرتبه زهد آن است که آدمی به این امور نیز بی رغبت باشد. امام علی علیه السلام فرمود:

وَ لا وَرَعَ کَالْوُقُوفِ عِنْدَالشُّبْهَهِ(۳)

هیچ پارسایی همانند خودداری از شبهات نیست.

هم چنین امام صادق علیه السلام می فرماید

أَوْرَعُ النّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَالشُّبْهَهِ(۴)

پارساترین مردم کسی است که در امور شبهه ناک بایستد.

ج) زهـد در حلال: مرتبه بالاتر زهـد بی رغبتی به مباحات و حلال های دنیایی است. زهـد در حلال اگرچه واجب نیست، ولی چنان چه از محدوده مسائل شرعی خارج نگشته و به حدی نرسد که به زندگی فردی و اجتماعی آسیبی برساند، به

۱- آثارالصادقین، ج ۸، ص ۶۰.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۲۷۷.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۱۳، ص ۴۸۸؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۶.

۴- آثار الصادقین، تابستان ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۶۰.

اندازه ای مهم شمرده شده که سبب ورود به بهشت می باشد. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در سفارش هایش به ابن مسعود می فرماید:

وَالْجَنَهُ لِمَنْ تَرَکَ الْحَلالَ(۱)؛

بهشت برای کسی است که حلال را ترک نماید.

زاهد به خاطر سبکی حساب در آخرت، از حلال دوری می کند. امام صادق علیه السلام زاهد را چنین توصیف می فرماید:

الَّذی یَتْرُکُ حَلالَها مَخافَهَ حِسابِهِ(۲)

زاهد کسی است که حلال را بخاطر ترس از حساب ترک می کند.

د) زهد در ماسوی اللّه : بالاترین مرتبه زهد ترک کردن هر چیزی است که انسان را به غیر خدا مشغول می کند.

امام صادق علیه السلام درباره زهد می فرماید:

... وَ هُوَ تَرْکُکَ کُلَّ شَیْی ءٍ یَشْتَغِلُکَ عَنِ اللّهِ، مِنْ غَیْرِ تَأَسُّفٍ عَلی فَوْتِها.(۳)

[حقیقت زهد] آن است که هر چیزی که تو را از خدا باز دارد، رها کنی؛ در حالی که برای از دست دادنش افسوس نخوری.

درجات زهد از جهت دلبستگی به زهد

درجات زهد از جهت دلبستگی به زهد(۴)

زهد از هنگامی که بدان توجه می شود تا هنگامی که جزو عادت ها درمی آید، دو مرحله می پیماید.

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۴۸.
۲- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۱.
۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵ و المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۶۳.
۴- کیمیای سعادت، برگرفته از محمد غزالی، ج ۲، ص ۴۴۱؛ معراج السعاده، صص ۲۸۲ _ ۲۸۳؛ المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۸۵.

الف) مرتبه زهد نمایی: نخستین درجه از زهد این است که آدمی به رغم بی میلی اش، زهد ورزد؛ تا کم کم صفت زهد جزو عادت های پایدار او درآید. امام علی علیه السلام می فرماید:

اَوَّلُ الزُّهْدِ التَّزَهُّدُ(۱)

اولین مرتبه زهد، خود را به زهد واداشتن است.

آن حضرت در جایی دیگر می فرماید:

التَّزَهُّدُ یُؤَدِّی اِلَی الزُّهْدِ(۲)؛

خود را به زهد واداشتن انسان را به زهد رهبری می نماید.

ب) مرتبه زهد واقعی: با ادامه دادن زهدورزی، عادت به زهد پدید می آید؛ به گونه ای که زهدورزی یکی از لذت های آدمی خواهد بود؛ چنان که به دست آمدن هر عادتی در آدمی چنین است.

امام علی علیه السلام در مورد متقین می فرماید:

أَصابُوا لَذَّهَ زُهْدِ الدُّنْیا فِی دُنْیاهُمْ(۳)؛

لذّت بی علاقگی به دنیا را در دنیای خویش بردند.

درجات زهد از جهت انگیزه

درجات زهد از جهت انگیزه(۴)

بسته به این که انگیزه زهدورزی چه باشد، زهد مراتبی به شرح ذیر دارد:

الف) زهد برای دنیا: پست ترین زهد آن است که با هدف دست یابی به دنیا

۱- غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲- غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۷.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۲۷، ص ۳۸۳.

۴- کیمیای سعادت، محمد غزالی، ج ۲، ص ۴۴۲؛ المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۵۹ و ۳۶۰.

باشد؛ یعنی آدمی در ظاهر به دنیا رو نیاورد تا به گونه ای دیگر دنیا را به چنگ آورد. چنین زهدی ناپسند است.

امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام به مأمون می فرماید:

«مازَهَدْتُ فِی الدُّنْیا لِلدُّنْیا(۱)؛

به خاطر دنیا، در دنیا زهد نورزیده ام.»

بسیاری از افراد برای جلب نظر دیگران در اجتماع از مصرف های زیاد خودداری کرده و خود را زاهد قلمداد می کنند. در حالی که زندگی پنهانی آن ها سراسر اسراف و زیاده روی است و در پی فرصتی هستند که با این زمینه سازی به مقام و موقعیتی دست یابند.

امام علی علیه السلام مردم را به چهار دسته تقسیم می کند که گروهی از آنان زیر نقاب آخرت، در پی دنیا هستند:

وَ مِنْهُمْ مَنْ یَطْلُبُ الدُّنْیا بِعَمَلِ اْلاخِرَهِ وَ لایَطْلُبُ الْآخِرَهِ بِعَمَلِ الدُّنْیا، قَدْ طامَنَ مِنْ شَخْصِهِ، وَ قارَبَ مِنْ خَطْوِهِ، وِ شَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ، وِ زَخْرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلَامانَهِ، وَاتَّخَذَ سِتْرَاللّه ِ ذَریعَهً اِلَی الْمَعْصِیَهِ(۲)؛

کسی که دنیا را با عمل آخرت می طلبد [تظاهر به عبادت و بندگی] و با عمل دنیا [زهد و تقوا و عبادت حقیقی]خواهان آخرت نیست، خود را با وقار و سنگین نشان می دهد [مانند پرهیزکاران فروتنی از خود نشان داده]و گام هایش را نزدیک به هم گذارده [مانند مردم بی اذیت و آزار در راه رفتن آهسته گام برمی دارد]و]برای عبادت [دامن جامه اش را جمع کرده، به سرعت تمام راه می رود، و خود را برای امین قرار دادن و مورد اعتماد گشتن]نزد مردم به زهد و تقوی [آراسته نموده، و پرده خداوند]راه دین و شریعت] را وسیله گناه قرار

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۸، حدیث ۲۲۳۴۶.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالحی، خطبه ۳۲، ص ۷۵.

داده [خود را به لباس دین درآورده، با حیله و تزویر برای صید خواسته دنیایی و جلب مال و دارایی در راه مردم دام افکنده است].

گروهی دیگر را مردمانی می داند که خود را به زهد گرایی زده اند و به ظاهر، لباس اهل قناعت و زهد به تن کرده اند و حال آن که در واقع چنین نیستند:

وَ مِنْهُمْ مَنْ اَبْعَدَهُ عَنْ طَلَبِ الْمُلْكِ ضُـئُولَهُ نَفْسِهِ، وَانْقِطاعُ سَبَبِهِ، فَقَصَرَتْهُ الْحالُ عَلی حالِهِ، فَتَحَلّی بِاسْمِ الْقَناعَهِ، وَ تَزَيَّنَ بِلِباسِ اَهْلِ الزَّهادَهِ، وَ لَيْسَ مِنْ ذلِكَ فِی مَراحٍ وَ لامَغْدیً(۱)؛

از میان آن ها کسی است که به دلیل پست بودن و نداشتن وسیله ای برای رسیدن به ریاست، از خواستن آن مقام خانه نشین گردیده است و چون به آرزوهای خود دست رسی ندارد، به همان حالی که هست، خود را قانع نشان داده، با لباس اهل زهد و تقوا زینت می دهد، و حال آن که نه در اندرون که شب آرام می گیرد و نه در بیرون که روز به سر می برد [هیچ گاه] اهل قناعت و زهد نیست.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسی را که درباره دنیا، مثل زاهدان سخن می گوید، ولی در کردار مثل دنیاپرستان عمل می کند، نهی نموده و ویژگی های زاهد ریا کار را چنین توصیف می فرماید:

از کسانی مباش که بدون عمل، امید سعادت آخرت را دارند، و توبه را با آرزوهای دراز تأخیر می اندازند. درباره دنیا همچون زاهدان سخن می گویند، ولی همچون دنیاپرستان عمل می کنند. هرگاه چیزی از دنیا به او برسد سیر نمی شود، و اگر نرسد قانع نخواهد شد، از شکر آن چه به او داده شده، عاجز است، ولی باز هم فزونی می طلبد(۲).

۱- نهج البلاغه، صبحی صالحی، خطبه ۳۲، ص ۷۵.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت، ۱۵۰، ص ۴۹۷.

ب) زهـد برای ترس از جهنم: در این مرتبه آن چه خواسته انسـان است، نجـات از خشم خداونـد و آتش جهنم و عـذاب های دیگرماننـد عذاب قبر و سئوال و جواب هنگام حساب، و خطر صـراط و... است. گویا به عدم و نیستی خشـنود است، خواهان رهایی از درد و رنج است؛ اگرچه در لحظه عدم و نیستی برایش حاصل گردد.

ج) زهـد ورزی برای بهشت: در این مرتبه علاـوه بر این که درد و رنـج را نمی خواهـد، به نعمت هـای همیشـگی آخرتی طمع دارد. در واقع در ایـن درجه، هـدف زاهـد رسـیدن به لـذت هـای آخرتی است. این زهـد به سـبب امیـد و محبت به رحمت و رضوان الهی به دست می آید.

در این دو مرتبه یعنی زهـد برای رهایی از عذاب و طمع به نعمت های بهشتی، هنوز اثرهایی از وابسـتگی به نفس باقی است و شایبه خودخواهی به کلی از میان نرفته است. پس زهدِ خالص و کامل نیست.

د) زهـد برای حب الهی: هرگاه انسان وابسـتگی های غیرخـدایی را ترک کند، دل او تنها به سوی درگاه الهی رفته و در نتیجه محبت الهی در کانون دلش شـعله ور می شود و زهد از روی محبّت صورت می گیرد. زاهد در این مرحله که بالاترین مراحل زهـد است، هیـچ خواسـته ای به جز خـدای تعالی و لقایش ندارد؛ زیرا قلب او متوجه درد و عذاب نیست که خواهان رهایی از آن باشـد و هم چنین متوجه لـذت های آخرتی نیز نمی باشـد که خواهان رسـیدن به آن باشـد، بلکه همتش فقط و فقط خدای تعالی است. زنـدگی می کند در حالی که تنها همّتش یکتاپرست واقعی بودن است. غیر خدا را نمی خواهد؛ زیرا اگر غیر خدا را بخواهد، به شرک خفی دچار شده است.

اینان عارفانی هستند که خدای متعال و لذّت نظر کردن به او و لذّت بهره مندی از

بهشت را می شناسند و به آن عشق می ورزند و به سویش نزدیکی می جویند.

درجه های زهد از جهت روش زهدورزی

درجه های زهد از جهت روش زهدورزی

زهدورزی از نظر آشکارا و پنهانی بودن قابل درجه بندی است. اگرچه اظهار زهد به خاطر مردم و ریا نباشد، ناپسند نیست، ولی پنهان کردن آن برتر از آشکار نمودن آن است. امام علی علیه السلام می فرماید:

أَفْضَلُ الزُّهْدِ اِخْفاءُ الزُّهْدِ(۱)؛

بهترین زهد، پنهان کردن زهد است.

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۲۸، ص ۴۷۲؛ غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۸۴ و بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۷.

بخش پنجم:آثار زهد در روایات معصومین علیهم السلام

اشاره

بخش پنجم:آثار زهد در روایات معصومین علیهم السلام

پیش تر در معنای زهد گفته شد که امیرمؤمنان علی علیه السلام زهد را بین دو آموزه قرآنی دانستند: «لِکَیْلا تَأسَوْا عَلی ما فاتَکُمْ، وَ لاتَفْرَحُوا بِما آتاکُمْ(۱).» مرحوم طبرسی می فرماید: این آیه شریفه به چهار چیز [از آثار زهد] اشاره دارد: اول، خوش رفتاری است؛ زیرا کسی که هستی و نیستی دنیا نزد او یکسان است، حسد نمی ورزد، دشمنی نمی کند و بخل نمی ورزد؛ چون این ها از نشانه های بدرفتاری و از نتایج دوستی دنیا است. دوم، کوچک شمردن دنیا و اهل آن است، به شرط آن که به وجود چیزی خوشحال نگردد و به از میان رفتن آن غمگین نشود. سوم، بزرگ شمردن آخرت است به خاطر ثواب دایمی و پیراسته از آلودگی که به او می رسد و چهارم، افتخار و مباهات به خدای تعالی است نه به سبب های دنیایی.(۲)

دلبسته نبودن به دنیا آثار گوناگون دیگری دارد که در روایات معصومان علیهم السلام بدان ها اشاره شده است. این آثار عبارتند از:

۱_ دل نبستن به غیر خدا

۱_ دل نبستن به غیر خدا

در روایت هایی آمده است که زهد، ترک کردن هر چیزی است که انسان را از یاد خدای تعالی باز دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- حدید، آیه ۲۳. «تا هرگز برآنچه از دست تان رود، دل تنگ نگردید و به آنچه به شما می رسد دلشاد نشوید».

۲- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ج ۹، ص ۳۶۲.

الزُّهْدُ مِفْتاحُ بابِ الْآخِرَهِ وَ الْبَرَاءَهُ مِنَ النّارِ وَ هُوَ تَرْکُکَ کُلَّ شَيٍ ء یَشْتَغِلُکَ عَنِ اللّه (۱)؛

زهد کلید در آخرت و آزادی از آتش است. هم چنین آن ترک کردن هر چیزی است که تو را از خدای تعالی باز می دارد.

۲_ آرامش قلب

۲_ آرامش قلب

با توجه به تعریف زهد، زاهد کسی است که از بهره های دنیایی، خوشحال نشده و از آن چه که در دنیا از دست او می رود، غمگین نگردد. چنان چه امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

اِنَّ النّاسَ ثَلاثَهٌ: زاهِدٌ وَ صابِرٌ وَ راغِبٌ. فَاَمَّا الزّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتْ الَاحْزانُ وَ الَافْراحُ مِنْ قَلْبِهِ، فَلایَفْرَحُ بِشَی ءٍ مِنَ الدُّنْیا وَ لایَأسی عَلی شَی ءٍ مِنْها فاتَهُ فَهُوَ مُسْتَرِیْحٌ(۲)؛

مردم سه دسته اند: زاهد و صابر و راغب. زاهد همه غم ها و شادی های دنیا را از دل بیرون کرده، نه به چیزی که از دنیا به او برسد شاد می شود، و نه از چیزی که از دست او بیرون رود، دل غمین می گردد. پس او همیشه در راحتی است.

هم چنین آن حضرت علیه السلام می فرماید:

«الرَّاحَهُ فِی الزُّهْدِ(۳)؛

آسایش در زهد است.»

«الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا الرَّاحَهُ الْعُظْمی(۴)؛

زهد در دنیا [وسیله]آسایش و راحتی بزرگی است.»

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵؛ المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۶۳.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۵،ص ۲۴۸.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۵.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۷.

امام صادق علیه السلام در مورد دارنده صفت زهد می فرماید:

... مِنْ غَیرِ تَأسُفٍ عَلی فَوْتِها وَ لا اِعْجابَ فِیتَرْکِها وَ لاانْتِظارَ فَرَجٍ مِنْها وَ طَلَبَ مَحْمِدَهٍ عَلَیْها وَ لاعَوَضَ لَها بَلْ تَری فَوْتَها راحَهً وَ کَوْنُها آفَهً، وَ تَکُونُ اَبَدا هارِبا مِن الْآفَهِ، مُعْتَصِما بِاالرَّاحَهِ(۱)؛

برای از دست رفتن دنیا افسوس و در ترک کردن آن شگفتی نیست و انتظار گشایشی از آن و انتظار ستایشی بر آن وجود ندارد و جایگزینی برای آن نیست؛ بلکه از میان رفتن آن را راحتی و وجودش را رنج و آفت می بینی و همیشه تو از رنج فرار کرده، به راحتی و آسایش چنگ می زنی.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نیز درباره آرامش روح و جسم زاهد می فرماید:

الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا یُرِیْحُ الْقَلْبَ وَ الْبَدَنَ(۲)؛

بی رغبتی به دنیا، قلب و بدن را آسوده می دارد.

هم چنین امام هادی علیه السلام می فرماید: خداوند به بعضی انبیا چنین وحی فرمود:

أمَّا زُهْدُکَ فِی الدُّنْیا فَتَعْجَلُکَ الرَّاحَهُ وَ ...(۳)؛

چون در دنیا پارسایی بورزی، آسایش به سوی تو می شتابد.

به سبب آرامشی که از زهد در انسان پدیدار می گردد، تحمل سختی ها برایش آسان می شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است که فرمود:

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵؛ المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۶۳.

۲- ترک الاطناب فی شرح الشهاب یا مختصر فصل الخطاب، ابوالحسن علی بن احمد معروف به ابوعبداللّه محمد قضاعی مغربی، [از علمای قرن پنجم و محدث شافعی مذهب]، حدیث ۲۱۸؛ نک: بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۰ و ج ۷۳، ص ۹۱ و تحف العقول، ص ۴۱۵.

۳- تحف العقول، ص ۵۳۵.

يَاابْنَ مَسْعُودٍ مَنِ اشْتاقَ اِلَى الْجَنَّهِ سارَعَ اِلَى الْخَيْراتِ وَ مَنْ خافَ النّارَ تَرَكَ الشَّهَواتِ وَ مَنْ تَرَقَّبَ الْمَوْتَ أَعْرَضَ عَنِ اللَّذّاتِ وَ مَنْ زَهَدَ فِى الدُّنْيا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيْباتِ(۱)؛

ای ابن مسعود کسی که به بهشت دل بندد، به انجام کارهای نیک می شتابد و کسی که از آتش بترسد، خواهش ها را رها می کند، و کسی که منتظر مرگ است از لذّت های [دنیا]روی می گرداند، و کسی که به دنیا بی میل است، سختی ها بر او آسان می گردد.

مرحوم علامه مجلسی قدس سره دراین باره می فرماید: ثمره زهد آسان شدن سختی ها است؛ زیرا بیش تر سختی ها به واسطه محبت به امور دنیایی به انسان می رسد. بدین روی چنان چه از دنیا دل برکند و بدان بی رغبت گردد، مصیبت های دنیایی برایش آسان می گردد(۲).

۳_ پرهیز از حرام های الهی

۳_ پرهیز از حرام های الهی

از آثار مهم زهد دوری از حرام الهی است؛ زیرا وقتی آدمی به حلال الهی بی رغبت گردید، به طریقه اولی به حرام های الهی نیز بی میل خواهد بود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

قِيْلَ لِأَمِيْرِالْمُؤمِنِيْنَ علیه السلام : مَاالزُّهْدُ فِى الدُّنْيا؟ قالَ: تَنَكُّبُ حَرامَها(۳)؛

از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدند: بی رغبتی به دنیا چیست؟ فرمود: از حرامش چشم پوشیدن.

نیز آن حضرت می فرماید:

لازُهْدَ كَالْكَفِّ عَنِ الْحَرامِ(۴)

۱- مکارم الاخلاق، ابوعلی طبرسی، ج ۲، ص ۴۱۷ و بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۹۴ و بحارالانوار، ج ۶۸، صص ۳۵۰ _ ۳۵۱ و اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۹.

۲- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۳.

۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۰۴، حدیث ۲۰۸۳۷.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۸۳۴.

هیچ پارسایی مانند خودداری از حرام نیست.

و از امام صادق علیه السلام درباره زاهدترین مردم است که:

اَزْهَدُ النّاسِ مَنْ تَرَکَ الْحَرامَ(۱)

بی رغبت ترین مردم به دنیا کسی است که از حرام دوری کند.

۴_ کوتاه شدن آرزوها

۴_ کوتاه شدن آرزوها

آرزو یعنی خواهش ماندن در دنیا، چنان که آورده اند وقتی اسامه کنیزکی را به صد دینار برای یک ماه دیگر خرید و خبر آن به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رسید، حضرت او را «طویل الامل» خواند.(۲) زیرا می خواهد که تا یک ماه دیگر زنده باشد و آن گاه وامش را بپردازد؛ زهد دقیقا در برابر چنین میلی است. انسان زاهد میلی به دنیا ندارد. از این رو، آرزو که میل به ماندن در دنیاست، در او نیست و یا کم است.

بنابراین امام علی علیه السلام می فرماید:

اَیُّهَا النّاسُ، الزَّهادَهُ قِصَرُالْاَمَلِ وَ الشُّکْرُ عِنْدَ النِّعَمِ، وَ التَّوَرُّعُ عِنْدَالْمَحارِمِ، فَاِنْ عَزَبَ ذلِکَ عَنْکُمْ فَلا یَغْلِبِ الْحَرامُ صَبْرَکُمْ، وَلاتَنْسَوْا عَنْدَالنِّعَمِ شُکْرَکُمْ، فَقَدْ أَعْذَرَاللّهُ اِلَیْکُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَهٍ ظاهِرَهٍ، وَ کُتُبٍ بارِزَهِ الْعُذْرِ واضِحَهٍ(۳)؛

ای مردم، زهد کوتاهی آرزو، سپاس گزاری به هنگام برخورداری و پرهیز از حرام است. اگر این [سه]را از دست دادید، حرام بر صبر شما پیروز نگردد و هنگام برخورداری، سپاس گزاری را فراموش نکنید، زیرا خدا با [فرستادن] راهنمایانش و کتاب های روشن با دلیل های آشکار، برای شما جایی برای بهانه ننهاده است.

۱- الخصال، شیخ صدوق، تصحیح: سید احمد قهری زنجانی، ج ۱، ص ۱۹.

۲- مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۰۴.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۸۱، ص ۱۰۶؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۰، ج ۷۷، صص ۱۶۵ و ۱۶۳، ج ۷۸، ص ۱۶۵؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۴، حدیث ۲۰۸۳۸ و غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۰.

۵_ شکرگذاری نعمت های الهی

۵_ شکرگذاری نعمت های الهی

گفتیم که امام علی علیه السلام شکر نعمت های الهی را از آثار زهد برشمردند. شکر اعتراف به این است که نعمت ها از آن خداست و او به آدمیان بخشیده است. این دقیقا نتیجه زهد است. سرّ دلبسته نبودن زاهد به دنیا این است که آن را از آن خود نمی داند و باور دارد که دیر یا زود، آن چه در دست اوست، از او گرفته می شود. بدیهی است که چنین باوری در آدمی او را به اعتراف به این امر و قدردانی از آن که آن را به او ارزانی کرده است، وامی دارد(۱).

بی تردید سپاس گزاری، صرف اعتراف و قدردانی شفاهی نیست؛ بلکه به جان خریدن دستورها و ترک نهی های الهی را نیز لازم دارد. به همین جهت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«شُکْرُ کُلِّ نِعْمَهٍ الْوَرَعُ عَمّا حَرَّمَ اللّهُ(۲)؛

شکر تمام نعمت های الهی دوری از حرام الهی است.»

نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

شُکْرُ النِّعْمَهِ اِجْتِنابُ الْمَحارِمِ(۳)؛

شکر نعمت، دوری از حرام های الهی است.

به دلیل این که اگر دارنده نعمت در زبان سپاس گزاری کند، ولی در عمل به دستورها و نهی های او ترتیب اثر ندهد، در واقع از او سپاس گزاری نکرده، بلکه او را به مسخره گرفته است.

۶_ نزدیکی به خدا

۶_ نزدیکی به خدا

۱- نهج البلاغه، محمد عبده، ص ۱۸۳.
۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۴۶.
۳- میزان الحکمه.

از راه های نزدیکی به خدا و محبوب شدن نزد او زهد و بی میلی به دنیا است. از امام صادق علیه السلام است که خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود: «بنده با سه ویژگی نیکو به من نزدیک می شود. موسی علیه السلام عرض کرد: آن ها چیست؟ فرمود:

الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا وَ الْوَرَعُ مِنْ مَحارِمِی وَ الْبُکاءُ مِنْ خَشْیَتِی(۱)؛

پارسایی در دنیا، پروای از حرامهایم و گریه از ترسم.

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

اِنْ اَرَدْتَ أَنْ یُحِبَّکَ اللّه ُفَازْهَدْ فِی الدُّنْیا(۲)؛

اگر می خواهی خداوند تو را دوست بدارد، به دنیا بی رغبت باش.

علت این که زهد نزد خدای تعالی نزدیکی و محبوبیّت ایجاد می کند، این است که دل آدمی به هر حال خالی از تولّی و تبرّی و دوستی و دشمنی نمی ماند. بی تردید وقتی از دوستی دنیا و رغبت به دنیا تهی شد، جای آن را دوستی الهی فرا خواهد گرفت. البته هیچ دوستی ای یک سویه نیست، در نتیجه خداوند نیز چنین انسانی را دوست خواهد داشت.

۷_ تقویت دین داری

۷_ تقویت دین داری

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود:

اِنَّ مِنْ أَعْوَنِ اْلاَخْلاقِ عَلَی الدِّینِ الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا(۳)؛

زهد به دنیا بهترین خُلقی است که انسان را در راه دین یاری می کند.

علامه محمدباقر مجلسی قدس سره در توضیح حدیث بالا می گوید: این مطلب به این دلیل است که مشغول شدن به دنیا و صرف فکر در به دست آوردن

۱- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

۲- المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۵۱.

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۱۹۴؛ بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۵۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۱ حدیث ۲۰۸۳۰.

و گردآوری آن و کنـار زدن موانعش، مـانع بزرگی برای خـالی شـدن قلب برای امور دینی و تفکر در آن است؛ بلکه دوسـتی دنیـا با دوستی خـدای تعالی، اطاعتش و خواسـتن آخرت، جمع نمی گردد. هم چنان که روایت شـده دنیا و آخرت مثل دو زن [برای یک مرد]است، تمایل به یکی از آن دو، به دیگری ضرر می رساند(۱).

۸_ وسیله آراستگی

۸_ وسیله آراستگی

در روایت های بسیاری زهد، به عنوان زینت و آراستگی معرفی شده است. زینت آن است که چیزی را زیبا می سازد.

امام باقر علیه السـلام می فرماید: هنگامی که حضـرت موسـی علیه السلام برای مناجات با خدای تعالی به کوه طور رفته بود، از سوی خداوند خطاب رسید:

«اَبْلِغْ قَوْمَکَ أَنَّهُ ... وَ ما تَزَیَّنَ لِی الْمُتَزَیِّنُونَ بِمِثْلِ الزُهْدِ فِی الدُّنْیا عَمّا بِهِمُ الْغِنی عَنْهُ(۲)؛

به مردم خبرده ... که خواهنـدگان آراسـتگی با هیـچ چیز ماننـد بی میلی به دنیا _ در مواردی که از آن ها بی نیازند _ خود را برای من نمی آرایند.»

روشـن است که مراد از زینت در این جـا آراسـتگی بـاطنی است نه ظـاهری. زهـد آدمی را دوست داشـتنی می کنـد. به همین جهت امام علی علیه السلام می فرماید:

عَلَیْکَ بِالزُّهْدِ فَإِنَّهُ زَیْنُ الدِّیْنِ(۳)؛

زهد را پیشه خود ساز که آن زینت دین است.

از این روایت برمی آید که از تأثیرگذارترین راه های گسترش دین آن است که دین داران زهد بورزند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۵۰.
۲- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۴۹.
۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۵۰.

۹_ حکمت

۹_ حکمت

دوستی دنیـا ریشه تمـام فسادهـا است؛ از این رو، وقتی قلب انسـان از محبت دنیـا خـالی و به آن بی رغبت شـد، آماده دریافت تمامی حقایق معنوی می گردد که مهم ترین آن حقایق حکمت است.

دو معنـا برای حکمت آورده انـد: نخست این که گفته انـد شـناختی است که آدمی را از انجـام دادن کـار زشت بـاز می دارد. حکمت از «حکمه اللجـام» گرفته شـده است و آن دهـانه بنـدی است که حیوان را از فرار باز می دارد. دوم، فهم معانی است و حکمت گفته اند؛ چون مانعی از جهل است(۱).

وَمَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْرا کَثِیرا(۲)؛

و به هر کس حکمت داده شود، به یقین خیر فراوان داده شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... وَمَنْ زَهِـدَ فِی الـدُّنْیا أَثْبَتَ اللّهُ الْحِکْمَهَ فِی قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِها لِسانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُیُوبَ الـدُّنْیا داءَها وَ دَواءَها وَ أَخْرَجَهُ مِنْها سالِما اِلی دارِالسَّلامِ(۳)؛

هر که به دنیا زاهـد و بی رغبتی باشـد، خـدا حکمت را در قلبش ثابت نموده و زبانش را به آن گویا سازد و او را به عیب های دنیا و درد و دوایش بینا گرداند و او را از دنیا سالم بَرد و به بهشت درآورد.»

نیز از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است که:

۱- مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۳۳، ذیل حکم.

۲- بقره، ۲۶۹.

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۱۹۳ و بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۳ و ج ۶۹، ص ۴۰۶؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۰، حدیث ۲۰۸۲۷.

إِذا رَأَیْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِیَ الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا فَاقْتَرِبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ یُلَقِّی الْحِکْمَهَ(۱)؛

هرگاه کسی را دیدید که به او بی میلی به دنیای ارزانی شده، به او نزدیک شوید؛ زیرا به او حکمت القا می گردد.

سرّ این که دل نبستن به دنیا سبب پیدایش حکمت در دل آدمی می شود، این است که هر که به دنیا دل می بندد، عاشق آن شده و عاشق هیچ گاه عیب معشوق خود را نمی بیند، پس بی رغبتی به دنیا، یعنی دشمنی با آن، که اثر این دشمنی آگاهی از زشتی های آن است.(۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

اِزْهَدْ فِی الدُّنْیا یُبَصِّرُکَ اللّه ُعَوْراتِها، وَلاتَغْفُلْ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ عَنْکَ!(۳)؛

به دنیا دل نبند تا خدا تو را به زشتی های آن بینا سازد و بی خبر مباش که از تو غافل نیستند.

نیز آن حضرت در وصف دنیا فرمود:

وَمَنْ أَبْصَرَ بِها بَصَّرَتْهُ، وَ مَنْ أَبْصَرَ اِلَیْها أَعْمَتْهُ(۴)؛

و کسی که [با قصد عبرت]به دنیا نگریست، دنیا او را بینا گرداند و کسی که [با قصد لذّت]بدان نگاه کرد، دنیا او را کور گرداند.

چنین بصیرتی نیاز به آموختن از آموزگار ندارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

مَنْ أَرادَ أَنْ یُؤتِیَهُ اللّهُ عِلْما بِغَیْرِ تَعَلُّمٍ وَ هُدیً بِغَیْرِ هِدایَهٍ فَلْیَزْهَدْ فِی الدُّنْیا(۵)؛

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۱؛ المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۵۱ و المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، الجزء الثانی، ص ۳۴۹.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۳۳۹.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۳۹۱، ص ۵۴۵.

۴- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۸۲، ص ۱۰۶.

۵- المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۵۶؛ بحارالانوار، ج ۷۸، صص ۶۳ _ ۶۴، که از حضرت علی علیه السلام چنین روایت کرده: «من زهد فی الدنیا و لم یجزع من ذلها و لم ینافس فی عزها هداه اللّه بغیر هدایه من مخلوق و علمه بغیر تعلیم و اثبت الحکمه فی صدره و أجراها علی لسانه.» و معراج السعاده، ص ۲۷۶.

کسی که می خواهد خداوند به او بدون آموختن، علم و بدون راهنما، هدایت عطا فرماید، باید به دنیا بی رغبت باشد.

نیز امام علی علیه السلام می فرماید:

کَسْبُ الْعِلْمِ الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا(۱)؛

به دست آوردن علم [به وسیله]بی رغبتی به دنیا است.

۱۰_ محبوب شدن میان مردم

۱۰_ محبوب شدن میان مردم

طمع نداشتن به دارایی مردم سبب محبوب شدن در میان آنان می گردد. شخصی به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد، به من چیزی بیاموز تا با انجام دادن آن از طرف آسمان خدای عزوجل، و ازطرف زمین، مردم مرا دوست داشته باشند. آن حضرت فرمود:

اِرْغَبْ فِیما عِنْدَاللّهِ عَزَّوَجَلَّ یُحِبُّکَ اللّهُ وَ ازْهَدْ فِیما عِنْدَالنّاسِ یُحِبُّکَ النّاسُ(۲)؛

به آن چه در نزد خداست، دل ببند تا خدا تو را دوست بدارد و از آن چه در نزد مردم است، دل برکن تا مردم تو را دوست بدارند.

۱۱_ رهایی از بدبختی

۱۱_ رهایی از بدبختی

یکی از ویژگی های مهم دنیا که در روایت های امامان معصوم علیهم السلام نیز بدان اشاره شده، بدبختی و بدفرجامی است. هرکس دوست دار دنیا شود، دچار فتنه ها و

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۷۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۲؛ ترک الاطناب فی شرح الشهاب، ص ۳۶۲، حدیث ۴۴۲ و المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۵۶؛ نهج الفصاحه، ۵۲، حدیث ۲۶۸. در کتب یاد شده روایت چنین است: «ازهد فی الدنیا یحبک اللّه و ازهد فیما فی ایدی الناس یحبک الناس.»؛ المعجم لالفاظ الحدیث النبوی، الجزالثانی، ص ۳۴۸.

آفات آن می گردد، بنابراین، چنان چه انسان به آن بی رغبت گردد، از بدبختی ها و بدفرجامی های آن رهایی می یابد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

زُهْدُکَ فِی الدُّنْیا یُنْجیکَ وَ رَغْبَتُکَ فِیْها تُرْدیکَ(۱)

زهد ورزیدن در دنیا تو را نجات می دهد و دل باختن به دنیا تو را به سر در می افکند.

هم چنین فرمود:

اِنَّکُمْ اِنْ کُنْتُمْ زَهَدْتُمْ خَلَصْتُمْ مِنْ شِقاءِ الدُّنْیا وَ فُزْتُمْ بِدارِ الْبَقاءِ.(۲)

اگر زهد را پیشه خود سازید، از چنگال بدبختی های دنیایی، رها گشته، و در آخرت سرفراز خواهید بود.

امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام بی رغبتی به دنیا را وسیله نجات از شر و فساد آن می داند. آن حضرت در پاسخ به مأمون که فضل، علم، زهد، ورع و عبادت او را دلیل برحق بودن ایشان برای خلافت برمی شمرد، فرمود:

بِالْعُبُودِیَّهِ لِلّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْتَخِرُ وَ بِالزُّهْدِ فِی الدُّنْیا أَرْجُو النَّجاهَ مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَ بِالْوَرَعِ عَنْ الْمَحارِمِ أَرْجُو الْفَوْزَ بِالْمَغانِمِ وَ بِالتَّواضُعِ فِی الدُّنْیا أَرْجُو الرِّفْعَهَ عِنْدَاللّهِ عَزَّوَجَلَّ ...(۳)؛

به بندگی خدای عزوجل افتخار می کنم و با دل نبستن به دنیا از شر دنیا امید نجات دارم و با پروای از حرام الهی، رسیدن به نعمت های [آخرتی] را امیدوارم و با فروتنی در دنیا به بلند مرتبگی نزد خداوند امیدوارم.

امام علی علیه السلام می فرماید:

۱- غررالحکم و دررالکلم،ج ۱، ص ۴۲۶.

۲- غررالحکم و دررالکلم،ج ۱، ص ۲۹۲.

۳- وسایل الشیعه، ج۱۲، ص ۱۴۷، حدیث ۲۲۳۴۶.

أَلا وَ اِنَّ الدُّنْيا لايُسْلَمْ مِنْها اِلّابِالزُّهْدِ فِيْها وَ لايُنْجى مِنْها بِشَى ءٍ كانَ لَها(۱)؛

آگاه باشید که جز با پارسایی از [گزند] دنیا نتوان در امان ماند و با هیچ چیزی که برای آن باشد [از آتش]نتوان نجات یافت.

۱۲_ سخاوت

۱۲_ سخاوت

بخل نتیجه دل بستگی به دنیا است. بنابراین، کسی که به دنیا دل نبندد، سخاوت و بخشندگی را پیشه خود می سازد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

رَأسُ السِّخاءِ الزُّهْدُ فِى الدُّنْيا(۲)

اساس سخاوت مندی، بی رغبتی به دنیا است.

۱۳_ زندگی ساده

۱۳_ زندگی ساده

از آثار دیگر زهد، روی آوردن به زندگی ساده و بدون تجمّل است.

امام علی علیه السلام در مورد فضیلت زاهدان می فرماید:

طُوبى لِلزّاهِدينَ فِى الدُّنْيا الرّاغِبِينَ فِى الْآخِرَهِ، اُولئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُواالْارْضَ بِساطا وَ تُرابَها فِراشا وَ ماءَها طيبا وَ الْقُرْآنَ شِعارا وَ الدُّعاءَ دِثارا ثُّمَ قَرَضُوا الدُّنْيا قَرْضا عَلى مِنْهاجِ الْمَسيحِ(۳)؛

خوشا به حال پارسایان در دنیا که به آخرت دل بسته اند، ایشان گروهی هستند که زمین را فرش و خاک آن را بستر و آب آن را شربت گوارا قرار داده اند و قرآن را پیراهن و دعا را جامه رو گردانیده اند، پس به روش مسیح دنیا را از خود جدا کردند.

۱۴_ ترجیح دادن آخرت بر دنیا

۱۴_ ترجیح دادن آخرت بر دنیا

زاهد با شناختی که از دنیای فانی و ماهیت آن دارد، می داند که زندگی واقعی

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲- آثار الصادقین، ج ۸،ص ۵۴.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۰۴، ص ۴۸۶.

انسان در آخرت است، از این رو، به جهان بی ارزش دنیا دل نبسته و آخرت را بر آن ترجیح می دهد. در اثر این ترجیح ارزش هایی که برای زاهد مطرح است، ارزش های الهی و معنوی و اخلاقی است؛ ارزش هایی که از فطرت او سرچشمه گرفته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

الزاّهِدُ الَّذی یَخْتارُالْآخِرَهَ عَلَی الدُّنْیا(۱)؛

زاهد کسی است که آخرت را بر دنیا اختیار کند.

و علی علیه السلام در وصف زاهدان می فرماید اینان با این که در دنیایند، ولی اهل دنیا نیستند:

کانُوا قَوْما مِنْ اَهْلِ الدُّنْیا وَ لَیْسُوا مِنْ أَهْلِها، فَکانُوا فِیها کَمَنْ لَیْسَ مِنْها(۲)؛

پارسایان گروهی از اهل دنیایند که اهل آن نیستند، پس در دنیا می باشند، مانند کسی که اهل آن نیست.

علت این که زاهدان اهل آخرتند نه اهل دنیا، این است که سلامتی و عافیت واقعی را در آخرت می جویند و می دانند که سراسر دنیا رنج و سختی است. امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث پیشین فرمود:

وَعافِیَهَ الْآجِلِ عَلی مِحْنَهِ الْعاجِلِ(۳)

زاهد سلامتی آخرت را بر رنج دنیا ترجیح می دهد.»

۱۵_اختیار عزت بر ذلت

۱۵_اختیار عزت بر ذلت

علّت عزیز بودن زاهد آن است که به امور مادی و دنیایی و مقام های آن دلبستگی

۱- المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۶۳؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۳۰، ص ۳۵۲.

۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

نـدارد، از تمام آن ها دل برکنده(۱) و خود را از قیـد و بنـد آن هـا رهانیـده است. در نتیجه، خوار و ذلیل نیست و زیر سـیطره اشیای بی ارزش دنیایی قرار نمی گیرد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تعریف انسان ذلیل می فرماید:

كُلُّ عَزِيزٍ داخِلُ تَحْتَ الْقُدْرَهِ فَذَلِيْلٌ(۲)؛

هر عزیزی که در زیر قدرت باشد، ذلیل است.

۱۶_ بیزاری از زندگی دنیا

۱۶_ بیزاری از زندگی دنیا

زاهد مرگ را پیش چشمانش می بیند، چنان که آورده اند:

سَأَلَ النَّبِی صلی الله علیه و آله وسلم عَنْ تَفْسِيْرِ الزُّهْدِ فَقالَ: الزاّهِدُ ... وَ كانَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ اَجَلُهُ(۳)؛

در تفسیر زهد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند، فرمود مرگ پیش چشمان اوست.

لذا زندگی در دنیا را خوش ندارد. همین معنا از امام رضا علیه السلام روایت شده که درباره صفت زاهد فرمود:

مُتَبَرِّمُ بِحَياتِهِ(۴)؛

[زاهد]از زندگی در دنیا بیزار است.

و امام علی علیه السلام پارسایان را در دل گریان و غمگین معرفی می کند، اگرچه در ظاهر شاد باشند. آن بزرگوار فرمود:

اِنَّ الزاّهِدينِ فَی الدُّنْیا تَبْکی قُلُوبُهُمْ وَ اِنْ ضَحِکُوا(۵)؛

۱- این معنا از امام علیع نیز روایت گردیده است: العز مع الیأس (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۲).
۲- میزان الحکم، ج ۶، ص ۲۸۶.
۳- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۸.
۴- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۹.
۵- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۱۳، ص ۱۶۸.

قلب زاهدان در دنیا گریان است اگرچه بخندند.

و نیز فرمود:

... وَ یَشْتَدُّ حُزْنُهُمْ وَ اِنْ فَرِحُوا(۱)؛

و غم هایشان زیاد است، اگرچه شاد باشند.

۱۷_ ترجیح گرسنگی بر سیری

۱۷_ ترجیح گرسنگی بر سیری

گفتیم که زاهد دارای مصرف کم و بازدهی زیاد است؛ چون می داند شکم پرستی سبب سقوط انسان است، می کوشد تنها، در جهت تأمین غذای مورد نیاز بدنش گام بردارد. مصرف کم و گرسنگی یکی از عوامل بازدارنده شِرارت نفس انسانی است؛ زیرا عادت کردن به بیش از اندازه نیاز، باعث کمی تحمل در مواقع کمبود و موجب دوری از ارزش های انسانی است. علی علیه السلام می فرماید:

نِعْمَ الْعَوْنُ عَلی أَشَرِّ النَّفْسِ وَ کَسْرِ عادَتِها التَّجَوُّعُ(۲)

گرسنگی، علیه شر نفس و شکستن عادت هایش یاور بسیار خوبی است.

امام صادق علیه السلام نیز گرسنگی را از ویژگی های زاهدان می داند:

وَالْجُوعُ عَلَی الشَّبَعِ ...(۳)

زاهد گرسنگی را بر سیری ترجیح می دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم درباره ویژگی زاهدان از جبرییل نقل می کند که:

... وَ یَتَحَرَّجُ مِنْ کَثْرَهِ الْأَکْلِ کَما یَتَحَرَّجُ مِنَ الْمَیْتَهِ الَّتی قَدِ اشْتَدَّ نَتْنَها(۴)؛

زاهد از پرخوری می پرهیزد، هم چنان که از مردار بدبو، دوری می کند.

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۱۳، ص ۱۶۸.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۷۷۳.

۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

۴- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۸ و ج ۶۹، ص ۳۷۴.

۱۸_ فراموش نکردن

۱۸_ فراموش نکردن

دوستی و دل بستگی به دنیا نشانه غفلت انسان از مرگ است؛ زیرا کسی که در پی دنیا است از این که مرگ نیز در پی اوست و در آینده، تمام آمال و آرزوهایش برآب خواهد شد، غافل است. امام صادق علیه السلام یکی از ویژگی های زاهدان را ترجیح ذکر بر غفلت می خواند:

... وَالذِّکْرُ عَلَی الْغَفْلَهِ...(۱)

[زاهد]ذکر را بر فراموشی ترجیح می دهد.

آن حضرت از کسی که مرگ را فراموش کرده اظهار شگفتی می کند:

عَجِبْتُ بِستٍّ: ... وَ اَمَّا الَّتی أَضْحَکَتْنِی فَطالِبُ الدُّنْیا وَ الْمَوْتُ یَطْلُبُهُ، وَ غافِلٌ لَیْسَ بِمَغْفُولٍ عِنْهُ ...(۲)

از شش چیز در شگفتم ... و اما چیزی که مرا به خنده می آورد خواهنده دنیا است؛ در حالی که مرگ در پی اوست، و غافلی که از او غفلت نشده است.

زاهد به خاطر غفلت نکردن، و توجه به زندگی واقعی و کامل تر انسان پس از مرگ، هر چند در این دنیا زندگی می کند و مانند بقیه هم نوعانش از نعمت های دنیایی استفاده می کند، ولی خود را وابسته به آخرت می داند. از این رو، در هر لحظه زندگی به آخرت توجه دارد. امام صادق علیه السلام در وصف زاهد می فرماید:

وَیَکُونُ نَفْسُهُ فِی الدُّنْیا وَ قَلْبُهُ فِی الْآخِرَهِ(۳)

خودش در دنیا، ولی قلبش در آخرت است.

درباره فراموش نکردن قبر، هم چنین چشم پوشی از آرایش های دنیایی و ترجیح

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۶۱.

۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

آخرت بر دنیا، پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

أَزْهَدُ النّاسِ مَنْ لَمْ یَنْسَ الْقَبْرَ وَ الْبِلاءَ وَ تَرَکَ اَفْضَلَ زِیْنَهِ الدُّنْیا وَ آثَرما یَبْقی عَلی مَایَفْنی وَ لَمْ یَعُدَّ غَدا مِنْ أَیّامِهِ وَ عَدَّ نَفْسَهُ فِی الْمَوْتی(۱)؛

زاهدترین مردم کسی است که قبر و بلا را فراموش نکند و از بهترین زینت دنیا چشم بپوشد و نعمت باقی را بر نعمت فانی ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش حساب نکند و خود را در ردیف مردگان شمارد.

۱۹_ دوستی با دوست خالق

۱۹_ دوستی با دوست خالق

از ویژگی های زاهد که در اثر دوستی و اُنس با خدای تعالی صورت می گیرد، محبت به خداوند است. در نتیجه آن چه را که او دوست دارد، زاهد نیز دوست داشته و آن چه را او دشمن می دارد، زاهد نیز دشمن می دارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از قول جبرئیل نقل می فرماید:

الزاهِدُ یُحِبُّ مَنْ یُحِبُّ خالِقَهُ(۲)

زاهد دوست می دارد کسی را که خالقش را دوست می دارد.

زاهد تنها با کسانی نشست و برخاست دارد که آن ها نیز مانند خودش از دنیا بیزارند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توصیف زاهدان می فرماید:

تَقَلَّبُ أَبْدانُهُمْ بَیْنَ ظَهْرانَیْ أَهْلِ الْآخِرَهِ(۳)

بدن هایشان در بین اهل آخرت در گردش است [سر و کارشان با آن هاست].»

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

اِنَّ عَلامَهَ الزاهِدینَ فِی الدُّنْیا الرّاغِبیْنَ فِی الْآخِرَهِ تَرْکُهُمْ کُلَّ خَلیْطٍ وَ خَلِیْلٍ وَ رَفْضُهُمْ

۱- نهج الفصاحه، ص ۵۳، حدیث ۲۷۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۸.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۳۰، ص ۳۵۳.

کُلَّ صاحِبٍ لایُرِیدُ مایُریدوُنَ(۱)؛

نشان زاهـدان در دنیا و شـیفتگان آخرت دست کشـیدن از هر همدم و دوست و وانهادن هر هم نشـینی است که مراد آن ها را نخواهد.

۲۰_ دشمنی با دشمن خالق

۲۰_ دشمنی با دشمن خالق

هر آدمی دشـمن محبوب خود را دشـمن می دارد. زاهـد نیز از این امر مسـتثنا نیست. محبوب زاهـد، خـالق اوست و او دشـمن خالقش را دشـمن می دارد. پیامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله وسـلم در این زمینه از قول جبرییل علیه السـلام چنین می فرماید:

... وَ یُبْغِضُ مَنْ یُبْغِضُ خالِقَهُ(۲)

و دشمن می دارد کسی را که با خالقش دشمن است.

به علّت این که نفس انسانی به بـدی و دوری از خدا امر می کند، از دشـمنان خدا شـمرده می شود. از این رو، اگرچه زاهد به خاطر کارهایش در میان مردم به خوبی شـهرت یافته و مورد غبطه واقع شود، باز دشـمن نفس شیطانی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

... وَ یَکْثُرُ مَقْتُهُمْ أَنْفُسَهُمْ وَ اِنِ اغْتَبَطُوا بِما رُزِقُوا(۳)

خشم آن ها بر نفس هایشان بسیار است، هرچند به سبب آن چه به آن ها داده شده موردغبطه اند.

۲۱_ رحم کردن به مسلمانان

۲۱_ رحم کردن به مسلمانان

زهـد از چنـدین جهت رحم و دلسوزی نسـبت به مردم را به همراه دارد: یکی آن که چون زاهـد به انـدازه نیاز پس انـداز نمی کند، حالت بیش تر مردم که چنین وضعیتی

۱- مجمع البحرین، ص ۳۱۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۸ و ج ۶۹، ص ۳۷۴.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۱۳، ص ۱۶۸.

دارند، بهتر برای او قابل درک است. به لحاظ این که خود سختی می کشد، سختی زندگی دیگران را کاملاً احساس می کند، از این رو، بهتر می تواند با دیگران هم دردی نماید. دوّم چون دلبسته دنیا نیست، لذا به راحتی می تواند اگر بهره ای از دنیا داشته باشد، آن را به دیگران ببخشد. سوم چون همواره به یاد مرگ و آخرت است، این حالت برای آدمی ترس و دل نازکی ایجاد می کند و روشن است که آدم دل نازک به دیگران ترحم و دلسوزی می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم درباره ویژگی زاهد از جبرییل نقل می فرماید:

... وَ یَرْحَمُ جَمِیعَ الْمُسْلِمینَ کَما یَرْحَمُ نَفْسَهُ(۱)

و به مسلمانان رحم می نماید، هم چنان که به خودش رحم می نماید.

از امام علی علیه السلام است که

أَرْحَمُکُمْ أَزْهَدُکُمْ(۲)

با رحم ترین شما زاهدترین شماست.

۲۲_ عمل به وظیفه

۲۲_ عمل به وظیفه

دل نبستن به دنیا و گرایش به آخرت سبب روی آوردن انسان به آن دسته رفتارهایی است که او را به آخرت و پاداش آن نزدیک سازد. لذا زاهد می کوشد وظایفی را که به عهده اش گذاشته شده، به خوبی انجام دهد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

عَمِلُو فِیْها بِما یُبْصِروُنَ(۳)؛

عمل زاهد در آن چیزی است که [بعداز مرگ]می بینند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۸ و ج ۶۹، ص ۳۷۴.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۳۰، ص ۳۵۳.

هم چنین امام سجاد علیه السلام می فرماید:

... الْحاثُّ عَلی الْعَمَلِ قَبْلَ فَناءِ الْاَجَلِ وَ نُزُولِ مالابُدَّ مِنْ لِقائِهِ(۱)

زاهد پیش از سر آمدن مهلت و فرا رسیدن آن چه ناگزیر باید ملاقاتش کرد، در عمل می کوشد.

۲۳_ ایثار

۲۳_ ایثار

ایثار از اهداف زهد است. ایثار یعنی دیگران را بر خویش مقدم داشتن و خود را برای آسایش دیگران به رنج افکندن. زاهد بر خود سخت می گیرد تا به دیگران ببخشد، در کمال قناعت و سادگی زندگی می نماید، تا دیگران در آسایش باشند، آن چه دارد به نیازمندان می بخشد؛ زیرا چنان چه دیگران بخورند و بپوشند و در آسایش باشند، بیش تر لذّت می برد تا این که خود بپوشد و بخورد و در آسایش باشد. با فضیلت ترین زاهدان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خاندان گرامیش هستند که نتیجه ایثارشان در سوره هل اتی آمده است، در روایت آمده است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دست بندی از نقره بر دست حضرت زهرا علیهاالسلام و پرده ای بر درِ اتاق آن حضرت دید، ناراحت گشت. حضرت زهرا علیهاالسلام فورا قاصدی خدمت حضرت فرستاد تا آن پرده و دست بند به مصرف دیگران برسد. به قول شهید مطهری قدس سره شعار الجار ثم الدار رسم جاری در خاندان حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام بود(۲).

امام علی علیه السلام درباره ویژگی از خود گذشتگی زاهد می فرماید:

نَفْسُهُ مِنْهُ فِی عَناءٍ، وَ النّاسُ مِنْهُ فِی راحهٍ. أَتْعَبَ نَفْسَهُ لِآخِرَتِهِ، وَ أَراحَ النّاسَ مِنْ

۱- مجمع البحرین، ص ۳۱۰.

۲- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، صص ۲۲۳ _ ۲۲۴ با گزینش.

نَفْسِهِ(۱)؛

نفس او از او در زحمت است و مردم از وی در راحت. خـود را برای آخرتش به رنـج انـداخته، و مردمـان را از خویش آسوده ساخته است.

اسلام، چنین زهدی را که به خاطر از خودگذشتگی برای دیگران است می پذیرد؛ زیرا هدفی عقلانی و انسانی دارد. اگر دینی چنین زهدی را توصـیه نکند، دین نیست. اگر مکتبی اخلاقی چنین زهدی را سـفارش نکند، آن مکتب از مفاهیم والای انسانی بی خبر است. قرآن درباره گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم [انصار و مؤمنین در مدینه] می فرماید:

وَ یُؤْثِرُونَ عَلی أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَهٌ(۲)؛

با این که خودشان در سختی به سر می برند، ولی برادران مسلمانشان را بر خود مقدم می دارند(۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم زیبایی و لطافت مسأله زهد را به ایثاری که در آن نهفته می داند و می فرماید:

... وَالْاِیثارُ زِینَهُ الزُّهْدِ ... .(۴)

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۰۶.
۲- حشر، ۹. ترجمه: و آن ها را بر خود مقدم می دارند و هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند.
۳- حق و باطل، مرتضی مطهری، ص ۱۴۸.
۴- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۳. ترجمه: «از خود گذشتگی زیبایی زهد است.»

بخش ششم:آفات زهد در روایات معصومین علیهم السلام

اشاره

بخش ششم:آفات زهد در روایات معصومین علیهم السلام

از دیدگاه اسلام انسان مسلمان آن گاه شخصیت واقعی خود را درمی یابد که خود را از اسارت ماده پرستی و پول پرستی و وابستگی های دنیایی آزاد ساخته و امور دنیایی را در تسخیر خویش قرار دهد. هنگامی که چنین شخصیتی یافت، به زهد واقعی رسیده است(۱).

دل بستگی و گرایش به دنیا صفت مقابل زهد و بزرگ ترین آفت آن است چون در اثر آن آفت های دیگری نیز به هم می رسد.

۱_ دوستی دنیا

۱_ دوستی دنیا

دوستی دنیا دقیقا در مقابل زهد است و این دو با هم جمع نمی گردند. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که: «حُبُّ الدُّنْیا وَ حُبُّ اللّه لایَجْتَمِعانِ فِی قَلْبٍ أَبَدا(۲)؛ هرگز دوستی دنیا و دوستی خدا در یک دل جمع نمی شود.»

نیز قرآن می فرماید: «ماجَعَلَ اللّه ُلِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِهِ(۳)؛ خداوند در اندرون کسی دو دل قرار نداده است.» بنابراین هیچ کس نمی تواند هم محبت دنیا و هم محبت خداوند را در خود جمع کند. البته منظورِ آیه شریفه این نیست که مردم یا باید به خدا علاقه مند باشند یا به غیر خدا؛ بلکه مقصود این است که باید یک هدف اعلی در زندگی داشت. دو چیزی که با هم جمع نمی شود یعنی این که منتهای آرزو، یعنی خدا همراه با مادیات دنیایی باشد. والا روشن است که صرف علاقه به چند چیز در یک

۱- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۲۵۴.

۲- اخلاق اسلامی، محمدعلی سادات، ص ۱۲۸، به نقل از تنبیه الخواطر، ص ۳۶۲.

۳- احزاب، آیه ۴.

لحظه امکان دارد.(۱)

چه زشت است که انسان به خاطر طمع و رغبتی که به دنیا دارد، خود را در برابر متاع ناچیز دنیایی کوچک و خوار نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ما أَقْبَحَ بِالْمُؤمِنِ أَنْ تَکُونَ لَهُ رَغْبَهٌ تَذِلُّهُ(۲)؛

چه زشت است برای مؤمن که به چیزی دل بندد که او را خوار نماید.

در بحث دنیـاطلبی و دوستی دنیا، به زمین و آسـمان و درخت و خوراک و پوشاک و ماننـد آن، دنیا گفته نمی شود؛ زیرا همه این هـا از نعمت هـای الهی و از مظـاهر قـدرت و رحمت اوست. دنیـا چیزی است که انسـان را از خـدا بریـده و از یاد او غافل گردانـد. یعنی هر چیزی که انسان جداگانه به آن علاقه پیدا کند، دنیاست. اگر علاقه انسان به امور دنیایی بیش تر گردد، رفته رفته بر غفلت او افزوده شده، و اثری از اعتقاد به خدا در زندگی او نخواهد ماند.

علامه مجلسی قدس سره درباره دوستی دنیا می فرماید:

آن چه بر حسب فهم ما از مجموع آیات و اخبار درک می شود، این است که دنیای مذموم مرکب است از اموری که انسان را از اطاعت خدا و دوستی او و تحصیل آخرت باز دارد. پس دنیا و آخرت باهم تقابل دارند. هرچه باعث رضای خدای سبحان و قرب او شود، از آخرت است اگرچه به حسب ظاهر از دنیـا باشـد، مثـل تجارات و زراعات و صـناعاتی که مقصود از آن ها تأمین معیشت خانواده و اطاعت امر خدا، و صـرف کردن آن ها در مصارف خیریه و اعانت کردن به محتاجان و صدقات و باز ایسـتادن از سـئوال از مردم و غیر آن. و این ها همه از آخرت است، گرچه مردم آن را از دنیا دانند. و ریاضات مبتدعه و اعمال ریائیه، گرچه با تزهد و انواع مشقت باشد، از دنیاست؛ زیرا که باعث دوری از خدا شود و قرب به

۱- بیست گفتار، مرتضی مطهری، ص ۲۱۳.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۱ ص ۳۲۱ حدیث ۲۰۸۶۴.

سوی او نیاورد، مثل اعمال کفار و مخالفان(۱).»

در هر حال دوستی دنیا و آخرت نقیض یکدیگرند. دوستی یکی خشم نسبت به دیگری را به همراه دارد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

اِنَّ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهَ عَدُوّانِ مُتَفاوِتانِ، وَ سَبیلانِ مُخْتَلِفانِ، فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْیا وَ تَوَلّاها أَبْغَضَ الْآخِرَهَ وَ عاداها، وَ هُما بِمَنْزِلَهِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، وَ ماشٍ بَیْنَهُما، کُلَّما قَرُبَ مِنْ واحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِ، وَ هُما بَعْدُ ضَرَّتانِ!(۲)

دنیا و آخرت دو دشمن ناجور و دو راه جدایند، بدین روی کسی که دنیا را دوست داشت و به آن دوستی ورزید، آخرت را دشمن داشته و با آن دشمنی کرده است، و آن دو مانند خاور و باخترند، که رونده میان آن ها هرچه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور گردد و آن ها پس از این اختلافشان به دو زن مانند که یک شوهر داشته باشند.

بنابراین اگر انسان دوستدار دنیا شود، آخرت خود را تباه خواهد ساخت؛ ولی زاهد در همان حالی که از دنیا بهره می برد، به ثواب آخرت نیز می رسد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أَفْلَحَ الزاّهِدُ فِی الدُّنْیا، حَظِیَ بِعِزِّ الْعاجِلَهِ وَ بِثَوابِ الاخِرَه(۳)؛

زاهد در دنیا رستگار شده، از عزت دنیا و ثواب آخرت بهره برد.

مفاسدی که دوستی دنیا در پی دارد، بسیار است که از مهم ترین آن ها دشمنی به خدا، ترس از مرگ و بازداشتن از عبادت خداوند را می توان نام برد(۴). حضرت عیسی

۱- چهل حدیث، امام خمینی قدس سره، حدیث ششم، صفحه ۱۲۰.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۰۳، ص ۴۸۶.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۳۱.

۴- چهل حدیث، صص ۱۲۳ تا ۱۲۶.

علیه السلام پرستش خداوند همراه با دوستی دنیا را همانند ساختمان بر روی آب می داند.

الـدُّنْیا قَنْطَرَهٌ فَاعْبَروُهـا وَ لاتَعْمَروُهـا. وَ قِیْلَ لَهُ:یـا نَبِیَ اللّهِ لَوْ أَمَرْتَنـا أَنْ نَبْنی لَـکَ بَیْتـا تَعْبُـدُاللّهَ فِیْهِ فَقـالَ: اِذْهَبوُا فَـابْنوُا بَیْتـا عَلَی الْماءِ،فَقالوُا: کَیْفَ یَسْتَقیمُ بُنْیانٌ عَلَی الْماءِ؟ قالَ: فَکَیْفَ تَسْتَقیمُ عِبادَهُ عَلی حُبِّ الدُّنْیا(۱)؛

دنیا پلی است؛ از آن گـذر کنید، ولی آن را آباد نکنید. و به ایشان گفتند: ای پیامبر خدا کاش به ما امر می کردی که خانه ای برایت بسازیم تا در آن خـدای را عبادت کنی! فرمود: برویـد خانه ای بر آب بنا کنیـد، گفتند: چگونه ساختمان بر آب اسـتوار می گردد؟ فرمود: پس چگونه عبادت خداوند بر دوستی دنیا استوار می ماند.

از پی آمدهای دل بسـتن به دنیا غم و اندوه است؛ زیرا فطرت انسانی جویای بی نهایت است، پس هرچه از دنیا به دست آورد، قانع نمی شود و بیش از آن را می خواهـد. در نتیجه احساس کمبود می کنـد و این کمبود او را به غم و انـدوه دچار می سازد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

الرَّغْبَهُ فِی الدُّنْیا تُکْثِرُ الْهَمُّ وَ الْحَزَنَ(۲)؛

دل بستن به دنیا غم و اندوه را زیاد می کند.

این غم و اندوه پایان ناپذیر است. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ تَعَلَّقَ بِحُبِّ الدُّنْیا تَعَلَّقَ مِنْ ضَرَرِها بِثَلاثِ خِصالِ: هَمُّ لایَفْنِی وَ اَمَلٌ لایُدْرَکُ وَ رَجاءٌ لایَنالُ؛(۳)

هر که به دنیا دل بندد سه زیان به او خواهد رسید: اندوهی که از میان نمی رود؛ آرزویی

۱- المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۵۵؛ امالی مفید، ص ۵۵، از حضـرت عیسی علیه السلام چنین نقل کرده: «الدنیا قنطره فاعبروها ولاتعمروها و قال: ایکم یبنی علی موج البحر دارا؟ تلکم الدار الدنیا فلاتتخذوها دارا».

۲- ابوعبداللّه محمد قضاعی مغربی، پیشین، ص ۱۴۳، حدیث ۲۱۹.

۳- ابن شعبه حرانی، پیشین، ص ۴۲۷.

که [پایانش] درک نمی شود و امیدی که به آن نمی رسد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرمود:

مَنْ اثَرَ الدُّنْیا عَلَی الْاخِرَهِ ابْتَلاهُ اللّه ُ بِثَلاثٍ: هَمٌّ لایُفارِقُ قَلْبَهُ أَبَدا، وَ فَقْرٍ لایَسْتَغْنِی مَعَهُ أَبَدَا، وَ حِرْصٌ لایَشْبَعُ مَعَهُ أَبَدا؛(۱)

هر که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، به سه چیز مبتلا می شود: غمی که هرگز از دلش بیرون نمی رود، فقری که هیچ گاه برطرف نمی شود و حرصی که هرگز از آن سیر نمی گردد.

هم چنین امام صادق علیه السلام غمناک شدن بر چیزی که را که به انسان نمی رسد، سرزنش می کند:

یَابْنَ آدَمَ مالَکَ تَأَسَّفُ عَلی مَفْقُودٍ لایَرُدُّهُ اِلَیْکَ الْفَوْتُ وَ مالَکَ تَفْرَحُ بِمَوْجُودٍ لایَتْرُکُهُ فِی یَدَیْکَ الْمَوْتُ؛(۲)

ای فرزند آدم! چرا غمناک می شوی بر از دست رفته ای که به تو باز نمی گردد و چرا خوشحال می گردی به موجودی که مرگ، آن را به تو نمی رساند.

۲_ طمع

۲_ طمع

طمع از دیگر آفت های زهد است و با وجود طمع، زهد پیشگی معنا ندارد. امام علی علیه السلام زهد را برای کسی که خود را از طمع تهی نساخته، بی فایده دانسته، می فرماید:

لایَنْفَعُ زُهْدَ مَنْ لَمْ یَتَخَلَّ عَنِ الطَّمَعِ وَ یَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ(۳)؛

کسی که از طمع پیراسته نشده و به پرهیزگاری آراسته نگردیده، از زهد سودی نمی برد.

۱- فیض کاشانی، پیشین، ج ۷، ص ۳۵۵. نیز ر.ک: محمدی ری شهری، پیشین، ج ۴، ص ۲۶۴.

۲- ابوالفتوح رازی، تفسیر روح الجِنان و روح الجَنان، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، ناشر: کتابفروشی اسلامیه، تاریخ نشر: ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص ۵۲.

۳- غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۸۵۳.

نیز امام علی علیه السلام بیش ترین فساد و تباهی عقل را در رویارویی با آزمندی انسان دانسته، می فرماید:

أَكْثَرُ مَصارِعَ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ اْلاَطْماعِ(۱)

بیشترین قتل گاه های عقل ها، زیر برق [شمشیر]آزهاست.

۳_ بخل

۳_ بخل

گفته شد که صفت مقابل زهد، دل بستگی و دوستی دنیا است. از این رو، یکی از آثار دوستی دنیا بخل است و انسان بخیل اززهد حقیقی به دور می باشد.

السِّخاءُ مِنَ الْیَقِینِ وَ لایَدْخُلُ النّارَ مُوقِنٌ وَ الْبُخْلُ مِنَ الشَّکِ وَ لایَدْخُلُ الْجَنَّهَ مَنْ شَکَّ(۲)؛

بخشندگی از باور [به رستاخیز]سرچشمه می گیرد. هیچ باورمندی به آتش [دوزخ]در نمی آید؛ ولی آز از دو دلی [به رستاخیز] بر می خیزد؛ هیچ دو دلی به بهشت نمی رود.»

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

السَّخِیُّ قَرِیْبٌ مِنَ اللّهِ، قَرِیْبٌ مِن النّاسِ، قَرِیْبٌ مِنَ الْجَنَّهِ، وَالْبَخیلُ بَعِیْدٌ مِنَ اللّهِ، بَعِیْدٌ مِنَ الناسِ، قَرِیْبٌ مِنَ النّارِ(۳)؛

بخشنده به خدا، مردم و بهشت نزدیک است، ولی آزمند از خدا و مردم دور، و به آتش [دوزخ]نزدیک است.

۴_ ثروت اندوزی

۴_ ثروت اندوزی

البته ثروت اندوزی با زهد تضادی ندارد و این دو به شرط آن که با مال دوستی و دنیا خواهی همراه نباشد جمع پذیرند.

۱- ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۱۱۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲۲، حدیث ۲۰۸۷۱.

۲- فیض کاشانی، پیشین، ج ۷ ص ۳۵۳.

۳- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۰۸.

علامه امینی رحمهم الله گوید: مال اندوزی و جمع کردن ثروت از راه مشروع و راه های مجاز شرعی با روحیه زهدگرایی تضادی ندارد؛ زیرا حقیقت زهد آن است که مال و روحیه مال اندوزی، زمام اختیار آدمی را به دست نگیر؛ نه این که آدمی مالک چیزی نباشد(۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ثروتی را که انسان را مست و سرکش سازد، میراننده دل می داند. آن حضرت می فرماید:

أَرْبَعٌ يُمِتْنَ الْقَلْبَ: الـذَّنْبُ عَلَى الـذَّنْبِ وَ كَثْرَهُ مُناقَشَهِ النِساءِ وَ مُماراهُ الْاَحْمَقِ تَقُولُ وَ يَقُولُ وَ لايَرْجِعُ اِلى خَيْرٍ وَ مُجالَسَهِ الْمَوْتى، فَقِيْلَ لَهُ يا رَسُولَ اللّه ِصلی الله علیه و آله وسلم وَ مَا الْمَوْتى؟ قالَ: كُلُّ غَنِيٍ مُتْرَفٍ(۲)؛

چهار چیز دل را می میراند: گناه روی گناه، جدال بسیار با زنان، مجادله با نادان که تو [هرچه]گویی او [چیزی]گوید و [این سخنان] را خیری نباشد و هم نشینی مردگان. عرض شد: یا رسول اللّه مقصود از مردگان چیست؟ فرمود: هر ثروت مند نازپرورده.

هم چنین حضرت ثروت را هلاک کننده انسان دانسته است:

اِنَّ الدِّيْنارَ وَ الدِّرْهَمَ أَهْلَكا مَنْ كانَ قَبْلَكُمْ وَ هُما مَهْلَكاكُمْ(۳)؛

دینار و درهم، پیشینیان شما را هلاک کرد و آن دو هلاک کننده شما [نیز] هستند.

۵_ آز

۵_ آز

انسانی که به دنیا دل بندد، همواره خود را تهی دست می یابد؛ زیرا از صفات مهم انسان بی نهایت خواهی اوست و چون خواهنده دنیا به طور کامل به خواسته خود دست نمی یابد، همواره خودرا نیازمند می بیند. از این رو، همیشه در پی دنیاست. حالتی که به حرص و آز تعبیر می شود.

۱- زهد اسلامی، ص ۵۰، به نقل از الغدیر، ج ۲، ص ۹۱.

۲- الخصال، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۹.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

مَنْ کانَتْ نِیَّتُهُ الدُّنْیا فَرَّق اللّه ٌعَلَیْهِ أَمْرَهُ وَ جَعَلَ الْفَقْرَبَیْنَ عَیْنَیْهِ وَ لَمْ یَأتِهِ مِنَ الدُّنْیا اِلاّ ما کَتَبَ لَهُ وَ مَنْ کانَتْ نِیَّتُهُ الاخِرهِ جَمَعَ اللّه ُشَمْلَهُ وَ جَعَلَ غِناهُ فَی قَلْبِهِ وَ أَتَتْهُ الدُّنْیا وَ هِیَ راغِمَهٌ(۱).

کسی که هدفش دنیا باشد، خداوند [رشته]کارش را از هم می گسلد و تنگ دستی را برابر چشمانش می نهد؛ ولی از دنیا به او نمی رسد جز آن چه خداوند برایش مقدر فرموده است؛ اما کسی که هدفش آخرت باشد، خداوند گسستگی [کارش] را برطرف می سازد و بی نیازی را در دلش می نهد و به رغم خواستش دنیا به او روی می آورد.

و از امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که:

اِنَّ عَلامَهَ الرّاغِبِ فِی ثَوابِ الْآخِرَهِ زُهْدُهُ فِی عاجِلِ زَهْرَهِ الدُّنْیا أَمّا اِنَّ زُهْدَ الزّاهِدِ فِیهذِهِ الدُّنْیا لایَنْقُصُهُ مِمّا قَسَمَ اللّهُ لَهُ عَزَّوَجَلَّ فِیْها وَ اِنْ زَهَدَ، وَ اِنَّ حِرْصَ الْحَرِیْصِ عَلی عاجِلِ زَهْرَهِ الدُّنْیا لایَزیدُه فِیها وَ اِنْ حَرَصَ فَالْمَغْبُونُ مَنْ حَرَمَ حَظَّهُ مِنَ الْآخِرَه(۲)؛

نشانه علاقه مند به پاداش آخرت، بی رغبتی به شادی زودگذر دنیا است، اما بی رغبتی زاهد در این دنیا از آن چه خدای عزوجل سهم او گردانیده، نمی کاهد؛ اگرچه زهد ورزد، و حرص شخص حریص به شادی زودگذر دنیا، چیزی در [سهم]او نمی افزاید، هرچند حرص ورزد. پس زیان دیده، کسی است که بهره آخرت را بر خودش حرام گردانیده است.

امام باقر علیه السلام حریص را مانند کرم ابریشم دانسته، می فرماید:

مَثَلُ الْحَرِیصِ عَلَی الدُّنْیا کَمَثَلِ دُودَهِ الْقَزِّ کُلَّما ازْدادَتْ عَلی نَفْسِها لَفًّا کانَ أَبْعَدَ لَها

۱- مجمع البیان، ابوعلی طبرسی، ج۹، ص۴۱؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج۶، ص۲۳۱؛ المحجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۵۱.

۲- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۵۲؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۱، حدیث ۲۰۸۲۹.

مِنَ الْخُروُجِ حَتَّی تَمُوتَ غَمَا(۱)؛

حریص به دنیا، مانند کرم ابریشم است که هرچه بیش تر بر خود تَنَد، راه بیرون آمدنش دورتر شود تا آن که از غصه بمیرد.

۶_ آرزو

۶_ آرزو

چنان که پیش تر در فرمایشی از مولای متقیان علی علیه السلام درباره زهد آوردیم، یکی از جنبه های زهد و بی میلی به دنیا، کوتاهی آرزوهاست. بنابراین، یکی از آفت های زهد آرزوهای طولانی است. آرزو نوعی خواستن است که خواسته، موضوع های غیرضروری و دور از توان کنونی آدمی است و ممکن است همین ناتوانی تا پایان عمر نیز ادامه یابد. باید گفت انسان آرزومند همواره در فرداهای موهوم زندگی می کند(۲). امام علی علیه السلام فرمود:

أَکْذَبُ شَْی ءٍ الْاَمَلُ(۳)

دروغ ترین چیز آرزو است.

نیز فرمود:

أَبْعَدُ شَْیٍ ء الْاَمَلُ(۴)

دورترین چیز آرزو است.

هم چنین پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم کوتاهی آرزوها را شرط ورود به بهشت می داند:

أَکُلُّکُم یُحِبُّ أَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ؟ قالُوا: نَعَمْ یا رَسُولَ اللّهِ قالَ: قَصِّروُا مِنَ الْاَمَلِ وَ

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۲۰۲؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۸، حدیث ۲۰۸۵۳.

۲- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، ج ۱۳، ص ۳۴۱ با گزینش.

۳- غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۷۴.

۴- غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۷۸.

تَبِّتُوا آجالَكُمْ بَيْنَ أَبْصارِكُمْ وَاسْتَحْيوُا مِن اللّهِ حَقَّ الْحَياءِ(۱)؛

آیا همه شـما دوست داریـد که وارد بهشت شوید؟ گفتند: آری یا رسول اللّه . فرمود: آرزویتان را کوتاه کنید و اجل هایتان را برابر چشمانتان نهید و از خداوند چنان که شایسته است، شرم کنید.

۱- ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۴۹۴.

ص:۱۰۹

بخش هفتم: اسوه های زهد

اشاره

بخش هفتم: اسوه های زهد

زهد از صفات انبیا، اولیا و صالحان است و خدای تعالی آن را شرط امامان معصوم علیهم السلام قرار داده است.

وَ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِيدَرَجاتِ هذِهِ الدُّنْيَا الدَنِيَّهِ(۱)

زهد را در مراتب این دنیای پست بر آنان لازم ساختی.

در اینجا به سیره بعضی از اسوه های زهد می پردازیم.

زهد پیامبران گذشته

زهد پیامبران گذشته

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در مورد زهد انبیای الهی به ابن مسعود فرمود:

ای پسر مسعود! حضرت نوح علیه السلام نهصد و پنجاه سال زندگی کرد، چون صبح می کرد می گفت: به شب نمی رسم، و چون شب می رسید می گفت: به صبح نمی رسم، جامه اش از پشم و خوراکش نان جو بود. اگر بخواهی از کار داود علیه السلام خلیفه و جانشین خدا در زمین ــ آگاهت کنم، جامه اش پشم و خوراکش نان جو بود. اگر می خواهی از کار سلیمان علیه السلام آگاهت سازم، سلیمان علیه السلام با آن سلطنتی که داشت، خود نان جو می خورد و به مردم نان سفید گندم می خورانید، و جامه اش پشم بود، و چون شب فرا می رسید، دست خود را [به حالت خواری] به گردن می نهاد و تمام شب را تا به صبح نماز می گزارد. و ابراهیم علیه السلام ــ خلیل خداوند ــ لباسش پشم و خوراکش نان جو بود، و پوشش یحیی علیه السلام از لیف خرما بود و از برگ درختان می خورد. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از زهد عیسی علیه السلام سخن گفت و سپس با آوردن ستایشی که خداوند از این پیامبران زاهد علیهم السلام در قرآن کریم کرده، فرمود: ای ابن مسعود! آتش

۱- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

[دوزخ]برای کسـی است که حرام انجـام دهـد و بهشت از آنِ کسـی است که [برای رعـایت زهـد]اسـتفاده از حلاـل را ترک گوید. پس باید که در زندگی زهد پیشه سازی؛ زیرا خداوند با زهد ورزیدن تو به فرشتگان مباهات می کند و لطف و عنایت او به تو روی می آورد و پروردگار جبار بر تو سلام و درود می فرستد(۱).

هم چنین امام علی علیه السـلام درباره زهـد پیامبران الهی می فرماید: موسای کلیم علیه السـلام می گفت: پروردگارا! هرچه از نیکی به من ببخشی، نیازمندم. به خدا سوگند موسی جز نانی برای خوردن، از خدا نخواسته بود؛ زیرا گیاه زمین را می خورد و به جهت لاـغری و کمی گوشت، سبزی گیـاه از نازکی پوست درونی شـکمش دیـده می شـد، و داوود علیه السـلام که دارای مزامیر(۲) و زبور بود و خواننـده اهـل بهشت است، به دست خود از لیف خرمـا زنبیـل ها می بافت و به هم نشـینان خویش می گفت: کـدام یک از شـما در فروختن آن ها مرا یاری می کنـد؟ و از بهای آن ها، خوراک او قرصـی نان جو بود. و عیسـی بن مریم علیه السلام [هنگام خوابیدن]سنگ را زیر سر گذاشته، بالش قرار می داد، و جامه زبر می پوشید و طعام خشن می خورد. خورش او گرسنگی بود و چراغش در شب روشنایی ماه بود، و سایه بان او در زمستان جایی بود که آفتاب می تابید یا فرو می رفت. میوه و سبزی خوش بوی او گیـاهی بود که زمین برای چهارپایان می رویانیـد؛ نه زنی داشت که او را به فتنه و تباه کاری افکنـد، و نه فرزندی که او را اندوهگین سازد، و نه دارایی که او را [از خدا] برگرداند، و نه [به دنیا و اهلش] طمعی داشت که او را خوار کند؛ مرکَب او دو پایش بود و خدمتکارش دو دستش(۳).

۱- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۷۹.

۲- زبور داود یـا به تعبیری که در کتب عهـد قـدیم آمـده مزامیر داود عبـارت است از مجموعه ای از مناجات ها و نیایش ها و اندرزهای داود پیامبر علیه السلام . تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۶.

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۶۰، ص ۲۲۷، ترجمه فیض الاسـلام. روایتی به همین مضـمون از عیسی علیه السلام نیز نقـل گردیـده است که متن آن چنین است: روی عن المسیح علیه السـلام انه قـال للحواریین: أکلی مـا انبتته الاـرض للبهـایم و شربی ماء الفرات بکفی و سراجی القمر و فراشی التراب و وسادتی المدر و لبسی الشعر لیس لی ولد یموت ولالی امرأه تحزن و لابیت یخرب و لامال یتلف فأنا أغنی ولـد آدم. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵. ترجمه روایت: از حضرت مسیح علیه السلام نقل شـده که به یـاران خـود فرمـود: «خوراک من چیزی است که زمین برای چارپایـان می رویانـد، و نوشـیدنی من به انـدازه کف دست از آب گوارا است و چراغ من نور ماه، و فرش من خاکِ زمین، و متکایِ زیر سرِ من گِل [= خاک] و لباسم از مو [لباس زبر و خشن] می باشـد. فرزنـدی نـدارم تا بیمرد و [و مرا غمگین کند] و نه همسـری تا مرا محزون نماید و نه خانه ای که ویران شود و نه مالی که مرا سرگرم خود کند. پس من ثروتمندترین فرزند آدم هستم.

زهد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم

زهد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم

روایت های بسیاری درباره زهد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم رسیده است. از امام صادق علیه السلام است که:

ما أَعْجَبَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله وسلم شَّی ءٌ مِنَ الدُّنْیا اِلّا أَنْ یَکُونَ فِیها جائِعا خائِفا(۱)؛

برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم چیزی در دنیا خوشایندتر از این نبود الا این که در آن گرسنگی و خوف باشد.

امام علی علیه السلام درباره آن حضرت می فرماید:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دنیا را کوچک می پنداشت و بدان اهمیتی نمی داد. آن را پست دانسته و می دانست خداوند سبحان او را برگزیده، دنیا را از او دور گردانیده، و چون کوچک و پست است، آن را در نظر غیر آن حضرت جلوه داده است. پس آن بزرگوار نیز در دل از آن روی گرداند و بی میل شد، و یاد آن را از نفس خود دور گردانید و دوست داشت که زینت و آرایش آن را به چشم نبیند، تا از زینت آن لباس آراسته نخواهد، یا ماندن در آن را آرزو نکند. از جانب پروردگارش احکام را تبلیغ نمود، و امت و پیروان خود را [از عذاب الهی]ترسانیده، پند و اندرز داد. و آنان را مژده رسانده، به سوی بهشت دعوت

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۱۹۵.

فرمود(۱).

ز عیص بن قاسم است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حدیثی از پدر بزرگوارتان روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از نان گندم سیر نشد، آیا این مطلب درست است؟ فرمود: «نه، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هرگز نان گندم نخورد. و از نان جو هم یک شکم سیر نخورد.(۲)»

مردی یهودی از امیرمؤمنان علیه السلام پرسید: مردم گمان می کنند که عیسی بن مریم علیه السلام مرد زاهدی بود. حضرت فرمود: چنین است. ولی محمد صلی الله علیه و آله وسلم از همه پیغمبران زاهدتر بود... هرگز نان گندم نخورد و از نان جو نیز سه شبانه روز پی درپی سیر نشد.(۳)

روزی عمر در چشمه امّ ابراهیم [محلی در نزدیکی مدینه] خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رسید، در حالی که بر روی حصیری از برگ خرما خوابیده بود و بخشی از بدن مبارک حضرت روی خاک قرار داشت، و متکایی از لیفِ درخت خرما زیر سرداشت، سلام کرد و نشست. پس گفت: شما پیامبر خدا و بهترین آفریده او و هستی، کسرا و قیصر بر تخت های طلا و فرش های ابریشمین می خوابند، ولی شما این چنین! پیامبر فرمود:

اوُلئِکَ قَوْمٌ اَجَلَّتْ طَیِّباتَهُمْ، وَ هِیَ وَشِیْکَهُ الِانْقِطاعِ وَ اِنَّما آخَرَتْ لَنا طَیِّباتِنا(۴)؛

آن ها گروهی اند که طیبات شان در این دنیا به آنان داده شده، و به زودی قطع می گردد،

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۰۹، ص ۱۶۲، ترجمه فیض الاسلام.

۲- سنن النبی، محمدحسین طباطبائی، ص ۱۶۰.

۳- سنن النبی، محمد حسین طباطبایی، ص ۱۶۱.

۴- تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۴۷.

ولی طیبات ما برای قیامت ذخیره شده است.

او از امام باقر علیه السلام است که فرمود: روزی مقداری حلوای مخصوص نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آوردند. حضرت آن را نخورد. پرسیدند آیا آن را حرام می دانی؟ فرمود: نه، ولی من از این می ترسم که نفسم به آن مشتاق گردد و پیوسته در پی آن باشم(۱).

امام علی علیه السلام می فرماید: از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پیروی کن! زیرا راه و رسمش سرمشق کسی است که می خواهد پیروی کند و انتسابی است برای آن که بخواهد منتسب گردد، و محبوب ترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش الگو پذیرد و قدم در جای پای او گذارد. پیامبر بیش از کم ترین نیاز از متاع دنیا استفاده نکرد و به آن تمایلی نشان نداد. پهلویش از همه لاغرتر و شکمش از همه گرسنه تر بود. دنیا به وی عرضه شد [تا آن چه می خواهد انتخاب کند] ولی آن را نپذیرفت. او از آن چه مورد خشم خداوند است، آگاه بود، لذا خود نیز آن ها را ناپسند می شمرد و آن چه را که خداوند کوچک شمرده بود، او نیز کوچک می دانست.

اگر ما آن چه را که مورد غضب خدا و رسول اوست، دوست بداریم و آن چه را که خداوند و پیامبرش آن را کوچک شمرده اند، بزرگ پنداریم، همین نوعی مخالفت ما با خدا و سرپیچی از فرمان اوست.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روی زمین می نشست و غذا می خورد. با فروتنی همچون بردگان می نشست و با دست خود کفش و لباسش را وصله می کرد. بر مرکب برهنه سوار می شد و حتی کسی را پشت سر خود سوار می نمود. پرده ای را بر در اطاقش دید که بر آن تصویرهایی بود؛ همسرش را صدا زد و گفت: آن را از نظرم پنهان کن! که هرگاه چشمم به آن می افتد، به یاد دنیا و زرق و برق آن می افتم. آن حضرت با تمام وجود از زرق و برق دنیا روی گرداند و یاد آن را در دلش میراند. سخت علاقه مند بود که زینت ها و زیورهای دنیایی از چشمش پنهان گردد، تا از آن لباس زیبایی تهیه

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۴۸.

نکند و آن را قرارگاه همیشگی نداند. از این رو، آن را از روحش بیرون کرد و از قلبش دور و از چشمش پنهان ساخت.(۱)

زهد امام علی علیه السلام

زهد امام علی علیه السلام

درباره زهدورزی امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت های بسیاری در منابع شیعه و اهل سنت وارد شده است. زندگی امام علی علیه السلام بهترین روش زندگی است که بشر تاکنون در زندگی تاریخی اش آن را تجربه کرده است؛ زندگی انسان کاملی که الهی ترین افراد بشر است و سزاوارترین انسان برای خلیفه الهی بودن است.

از شاخص های زندگی امام، زهدی است که سراسر زندگی او را پوشانده است. زاهد به معنای در اختیار داشتن همه جهان و با این حال، روی گرداندن از تمام امور دنیایی. زهدی که قناعت را ترجیح می دهد و در برابر دشواری ها، صبر را در پیش می گیرد.

گروهی در نزد عمربن عبدالعزیز درباره زاهدترین انسان بحث می کردند. بعضی از آنان کسانی مانند اباذر را برشمردند. عمربن عبدالعزیز گفت:

أَزْهَدُ النّاسِ عَلِیُ بْنُ أَبِیطالِبْ(۲)

زاهدترین مردم علی بن ابیطالب است.

بارها وقتی برای نماز حاضر می شد، در حالی که از تنها پیراهنش هنوز آب چکه می کرد، خطبه می خواند. درحالی که در رأس حکومت بود و اموال زیادی از مالیات ها و خراج های سرزمین های پهناور تابعه بر خزانه های آن سرازیر بود، امام ساده ترین غذاها را می خورد، به گونه ای که به وی می گفتند: آیا در سرزمین عراق ـ کشور فراوانی نعمت ها ـ عرصه را چنین بر خود تنگ می کنید. اما این وضع برای امام افتخار

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۶۰، صص ۲۲۷ ـ ۲۲۸.

۲- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۷۲.

بزرگی بود.

خود می فرمود:

أَنَا الَّذی أَهَنْتُ الدُّنْیا(۱)

من کسی هستم که دنیا را سبک شمردم.

اسودبن قیس گوید: علی علیه السلام در رحبه کوفه مردم را اطعام می کرد و وقتی از آن فارغ می شد، به منزل باز می گشت و در خانه خویش غذا می خورد. یکی از اصحاب گوید: پیش خود گفتم شاید علی در منزل خود، غذای لذیذتر از طعامی که به مردم داده، می خورد. غذا را رها کرده، در پی او به راه افتادم. به من گفت آیا غذا خوردی؟ گفتم نه، فرمود: پس با من بیا. من نیز با او به منزلش رفتم. او فضه را صدا زد. دیدم کنیزی وارد شد، علی علیه السلام به او گفت: برای ما غذا بیاور. او نیز گرده نانی همراه با ظرف دوغی آورده و نان را در آن ترید کرد، در حالی که در آن سبوس گندم وجود داشت. به امیرالمؤمنین علیه السلام گفتم اگر می فرمودید آرد بی سبوس بیاورند بهتر بود. امام گریست و فرمود: به خدا قسم هرگز ندیدم که در خانه رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم غذای بدون سبوس باشد(۲).

نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود:

یا عَلِی اِنَّ اللّه ـَقَدْ زَیَّنَکَ بِزِیْنَهٍ لَمْ یُزَیِّنِ الْعِبادَ بِزِیْنَهٍ أَحَبُّ اِلَیْهِ مِنْها هِیَ زِیْنَهُ ٱلاَبْرارِ عِنْدَاللّه ـِ تَعالی: الزُّهْدُ فِی الُّدنْیا، جَعَلَکَ لاتَرْزَأُ مِنَ الدُّنْیا شَیْئا وَ لاتَرْزَأُ الدُّنْیا مِنْکَ شَیْئا(۳)؛

به راستی خداوند به تو زینتی بخشیده که بندگانش را به چیزی دوست داشتنی تر از آن

۱- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ج ۱، ص ۷۳.

۲- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ج ۱، ص ۷۳.

۳- بحارالانوار، ج ۴۰، صص ۷۹ ــ ۸۰. روایاتی به همین مضمون در ج ۴۰، صص ۳۱۸ و ۷۸ نیز آمده است.

نیاراسته و آن زینت نیکان نزد خداوند است، یعنی زهد در دنیا؛ خداوند تو را چنان قرار داده که به چیزی از دنیا دست نیابی و دنیا نیز به تو دست نیابد.

آری امام علی علیه السلام حقیقت دنیا را یافته و براساس شناختش به آن نگریسته است. حضرت درباره خودش می فرماید:

أَنَا کابُّ الدُّنْیا لِوَجْهِها، وَ قادِرُها بِقَدْرِها، وَ ناظِرُها بِعَیْنِها(۱)؛

من دنیا را بروافکنده ام و چهره اش را به خاک مالیده ام و آن را درست سنجیده ام و با چشم خودش به آن نگریسته ام.

سویدبن غفله گوید: به خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رسیدم. حضرت نشسته بود و ظرفی از ماست که بوی ترشیدگی از آن به مشام می رسید در برابرش بود و در دستش گرده نانی بود که پوست جو بر آن نمودار بود. امام نان را می شکست و در ماست می ریخت. به من فرمود: نزدیک بنشین و از غذای ما بخور. عرض کردم: من روزه هستم، فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: هرکه را، روزه از خوردن غذایی که میل آن را دارد، منع نماید، خداوند از خوراکی های بهشت به او بخوراند و از آب های بهشتی به او بنوشاند. من به فضّه که نزدیک حضرت بود گفتم: از خدا نمی ترسی که در غذای این پیرمرد سبوس جو را نگرفته ای؟ گفت: خود او فرمان داده که نخاله و سبوس غذای او را نگیریم. امام علیه السلام فرمود: به فضه چه می گفتی؟ آن چه گفته بودم، عرض کردم. فرمود: پدر و مادرم فدای کسی باد که هیچ گاه نخاله و سبوس غذایش گرفته نشد و از نان گندم سه روز پی درپی سیر نخورد تا خدایش به جوار رحمت خود برد. امام علیه السلام نان خشک شده جو را در ظرفی می گذاشت و بر آن مهر می نهاد. علت را از حضرت پرسیدند؟ فرمود: می ترسم فرزندانم حسن و حسین علیهماالسلام روغن زیتون یا روغن دیگری بر آن بریزند.(۲)

ابواسحاق سبیعی گوید: روز جمعه بر دوش پدرم سوار بودم. علی علیه السلام خطبه

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۲۸، ص ۱۸۶.

۲- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۷۷.

می خوانـد و با آستینش خود را باد می زد. گفتم: ای پـدر امیرالمؤمنین گرمش شده است؟ گفت: گرمی و سـردی ای در کار نیسـت، بلکه حضـرت پیراهنش را شسـته و چـون جز آن پیراهنی نداشـته آن را مرطـوب به تن کرده است، و چنین می کنـد تا خشک شود.(۱)

۱- الحیاه، محمدرضا، محمد و علی حکیمی، ج ۲، ص ۲۳۰.

بخش هشتم: خلاصه و دستاوردها

بخش هشتم: خلاصه و دستاوردها

خلاصه

زهـد در لغت به معنای بی رغبتی به چیزی و قانع شـدن به کم آن است. راغب در معنای زهد گوید: زهید چیز کم را گویند و زاهـد یعنی روی گردانده از چیزی و راضـی شونده به مقدار کم آن. بسـیاری از لغت شـناسان قید دیگری به آن افزوده اند که زهـد روی گردانیـدن از چیزی به جهت کوچـک شـمردن آن است. معنای اصـطلاحی زهـد از دو جهت عرفان و اخلاق و نیز روایات مطرح است. در اصـطلاح اهل عرفان دشـمن داشـتن دنیا و روی گرداندن از آن است. ابن مسـروق گوید: «زاهد کسی است که هیـچ امری بر او چیره نباشـد مگر خـدای تعالی». امام محمد غزالی قید مهم دیگری به آن افزوده و گوید: «زهد کناره گیری از دنیـا است از روی میـل و رغبت بـا وجود قـدرت بر داشـتن آن». به هرحـال زهـد در نظر اینـان به معنای بی رغبتی به غیرخدا و قانع بودن به کم آن است.

در روایـت هـای بسـیاری معنـای زهـد در دو جنبـه خلاـصه می گردد: یکی تـأسف نخـوردن برآن چه از دست رفته و دیگری خوشحالی نکردن بر آن چه به انسان می رسد. امام علی علیه السلام در همین معنا می فرماید:

الزُّهْدُ کُلُّهُ بَیْنُ کَلِمَتَیْنِ مِنَ الْقُرْآنِ: قالَ اللّهُ سُبْحانَهُ: «لِکَیْلاتَأْسَوْا عَلی ما فاتَکُمْ وَ لاتَفْرَحوُا بِما اتاکُمْ» وَ مَنْ لَمْ یَأْسَ عَلَی الْماضی وَ لَمْ یَفْرَحْ بِالْآتی فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَیْهِ؛

تمام زهد میان دو کلمه قرآن است: خداوند می فرماید: به آن چه از دست می دهید تأسف

نخورید و به آن چه به دست می آورید، شادمان نگردید. کسی که به گذشته تأسف نمی خورد و به آینده خوشحال نمی گردد، هر دو طرف زهد را رعایت کرده است.

و در احادیث آمده است که زهد واقعی آن است که موافق سنت نبوی باشد.

تاریخچه زهد نشان می دهد که نخستین ریاضت ها در هند قدیم یافت می گردد. آیین ها و باورهای گوناگون هندی در این اصل مشترکند که پایه و اساس خوشبختی و رستگاری، فرار از دنیا و ترک تمام لذت های جسمانی، همراه با شکنجه های بدنی است. از این رو، باید نفس را با انواع ریاضت های سخت و شکنجه ها عادت داد تا بدین وسیله علاقه او از دنیا و خوشی های جسمانی قطع گردد. مسیحیان در این زمینه سابقه دیرینه دارند، دعوت به زهد و قطع علایق مادی و تأمین خوشبختی آخرت، از اهداف اساسی رسالت حضرت مسیح علیه السلام بوده است. هر چند آموزه های اخلاقی و زهدی که آن حضرت آموخته بود آن رهبانیتی نبود که در قرن های چهارم و پنجم میلادی به نام مسیحیت در میان مسیحیان گسترش یافت. مسلمانان سومین گروهی هستند که در این زمینه فعال بوده اند. مهم ترین عامل تشکیل دهنده تصوف در اسلام رهبانیت مسیحی است که در اثر نشست و برخاست مسلمانان با ایشان گسترش یافت.

در زمینه زهد کتاب های بسیاری نوشته شده است که متأسفانه بیش تر کتاب های قدیمی در دست نمی باشد. دو دیدگاه مختلف درباره حقیقت زهد وجود دارد: یکی آن که زهد ترک دنیا است، بدین معنا که کارهای دنیا و آخرت را از یکدیگر جدا بدانیم. بنابراین کسی که در پی آخرت است، باید به عبادت و ریاضت بپردازد. پس زهد یعنی رها کردن زندگی اجتماعی برای پرداختن به اعمال عبادی. برخی از این دسته نیز می گویند زهد امری قلبی است نه عملی. یعنی از مرحله قلب به مرحله عمل سرایت نمی کند. در این دیدگاه زهد و رهبانیت مسیحی بسیار به هم نزدیک اند. اما دیدگاه دوم زهد را ترک دنیاطلبی می داند. از نظر اسلام کارهای دنیایی نیز می تواند

مربوط به آخرت باشند. در اسلام تجارت یا کشاورزی، هم می تواند جنبه مالی و دنیایی داشته باشد و هم جنبه آخرتی. در واقع بستگی به هدف شخص دارد. اگر کسب و کار مشروع بود، از نظر اسلام عبادت بوده و از حوزه امور آخرتی بیرون نیست؛ ولی اگر از راه غیر مشروع بود، نه تنها برای آخرت بلکه برای دنیا هم زیان آور است.

زهد با برخی مفاهیم نوعی ارتباط نزدیک دارد. رابطه ایمان و زهد در دنیا آن قدر تنگاتنگ است که امام صادق علیه السلام زهد را شرط چشیدن شیرینی ایمان دانسته است. تقوا نیز صفتی است که عامل زهد و بی رغبتی آدمی به دنیا معرفی شده است. اگر آدمی از حساب و عقاب الهی بیم داشت لزوما به دنیا دل نمی بندد و به اندک آن بسنده می کند. زهد و فقر مفاهیمی هستند که کاملاً ـ از هم جدایند یکی پسندیده و دیگری ناپسند. زهد با برخورداری از مال منافی نیست؛ اما فقر عارضه ای خارجی است، یعنی برخوردار نبودن از مال. مفهوم زهد با کسب حلال در حد گذران معاش، نه تنها جمع پذیر است، که بسیار ستوده شده است. زهد و قناعت رابطه بسیار نزدیکی دارند و در واقع تکمیل کننده یکدیگرند. قناعت یعنی راضی شدن به اندک خواسته دنیایی، دقیقا در جهت بی رغبتی به دنیا است. هر کدام از زهد و رهبانیت دیدگاهی معکوس به هستی دارند. رهبانیت، به فلسفه زندگی و آفرینش نگاه بدبینانه دارد؛ از مردم بریدن و روی آوری به ریاضت و عبادت، ضد جامعه گرایی و به نوعی فرار از مسئولیت است؛ اما زاهد، جامعه گرایی، مسئولیت پذیری، انتخاب همسر و تولید فرزند را از وظایف خود می داند. در زمینه رابطه زهد و ریاضت باید گفت، مهم در ریاضت مخالفت با نفس است. هم چنین در زهد ریشه دل بریدگی از دنیا مخالفت با نفس است. پس این نقطه اشتراک آن دو می باشد. ولی ریاضت لازمه زهد نیست، هرچند گاهی مقدمه بی رغبتی به دنیا، ریاضت است. در رابطه زهد و تصوف صوفی ها ویژگی هایی دارند که زهد اسلامی از آن خالی است. به عنوان نمونه ویژگی مبالغه در

توکل و ذکر از ویژگی های ایشان است.

دو دسته عامل در پیدایش زهد تأثیر دارد. دسته اول عوامل معرفتی و اعتقادی انسان است. شناخت انسان به خدا و جهان هستی، از مهم ترین آن ها است و چنان که در احادیث بسیاری آمده نتیجه شناخت، کناره گیری از دنیاست. هرچیزی که نیاز آدمی را برطرف می سازد، انسان بدان دل می بندد و خداوند برترین موجودی است که همه نیازهای انسانی را برآورده می سازد. شناخت این امر آدمی را به آب رهنمون و از سراب بیزار می نماید. باور داشتن به این که دنیا پل گذر به آخرت است، عامل دیگری در دل نبستن به دنیا است. آگاهی به چهره واقعی دنیا و دریافتن نهایت آن که فنا و نابودی است، به بیزاری و کناره گیری از آن می انجامد.

دسته دوم عوامل عاطفی و اخلاقی است. یادآوری مرگ و سفر آخرتی، موجب کوچک شمردن و کناره گیری از دنیا است. عامل دیگر عشق به خدای تعالی است. در روایت هایی آمده است که هر کس ذکر خدای عزوجل را به نیکوئی در چهل روز انجام دهد، خداوند او را به دنیا بی میل سازد. توجه به آخرت و آگاهی انسان به سرانجامی که در انتظار اوست، عامل دیگری است که باعث روی آوری انسان به زهد و تقوا می گردد. ترس از عذاب الهی نیز عامل دیگری در کناره گیری از دنیا است.

زهد و بی میلی به دنیا مراتبی دارد. مراتب زهد از جهت متعلق زهد از این قرار است:

الف ـ زهد در حرام: پایین ترین مرتبه زهد پرهیز از حرام های الهی است، ولی بر هر مسلمانی واجب است.

ب ـ زهد در شبهات: کناره گیری از اموری که حلال و حرام آن ها مشخص نیست، دومین مرتبه زهد است. امام علی علیه السلام می فرماید: هیچ گونه پارسایی، همانند خودداری از شبهات نیست.

ج ـ زهد در حلال: بی رغبتی به امور مباح و حلال های دنیایی مرتبه بالاتر زهد است. این امر واجب نیست، و باید از حوزه مسایل شرعی خارج نگردد.

د ـ زهد در غیر خدا: بالاترین مرتبه زهد، ترک هر چیزی است که انسان را به غیر خدا می کشاند.

زهـد از جهت رغبت به زهد در دو مرتبه خلاصه می گردد: یکی زهدورزی به این معنا که آدمی به رغم بی میلی، زهد ورزد، تا کم کم صـفت زهـد از عادت های پایـدارش گردد. دیگری زهـد واقعی است. با ادامه دادن زهدورزی، عادت به زهد پدید می آید، به گونه ای که یکی از لذت های آدمی می شود.

مراتب زهد از جهت انگیزه عبارت است از:

الف ـ زهد برای دنیا: پست ترین زهد که جنبه منفی نیز دارد، آن است که به انگیزه به دست آوردن دنیا باشد؛ یعنی آدمی به دنیا رو نیاورد، تا از رنج ها و اندوه های آن در امان ماند.

ب ـ زهد برای ترس از جهنم: در این مرتبه خواسته انسان نجات از خشم خدا و آتش جهنم است.

ج ـ زهدورزی برای بهشت: در این مرتبه علاوه براین که درد و رنج را نمی خواهد، به نعمت های دایمی آخرتی طمع دارد.

د ـ زهـد در جهت دوستی خدا: وقتی انسان وابسـتگی های غیرخدایی را ترک گوید، رفته رفته دلش کانون محبت الهی شده و زهدورزی از روی عشق صورت می گیرد، که این مرتبه از بالاترین مراتب زهد است.

درجه های زهد از جهت روش زهدورزی به ظهور و خفا درجه بندی شده است که مرتبه اخفاء برتر از اظهار آن است.

دل نبستن به دنیا آثار گوناگونی دارد که بر اساس روایات امامان معصوم علیهم السلام به قرار زیر است:

۱ـ توجه نداشتن به غیر خدا

در روایت هایی آمده است که زهد ترک کردن هرچیزی است که انسان را از خدای تعالی باز دارد.

۲ـ آرامش قلب

زاهـد همه غم ها و شادی های دنیا را از دل بیرون کرده، نه به چیزی که از دنیا به او برسـد، شاد می گردد و نه از چیزی که از دست او بیرون رود، محزون می گردد. پس

او همیشه در آرامش است. نیز به سبب آرامشی که در آدمی پدید می آید تحمل سختی ها برایش آسان می شود.

۳_ پرهیز از حرام الهی

وقتی آدمی به مواردی که خدای تعالی حلال فرموده، دل نبندد، لزوما به حرام های الهی نیز بی میل خواهد شد.

۴_ کوتاه شدن آرزو

آرزو یعنی خواهش مانـدن در دنیا. انسان زاهد به دنیا دل نمی بندد، لذا آرزو که میل به ماندن در دنیاست، در او وجود ندارد یا اندک است.

۵_ شکر نعمت های الهی

شکر اعتراف به این است که نعمت ها از آن خـداست و او به آدمیان ارزانی داشـته است. و چون زاهـد، به دنیا دل نمی بنـدد، این باور او را به این اعتراف کشانده و سپاسگزار نعمت های الهی می شود.

۶_ تقرب به خدا

بی تردید وقتی دل آدمی از دوستی دنیا تهی گردید، جای آن را دوستی خدا فرا خواهد گرفت.

۷_ تقویت دین داری

پرداختن به دنیا مانع بزرگی برای خالی شـدن قلب از امور دینی و تفکر در آن است. پس نپرداختن به دنیا، موجب تقویت دین داری است.

۸_ زهد به عنوان زینت و آراستگی معرفی شده است

۹_ حکمت

حکمت دانشـی است که آدمی را از انجام دادن کار زشت باز می دارد. کسی که به دنیا دل بندد، عاشق آن شده و عاشق هیچ گاه عیب معشوقش را نمی بیند؛ اما بی میل به دنیا، با آن دشمنی می نماید و اثر این دشمنی آگاهی بر زشتی های آن است.

۱۰_ محبوب شدن میان مردم

طمع نداشتن به مال مردم به محبوب شدن در نزد آنان می انجامد.

۱۱ـ رهایی از بدبختی

هرکس دوست دار دنیا شود، دچار فتنه ها وآفات آن می گردد، بنابراین، چنان چه انسان به آن دل نبندد، از بدبختی ها و بدفرجامی های آن رهایی می یابد.

۱۲ـ سخاوت و بخشندگی نیز از آثار بی رغبتی به دنیا است

۱۳ـ زندگی ساده

روی آوری به زندگی ساده و بدون تجمل اثر دیگر زهد است.

۱۴ـ ترجیح آخرت بر دنیا

زاهد با شناختی که از دنیای فانی و ماهیت آن دارد، زندگی واقعی خود را در آخرت می جوید.

۱۵ـ اختیار عزت بر ذلت

زاهد خود را زیر سیطره اشیای بی ارزش دنیایی قرار نمی دهد و خود را از قید و بند آن ها می رهاند، در نتیجه عزیز می گردد.

۱۶ـ بیزاری از دنیا

زاهد مرگ را جلوی چشمانش می بیند و زندگی دنیایی را خوش ندارد.

۱۷ـ ترجیح گرسنگی بر سیری

زاهد مصرف کم و بازدهی زیادی دارد. شکم پرستی را سبب انحطاط می داند و می کوشد تنها در جهت تأمین غذای مورد نیاز بدنش گام بردارد. از طرف دیگر می داند مصرف کم و گرسنگی یکی از عوامل باز دارنده شرارت نفس انسانی است.

۱۸ـ غفلت نکردن از مرگ و ترجیح ذکر بر آن اثر دیگری از دل بریدگی از دنیا است.

۱۹ و ۲۰ـ دوستی با دوست خالق و دشمنی با دشمن خالق، اثرهای دوستی با خداوند و بیزاری از دنیا است.

۲۱ـ رحم کردن به مسلمین

به دلیل این که زاهد دوست دار دنیا نیست، اگر بهره ای از دنیا بَرد، به راحتی می تواند به دیگران ببخشد. علاوه بر این، چون به اندازه نیاز پس انداز می نماید، ضعیفان را بیش تر درک می کند و با این دو جهت با دیگران هم دردی می کند و با آنان مهربانی می نماید.

۲۲_ عمل به وظیفه به بهترین صورت از دیگر آثاری است که زاهد در پی آن است.

۲۳_ ایثار

ایثار یعنی دیگران را بر خود مقدم داشتن و برای آسایش دیگران به رنج افتادن. زاهد بر خود تنگ می گیرد، تا به دیگران بدهد؛ در کمال قناعت و سادگی زندگی می نماید، تا دیگران در آسایش باشند.

آفت های زهد در نظر روایت های معصومان علیهم السلام از این قرار است:

۱_ دوستی دنیا: دوستی دنیا صفت مقابل زهد است و این دو با هم جمع نمی شوند. دنیا انسان را از خدا دور و از ذکر او غافل می گرداند. یعنی هر آن چیزی که انسان جداگانه به آن توجه و علاقه پیدا کند.

۲_ آز: کسی که به دنیا دل بندد، همواره خود را تهی دست می یابد. بدین روی، همیشه در پی به دست آوردن دنیا است.

۳_ حزن و اندوه: فطرت انسانی جویای بی نهایت است، پس هرچه از دنیا به دست آورد قانع، نمی شود و بیش از آن را می خواهد، در نتیجه، احساس کمبود کرده به غم و اندوه دچار می گردد.

۴_ بخل: از دیگر آفت های دنیادوستی و رغبت به آن است.

۵_ ثروت اندوزی: خود ثروت اندوزی با زهد تضادی ندارد و این دو به شرط آن که با مال دوستی و دنیاخواهی همراه نباشد، جمع پذیرند.

۶_ طمع: آفتی است که با وجود آن زهد پیشگی معنا ندارد.

۷ــ آرزو: آرزو نوعی خواستن است که خواسته، امور غیرضروری و دور از توان آدمی است. در روایت های بسیاری یکی از وجوه زهد، کوتاهی آرزوها شمرده شده است.

زهد از صفات انبیا و اولیا شمرده شده و خداوند آن را برای معصومان علیهم السلام شرط قرار داده است.

بخش نهم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش نهم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

سیمای زهد در صدا و سیما

سیمای زهد در صدا و سیما

اشاره

سیمای زهد در صدا و سیما

زیر فصل ها

ضرورت طرح بحث زهد در صدا و سیما

ضرورت طرح بحث زهد در صدا و سیما

در جهان کنونی رسانه های جمعی به ویژه صدا و سیما در تأثیرگذاری روحی و روانی و نیز الگوسازی جامعه مهم ترین نقش را دارد. بسیاری دگرگونی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی به نحوه نگرش رسانه ها به مسایل بستگی دارد. انسانِ کنونی در برهه ای است که با شکل گیری از تبلیغات درست یا تبلیغات فاسد، راه حق یا مسیر انحراف و باطل را می پیماید. تبلیغات استکبار جهانی علیه اسلام ناب محمدی و ارزش های آن در این راستا است از نمونه های مهم هجوم گسترده استکبار علیه ارزش های اسلامی، تبلیغات و ایجاد دلبستگی بسیار زیاد به مسایل دنیایی است. مهم ترین آفتی که انقلاب اسلامی و ارزش های اسلامی را تهدید می نماید، کشاندن مردم به سوی دنیا است: زیرا چنان چه در روایات آمده ریشه تمامی بدبختی های بشر،(۱) دل بستگی و محبت به دنیا است. به همین جهت می توان با ارایه و طرح درست و منطقی زهد که در مقابلِ دوستی دنیا است، با این تهدید مبارزه نمود و مردم را در برابر هجوم بیگانگان مصون بداریم.

حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای دراین باره می فرماید:

به نظر ما امروز آن زمانی است که بایستی جامعه را به زهد فرا بخوانیم؛ زیرا به سمت

۱- الدنیا رأس کل خطیئه.

تموّل پیش می رود و ثروت در کشور رو به ازدیاد است و جایی است که اگر چنان چه کسانی اهل دنیا باشند، می توانند ثروت را از طریق مختلف به دست آورند و آن را «علی غیر حله»(۱) کسب و خرج کنند.(۲)

ایشان با اشاره به این که یکی از روش های مبارزه و نفوذ در دستگاه حاکمان جور، زهد می باشد، می فرماید:

روحانیت بادو چیز، یکی با علم و یکی با زهدش توانست علی رغم خواست آن ها [اشخاص فاسد شاهنشاهی]در دستگاه های مختلف و در دانشگاه که جایی برای ماها نبود و مظهر و مرکز تبلیغات ضدآخوندی بود، نفوذ کند.(۳)

زندگی ساده و بی آلایش همه مردم در نخستین روزهای انقلاب و رزمندگان اسلام در جبهه ها را فراموش نکرده ایم. به راستی مگر نه این است که بسیاری از برکاتی که به آن رسیده ایم، به دلیل همان روحیات و روش و منشِ ساده و بدون تشریفات بود؟

به هر حال از مهم ترین مسایلی که لازم است به طور صحیح در صدا و سیما طرح گردد، زهد پذیرفته شده پیشوایان معصوم علیهم السلام است. به ظاهر صدا و سیمای جمهوری اسلامی در این مسیر وظیفه خود را به خوبی انجام نداده است. به ویژه در سال های اخیر بسیاری از برنامه ها مردم را به سوی تشریفات و تجمّلات کشانده است. باید سیمای حقیقی زهد در صدا و سیما به نمایش گذاشته شود؟ برنامه سازان باید به مردم بفهمانند که اسلام با دنیا داری مخالفتی نکرده است و تنها با دل بستن به دنیا مخالفت نموده است.

۱- در غیر راه حلال.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در درس خارج فقه، ۱۴/۶/۱۳۷۴.

۳- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت، ۱۳/۸/۱۳۶۹.

آموزش درست و منطقی

آموزش درست و منطقی

آن چه در این دوران مهم به نظر می رسد آموزش صحیح مقوله زهد است. بسیاری زهد را در کناره گیری از دنیا می دانند. از این رو، هنگام بحث از زهد و زاهد، مفهوم رکود، خمودگی، انزوا و ایستایی به ذهن می رسد.

بحث های گذشته نشان می دهد که مفهوم زهد، پویایی بسیار زیادی به جامعه بشری می بخشد.

زهد حقیقی می گوید: «دنیا را داشته باش؛ ولی علاقه مند و بنده دنیا مباش.» در عمل نتیجه چنین اعتقادی سبب می شود که روحیه از خود گذشتگی، انفاق، آرامش و... انسان را در برگیرد و چرخ های گوناگون اقتصاد، تولید، سیاست و... در جامعه به چرخش درآید. بنابراین آموزش درست و منطقی زهد در قالب های گوناگون، مهم و اساسی است.

آسیب شناسی زهد در رسانه

آسیب شناسی زهد در رسانه

برخی عوامل سبب دوری ذهن بیننده و شنونده از زهد حقیقی است و تأثیرگذاری های ناخواسته ای در پای بندی به زهد دارد. به همین جهت لازم است از آن ها به نحو شایسته ای پیش گیری گردد. مهم ترین عواملی که تأثیرگذاری های ناخواسته در پی دارد، از این قرار است:

ـ ارایه صحنه های ترغیب کننده به تشریفات و کارهای غیرضروری؛

ـ برنامه هایی که دلبستگی و آزمندی به دنیا را زیاد می کند؛

ـ برنامه هایی که بهره مند نبودن از دارایی های دنیایی را کوچک می شمارد؛

ـ برنامه هایی که ثروت اندوزی و بخل را در جامعه برمی انگیزد؛

ـ سست کردن برخی باورهای اسلامی، مثل زندگی دوباره انسان پس از مرگ و حساب رسی؛

ـ سست کردن ارزش های اسلامی، مثل ایثار و گذشت.

الگوسازی

الگوسازی

زهد سالم در زندگی پیشوایان معصوم علیهم السلام و بسیاری از بزرگان و دانشمندان اسلامی، بوده است. از این رو، باید در برنامه های داستانی، فیلم ها و مصاحبه ها به آن پرداخته شود.

برای نمونه می توان به داستانی از نهج البلاغه که در فصل اول آمده است، اشاره نمود: دو برادر که یکی منزلی وسیع دارد و دیگری گوشه نشینی برگزیده است. اولی به دلیل این که در آخرت به آن خانه نیازمندتر است، از سوی امیرمؤمنان علیه السلام سرزنش می شود. البته آن حضرت یادآوری می کند که چنان چه بخواهی میتوانی با این خانه، آخرت را نیز به دست آوری. برادر دیگر هم به سبب این که نعمت های الهی را بر خود حرام کرده، از سوی امام سرزنش و نکوهش می گردد.

ارایه محورهای برنامه سازی

ارایه محورهای برنامه سازی

۱ــ بهره گیری از سریال ها و داستان های کوتاه در مورد سیره عملی زندگی امامان معصوم علیهم السلام، بزرگان و کسانی که به نحوی زهد حقیقی را در زندگی تجربه کرده اند. مثلاًـ میتوان به زندگی حضرت امام رحمهم الله، مقام معظم رهبری (دام ظله) و شهید رجایی اشاره کرد؛

۲ــ بهره گیری از الگوهای انقلاب، رزمندگان و شهیدان گران قدر انقلاب اسلامی؛ مانند مستندهایی همچون روایت فتح؛

۳ــ برنامه ریزی میزگرد و گفت وگو با چهره های سرشناس دینی و مردمی؛

۴ــ بهره گیری از موضوع زهد در مسابقه های گوناگون صدا و سیما؛

۵ــ پرهیز از دنیاگرایی در جنبه های مختلف برنامه های صدا و سیما؛

۶ــ پرهیز از تبلیغات و آگهی هایی که مردم را به سوی دنیا خواهی می کشانند؛

۷ــ بهره گیری از شگردهای گوناگون فرهنگی برای القا به نسل جوان و نیز کودکان در برنامه های ویژه آن ها؛

۸ــ تبیین درست و دقیق معنای زهد در بحث های کارشناسی؛

۹ــ تبیین درست مفهوم دنیا، دنیاخواهی و فانی بودن دنیا در کارشناسی ها؛

۱۰ــ ایجاد انگیزه برای ویژگی های پسندیده اخلاقی همچون ایثار، سخاوت، ساده زیستی و قناعت.

پرسش های مصاحبه ای

پرسش های مصاحبه ای

۱ــ به نظر شما زهد به چه معنا است؟

۲ــ آیا اسلام به زهد تأکید کرده است؟ چرا؟

۳ــ آیا زهد با مال اندوزی منافات دارد؟ چگونه؟

۴ــ اسلام چگونه انسان را به زهد تشویق کرده است؟

۵ــ برای زاهد شدن چه باید کرد؟ چه افرادی بایستی در این زمینه پیش قدم باشند؟

۶ــ آیا دوست دارید زاهد باشید؟ چرا؟

۷ــ آیا بزرگان دین ما زاهد بوده اند؟

۸ــ تأثیرهای منفی تجمل گرایی در زندگی چیست؟

۹ــ آیا اسلام، دنیا را نکوهش کرده است؟ چرا؟

۱۰ــ به نظر شما زاهدان واقعی در انقلاب ما چه کسانی بوده اند؟

۱۱ــ آیا دوستی دنیا سبب پیش رفت انسان است یا نکوهش آن؟

۱۲ــ دیدگاه شما نسبت به دنیا چیست؟

۱۳ــ تأثیرهای مثبت ساده زیستی در دنیا چیست؟

۱۴ــ آیا گسترش زهد در جامعه لازم است؟

۱۵ــ چگونه می توان زهد را در جامعه گسترش داد؟

۱۶ــ انتظار شما از مسئولان در رابطه با زهد و ساده زیستی چیست؟

۱۷ــ نقش کارگزاران حکومت در گسترش زهد چیست؟

۱۸ــ آیا زهد یک ارزش است؟

۱۹ــ چگونه می توان زهد را به عنوان یک ارزش گران بها در جامعه رواج داد؟

۲۰ــ صفتی که در مقابل زهد مطرح شده، چیست؟

۲۱ــ چرا زهد، پسندیده و دل بستگی به دنیا ناپسند است؟

۲۲ــ تأثیرهای ویران کننده رفاه طلبی در زندگی چیست؟

۲۳ــ روش های پیش گیری از رفاه طلبی و اشرافی گری چیست؟

۲۴ــ به نظر شما برداشتن تشریفات تا چه حد ما را در حل مشکلات زندگی کمک می کند؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱ــ زهد حقیقی در قرآن و روایات به چه معناست؟

۲ــ دیدگاه های گوناگون در رابطه با مفهوم زهد چیست؟

۳ــ آیا دنیا داری و زهد با یکدیگر منافات دارد؟ چگونه؟

۴ــ آیا تأثیرهای زهد تنها قلبی است یا در مرحله عمل نیز ظهور دارد؟

۵ــ زهد حقیقی در اسلام با خمودگی، ایستایی و عدم نشاط چگونه جمع پذیر است؟

۶ــ زهد و تجمل گرایی چه ارتباطی با هم دارند؟

۷ــ زهد با تشریفات و اشرافی گری چه ارتباطی دارد؟

۸_ ساده زیستی چگونه از زهد ناشی می شود؟

۹_ اثرهای اجتماعی ساده زیستی در زندگی چیست؟

۱۰_ ویژگی های یک زاهد حقیقی چیست؟

۱۱_ آیا پیشرفت انسان در زندگی، مانع زهدورزی نیست؟

۱۲_ ارتباط فانی بودن دنیا و زهد در چیست؟

۱۳_ تفاوت رهبانیت و زهد چیست؟

۱۴_ تشویق به زهد چگونه امکان پذیر است؟

۱۵_ آیا تهاجم فرهنگی، به مقوله زهد نیز توجه دارد؟

۱۶_ زهد امیرالمؤمنین علیه السلام را توضیح دهید؟

۱۷_ آیا زهدورزی کارگزاران حکومتی لزومی دارد؟ چرا؟

۱۸_ دنیا از نظر یک زاهد واقعی چگونه است؟

۱۹_ چگونه می توان بین زهدورزی و کار و تلاش در جامعه ارتباطی سازنده برقرار کرد؟

۲۰_ نقش کلیدی و اساسی زهد در زندگی انسان چیست؟

۲۱_ زهد با قناعت در زندگی چه ارتباطی دارد؟ اثرهای قناعت در زندگی اجتماعی چیست؟

۲۲_ دیدگاه امام علی علیه السلام در رابطه با زهد و ساده زیستی مسئولان چیست؟

۲۳_ زهدورزی در زندگی چه لزومی دارد؟

۲۴_ رابطه زهد و تقوا چیست؟

۲۵_ ارتباط زهد و فقر چگونه است؟ آیا زاهد فقیر نیست؟ چرا؟

۲۶_ چه صفاتی، انسان را از زهد حقیقی دور می سازد؟

۲۷ـ الگوهای زهد در تاریخ بشری کدامند؟

۲۸ـ آیا آن چه به عنوان زهد در امت های پیشین و نیز در غیر مسلمانان مشهور

می باشد، مورد تأکید اسلام است؟

۲۹_ راهبردهای عملی زهد در جامعه چیست؟

پیام های کوتاه [زیرنویس]

پیام های کوتاه [زیرنویس]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

جُلساءَ اللّه غدا اَهْلُ الورعِ و الزُّهد فی الدُّنیا(۱)

فردا [ی قیامت] هم نشینان خدا پرهیزگاران و زاهدان در جهانند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

لاتَکوُنُ زاهِدا حَتّی تَکُونَ مُتَواضِعا.(۲)

تا فروتن نباشی، زاهد نگردی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

مَا التَّخَذَ اللّه ُنَبِیا إلاّ زاهدا.(۳)

خداوند هیچ پیامبری برنگزید، مگر این که زاهد بود.

علی علیه السلام

الزُّهْدُ مَتجَرٌ رابِحٌ(۴)

زهد تجارت خانه سودمندی است.

علی علیه السلام

۱- نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۱۰.

۲- نهج الفصاحه، حدیث ۲۴۸۴.

۳- میزان الحکمه، ۴/۲۴۸.

۴- میزان الحکمه، ۴/۲۴۸.

الزُّهْدُ ثَرْوَةٌ(۱)

زهد سرمایه است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ما عُبِدَ اللّه ُبِشَیْ ءٍ أَفْضَلُ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنيا.(۲)

خداوند به هیچ چیزی بهتر از زهد در دنیا، پرستش نشده است.

علی علیه السلام

الزُّهْدُ تَقْصيرُ الآمالِ، وَ إِخْلاصُ ٱلْأَعْمالِ.(۳)

زهد کوتاه کردن آرزوها و خالص کردن اعمال است.

علی علیه السلام

أَحْزَمُكُمْ أَزْهَدُكُمْ.(۴)

با تدبیرترین شما زاهدترین شماست.

علی علیه السلام

أَزْهِدْ فِی الدُّنیا تَنْزِلُ عَلَیْکَ الرَّحْمَهُ.(۵)

زهد را در دنیا پیشه خود ساز، تا رحمت الهی بر تو فرود آید.

علی علیه السلام

لَنْ یَفْتَقِرَ مَنْ زَهَدَ.(۶)

کسی که زهد ورزد، هرگز تنگ دست نمی گردد.

۱- میزان الحکمه، ۴/۲۴۸.

۲- میزان الحکمه، ۴/۲۴۹.

۳- میزان الحکمه، ۴/۲۵۲.

۴- میزان الحکمه، ۴/۲۵۷.

۵- میزان الحکمه، ۴/۲۶۳.

۶- میزان الحکمه، ۴/۲۶۳.

علی علیه السلام

مَنْ زَهَدَ فِی الدُّنْیا اِسْتَهانَ بِالْمُصیباتِ.(۱)

کسی که در دنیا زهد بورزد، دشواری ها و گرفتاری ها بر او آسان می گردد.

علی علیه السلام

مَعَ الزُّهد تُثْمِرُ الحکمه.(۲)

نتیجه حکمت با زهد به ثمر می نشیند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

أَزْهَدَ النّاسِ مَنِ اجْتَنَبَ الْحَرامَ.(۳)

زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری گزینند.

علی علیه السلام

الزُّهْدُ أَصْلُ الدّینِ.(۴)

زهد اصل و اساس دین است.

استاد شهید مطهری رحمهم الله

زهد، قدرت روحی است نه ضعف اقتصادی.(۵)

استاد شهید مطهری رحمهم الله

زهد اسلامی عبارت است از برداشت کم برای بازدهی زیاد.(۶)

استاد شهید مطهری رحمهم الله

۱- میزان الحکمه، ۴/۲۶۳.

۲- میزان الحکمه، ۴/۲۶۴.

۳- میزان الحکمه، ۴/۲۶۵.

۴- میزان الحکمه، ۴/۲۵۰.

۵- حق و باطل، مرتضی مطهری، ص ۱۲۷.

۶- سیری درنهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۲۴۷.

زهد برای آدمی تمرین روح است. روح با زهد ورزش می یابد و تعلقات اضافی را می ریزد، سبکبال و سبکبار می گردد و در میدان فضایل، سَبُکْ به پرواز درمی آید.(۱)

۱- سیری درنهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۲۴۹.

کتاب نامه

کتاب نامه

الف) کتاب های عربی

* قرآن کریم

۱ـ آقا بزرگ تهرانی؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ه . ق.

۲ـ آمدی، عبدالواحد؛ [قرن پنجم] غررالحکم و درالکلم، محمدعلی انصاری، دارالکتاب، بی تا.

۳ـ ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، داراحیاء الکتب العربیه، عیسی البابی الحلبی و شرکاه تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم الطبعه الثانیه، ۱۹۶۷م ـ ۱۳۷۸ ه . ق، منشورات مکتبه آیه اللّه العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه . ق.

۴ـ ابن اثیر؛ مجدالدین ابی السعادات المبارک بن محمد الجزری [۵۴۴ ـ۶۰۶ ه . ق]؛ النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق: محمود محمد الطناحی و طاهر احمد الزاوی، بیروت ـ لبنان، المکتبه الاسلامیه و احیاء التراث العربی، ۱۳۸۳ ه . ق ـ ۱۹۶۳م.

۵ـ احسان بخش رشتی، صادق؛ آثارالصادقین، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۹.

۶ـ الحویزی، عبدعلی بن جمعه عروسی؛ تفسیر نور الثقلین، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۲۵ ربیع الاول ۱۳۸۳.

۷ـ اهوازی، حسین بن سعید؛ [قرن دوم و سوم]، الزهد، تحقیق: غلامرضا عرفانیان، المطبعه العلمیه بقم، ذی الحجه ۱۳۹۹ ه . ق.

۸ـ پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه [مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم]، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ پانزدهم، ۱۳۶۰.

۹ـ حرانی، ابومحمدحسن بن علی بن حسین بن شعبه؛ تحف العقول،انتشارات علمیه

اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۳.

۱۰_ حر عاملی، محمدبن حسین؛ وسایل الشیعه، طهران، چ ۵، مکتبه الاسلامیه _ ۱۳۹۸ ه . ق.

۱۱_ حکیمی، محمدرضا. محمد و علی؛ الحیاه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۰۹ ه . ق.

۱۲_ دشتی، محمد؛ نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، آبان ۱۳۷۲.

۱۳_ دشتی، محمد و محمدی کاظم؛ المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، امام علی علیه السلام چاپ دوم، آبان ماه ۱۳۶۹.

۱۴_ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمدبن مفضل؛ المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، الطبع الثانی ۱۴۰۴ ه . ق.

۱۵_ صالح، صبحی؛ نهج البلاغه، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه . ق. ۱۹۶۷م.

۱۶_ صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی؛ الخصال، انتشارات علمیه اسلامیه، تصحیح: سیداحمد فهری زنجانی، بی تا.

۱۷_ طباطبائی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت _ لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ه . ق، ۱۹۷۴م.

۱۸_ طباطبایی، محمدحسین؛ سنن النبی صلی الله علیه و آله وسلم ، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.

۱۹_ طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت _ لبنان، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ه . ق _ ۱۹۸۸م.

۲۰_ طبرسی، ابوعلی؛ مکارم الاخلاق، مؤسسه فراهانی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

۲۱_ طریحی، فخرالدین؛ [وفات ۱۰۸۵]، مجمع البحرین، تحقیق: محمود عادل، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.

۲۲_ عبده، محمد؛ نهج البلاغه، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه . ق _ ۱۳۷۰ ش.

۲۳_ غزالی، ابوحامد محمد؛ احیاء علوم الدین، بیروت _ لبنان، دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۹۵ ه . ق _ ۱۹۷۵م.

۲۴_ غزالی، ابوحامد محمد؛ کیمیای سعادت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.

۲۵_ فیض کاشانی، محسن؛ المحجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

۲۶_ فؤاد عبدالباقی، محمد؛ المعجم المفهرس لالفاظ القران الکریم، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴م.

۲۷_ قضاعی مغربی، ابوالحسن علی بن احمد معروف به ابوعبداللّه محمد قضاعی مغربی؛[محدث شافعی مذهب ۴۵۴م]، ترک الاطناب فی شرح الشهاب یا مختصر فصل الخطاب، انتشارات دانشگاه تهران، ۹۳۶، ۱۳۴۳ ه . ش.

۲۸_ قمی، مرحوم شیخ عباس؛ مفاتیح الجنان، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳.

۲۹_ کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی؛ اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، [۴جلدی]، بی تا.

۳۰_ کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی؛ الروضه من الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.

۳۱_ مجلسی، محمدباقر؛ [م ۱۱۱۱] بحارالانوار، تهران، بازار سلطانی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.

۳۲_ محمدری شهری؛ میزان الحکمه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ه . ق.

۳۳_ معادیخواه، عبدالمجید؛ فرهنگ آفتاب [فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه]،

انتشارات ذرّه، ۱۳۷۲، چاپ اول.

۳۴_ معلوف، لویس؛ المنجد فی اللغه والاعلام، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول ۱۳۶۲.

۳۵_ مفید، محمدبن محمدبن نعمان عُکبری بغدادی؛ امالی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۴.

۳۶_ نراقی، محمدمهدی؛ (م ۱۲۰۹ ه)، جامع السعادت، تحقیق و تعلیق: محمدرضا مظفر، بیروت، چاپ دوم، مطبعه النجف ۱۳۷۵ ه . ق _ ۱۹۵۵م.

۳۷_ وِنْسِنْک، أ.ی. استاد العربیه بجامعه لَیْدن و منسنج، ی.پ.محاضرالعربیه بجامعه لیدن؛ المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی،الجزء الثانی (خب _ سنر)، مطبعه بریل فی مدینه لیدن، ۱۹۴۳.

ب _ کتاب های فارسی

۳۸_ انصاریان، حسین؛ عرفان اسلامی شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، طلوع آزادی، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۳۹_ جعفریان، رسول؛ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۴۰_ جعفری، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸

۴۱_ خمینی، امام روح اللّه الموسوی قدس سره؛ چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

۴۲_ دهخدا، علی اکبر؛ لغتنامه، چاپ دانشگاه تهران، زیر نظر محمد معین، ۱۳۳۹ ه . ش.

۴۳_ دیلمی؛ ارشادالقلوب، برگردان: سید هدایت اللّه مسترحمی، کتاب فروشی بوذرجمهری مصطفوی، چاپ سوم، ۱۳۴۹.

۴۴ـ رازی، ابوالفتوح؛ [قرن ششم هجری]، تفسیر رَوْح الجِنان و رُوح الجَنان،تصحیح: میرزا ابوالحسن شعرانی، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۹۸ ه . ق.

۴۵ـ زنجانی، عمید؛ تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۶.

۴۶ـ سادات، محمدعلی؛ اخلاق اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها [سمت]، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

۴۷ـ سجادی، سیدجعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی، چاپ خانه کاویان، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، اردیبهشت ۱۳۶۲.

۴۸ـ شفیعی مازندرانی، سیدمحمد؛ زهد اسلامی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، پاییز ۱۳۷۵.

۴۹ـ علیزاده، محمدجواد؛ زهد راستین، مشهد، چاپ خانه سعید، چاپ اول، آذر ۱۳۷۴.

۵۰ـ قرائتی، محسن؛ معاد، مؤسسه در راه حق، چاپ سوم، زمستان ۱۳۶۸.

۵۱ـ گولد تسهیر [مستشرق آلمانی]؛ زهد و تصوف در اسلام، برگردان: محمدعلی خلیلی، شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء، چاپ اقبال، تهران اسفند ۱۳۳۰.

۵۲ـ محدث، سیدجلال الدین؛ شرح فارسی غرر و دررآمدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶.

۵۳ـ مطهری، مرتضی؛ آشنائی با علوم اسلامی، انتشارات صدرا، بی تا.

۵۴ـ ______________________؛ بیست گفتار، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۵۸.

۵۵ـ ______________________؛ حق و باطل، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۵۶ـ ______________________؛ سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، بی تا.

۵۷ـ مقدس اردبیلی احمدبن محمد؛(م.۹۹۳)، حدیقه الشیعه، انتشارات علمیه اسلامیه، بی تا.

۵۸_ مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، زمستان ۱۳۶۷.

۵۹_ میرزامحمدی، علیرضا، و جمعی از پژوهندگان؛ مفتاح المیزان، مرکز نشر و فرهنگی رجاء، ۱۳۶۴.

۶۰_ نراقی، احمد؛ معراج السعاده، انتشارت رشیدی، تیرنگ، چاپ دوم، بهمن ماه ۱۳۶۱.

۶۱_ نیرومند محقق، کریم؛ تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن، کتاب فروشی ستاره، زنجان، ۱۳۶۴.

۶۲_ ورام بن ابی فراس، ابوالحسین؛ [۶۰۵م]، مجموعه ورام، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹